
تفسیر نور
(سورہ انعام)


بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر نور (سوره انعام)

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر نور (سوره انعام)

مشخصات کتاب

سرشناسه : قرائتی محسن ۱۳۲۴ - عنوان و نام پدیدآور : تفسیر نور/ تالیف محسن قرائتی مشخصات نشر : قم موسسه در راه حق ۱۳۷۴ - مشخصات ظاهری : ج. شابک : دوره ۹۶۴-۲-۹۰۴۰۲-۷-۷ : ؛ ۴۰۰۰۰ ریال (دوره، چاپ دوم) ؛ ۰۰۰۲۱ ریال (دوره، چاپ سوم) ؛ ۰۰۰۲۱ ریال : دوره، چاپ چهارم ۹۶۴-۵۲۴۶-۳۵-۴ : ؛ ۰۰۰۷۱ ریال : دوره، چاپ هشتم ۹۶۴-۲۵۶۵-۹۰-X : ؛ ج.۱ ۹۶۴-۵۲۴۶-۹۴-۶ : ؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج.۱، چاپ دوم) ؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج.۱، چاپ سوم) ؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج.۱، چاپ چهارم) ؛ ج.۲ ۹۶۴-۵۲۴۶-۶۵-X : ؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج.۲، چاپ دوم) ؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج.۲، چاپ سوم) ؛ ۰۰۰۲۱ ریال : ج.۲، چاپ چهارم ۹۶۴-۵۲۴۶-۰۵-X : ؛ ۰۰۰۰۱ ریال (ج.۳، چاپ اول) ؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج.۳، چاپ سوم) ؛ ۰۰۰۸ ریال (ج.۴، چاپ اول) ؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج.۴، چاپ سوم) ؛ ۰۰۰۵۱ ریال : ج.۴، چاپ پنجم ۹۶۴-۵۲۴۶-۹۴-۶ : ؛ ۰۰۰۲۱ ریال : ج ۵ ۹۶۴-۲۰۴۰۹-۶-۹ : ؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج.۵، چاپ پنجم) ؛ ۰۰۰۳۱ ریال (ج.۵، چاپ ششم) ؛ ج ۶ ۹۶۴-۲۵۶۵-۲۰-۲ : ؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج.۶، چاپ اول) ؛ ۰۰۰۲۱ ریال (ج.۶، چاپ سوم) ؛ ۰۰۰۳۱ ریال (ج.۶، چاپ چهارم) ؛ ۰۰۰۵۱ ریال (ج.۶، چاپ پنجم) ؛ ۰۰۰۷۱ ریال : ج.۶، چاپ هفتم ۹۶۴-۲۵۶۵-۸۱-۹ : یادداشت : ج ۱و ۲ (چاپ دوم زمستان ۴۷۳۱). یادداشت : ج.۱ (چاپ سوم تابستان ۵۷۳۱). یادداشت : ج.۱ (چاپ چهارم: زمستان ۵۷۳۱). یادداشت : ج.۲ (چاپ دوم: پاییز ۶۷۳۱). یادداشت : ج ۲ و ۳ (چاپ سوم ۷۷۳۱). یادداشت : ج ۳ (چاپ اول پاییز ۵۷۳۱). یادداشت

: ج ۴ (چاپ اول ۱۳۷۵). يادداشت : ج ۳ و ۴ (چاپ دوم پاييز ۱۳۷۶) . يادداشت : ج.۴ (چاپ پنجم: ۱۳۷۹). يادداشت : ج ۵ (چاپ پنجم زمستان ۱۳۷۸). يادداشت : ج ۵ (چاپ ششم پائيز ۱۳۷۹). يادداشت : ج ۶ (چاپ سوم زمستان ۱۳۷۹). يادداشت : ج ۶ (چاپ چهارم ۱۳۷۹). يادداشت : ج ۶ (چاپ پنجم ۱۳۸۰). يادداشت : ج ۶ (چاپ هفتم و هشتم: ۱۳۸۲). يادداشت : كتابنامه مندرجات : .-ج.۲. آل عمران، النساء.- ج.۳. مائده، انعام.- ج.۴. اعراف، انفال.- موضوع : تفاسير شيعه -- قرن ۱۴ شناسه افزوده : موسسه در راه حق رده بندى كنگره : BP۹۸ /ق۳۵ت۷ ۱۳۷۴ رده بندى ديويى : ۲۹۷/۱۷۹ شماره كتابشناسى ملى : م ۷۵-۴۷۰۰

سیمای سوره انعام

اين سوره ، يكصد وشصت وپنج آيه دارد وهمه ى آياتش يكجا در مكّه و با تشريفات خاصّى نازل شده است . جبرئيل ، اين سوره را با بدرقه ى هفتاد هزار فرشته بر پيامبر خدا صلى الله عليه و آله نازل كرد .

پيام اصلى آيات اين سوره ، مبارزه با شرك و دعوت به توحيد است . از آنجا كه مشركان جزيره العرب به اعتقاد خود ، بعضى چهارپايان را حلال و برخى را حرام مى دانستند ، قرآن در مقام مبارزه با اينگونه خرافات و باورهاى غلط ، از آيه ى ۱۳۶ اين سوره به بعد ، احكامى را در مورد چهارپايان بيان مى دارد كه بدين جهت اين سوره ، انعام نام گرفته است .

رواياتى درباره ى فضيلت اين سوره و نيز

برآورده شـدن حـاجت به واسـطه ی تلاـوت این سوره آمـده است . از جمله از امـام صادق علیه السـلام نقل شـده که هر کس چهار رکعت نماز (با دو سلام) بخواند ، آنگاه این سوره و سپس دعایی را قرائت کند ، حاجاتش برآورده می شود . (۱)

در هیـچ سوره ای به اندازه ی این سوره ، کلمه ی قل نیامده است . تکرار ۴۴ بار این خطاب به پیامبر ، شاید به خاطر آن است که در این سوره ، عقائـد باطـل و انحراف هـا و توقّعـات بی جـای مشـرکان بیان شـده و لاـزم است قاطعیّت در کار باشـد . این مطلب بیانگر آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله ماءمور است متن وحی را بی کم و کاست بگوید .

بِسْمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحِیم

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

آیه اول

آیه اول

۱ـاءَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ الْسَّمَوتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الْظُّلُمَتِ وَ الْنُورَ ثُمَّ الَّذِینَ کَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ

ستایش مخصوص خداوندی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را قرار داد ، امّا کافران (دیگران را) با پروردگارشان برابر و همتا می گیرند .

نکته ها

O در تمـام قرآن ، واژه ی نور مفرد و واژه ی ظلمـات به صورت جمع آمـده است . اصولاـ حقّ ، یکی و راههـای باطل بسـیار است . آری نور ، نشانه ی وحدت و ظلمات ، نشانه ی پراکندگی است . یعدلون از عدل ، به معنای همتاست .

O اوّلین آیه ی این سـوره ، به آفرینش نظـام هسـتی ، دوّمین آیه به آفرینش انسـان و سـوّمین آیه به نظـارت بر اعمـال و رفتـار انسان اشاره دارد .

O به فرموده ی حضرت علی علیه السلام : این آیه ، پاسخ به سه گروه از منحرفان است :

الف : مادّیون که منکر آفرینش الهی و حدوث خلقتند . خلق السماوات . . .

ب : دوگانه پرستان که برای نور و ظلمت دو مبداء قائلند . جعل الظّلمات والنّور(۲)

ج : مشرکین که برای خداوند ، شریک وشبیه قائلند . ثمّ الّذین کفروا بربّهم یعدلون (۳)

O امام موسـی بن جعفر۸ دربـاره ی . . . بربّهم یعـدلون فرمودنـد : یعنی کـافران ، ظلمـات و نور و جور و عـدل را یکسـان می شمارند . (۴)

پیام ها

۱ خداوند هم از عدم به وجود آورده است ، هم در موجودها ، کیفیّات جدید و نوآوری هایی قرار می دهد . (آفرینش ابتدائی خَلَق آفرینش تَبعی جَعَل)

۲ شریک دانستن برای خدا ، نوعی انکار خدا وکفر به اوست . الّذین کفروا بربّهم یعدلون

آیه۲

آیه۲

۲-هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِن طِینٍ ثُمَّ قَضَیً اءَجَلاً وَاءَجَلٌ مُسَمّیً عِندَهُ ثُمَّ اءَنْتُمْ تَمْتَرُونَ

او کسی است که شما را از گل آفرید ، پس از آن اءجلی را (برای زندگی شما در دنیا) قرار داد و اءجلی معیّن (که مربوط به آخرت یا غیر قابل تغییر در دنیاست) نزد اوست . پس (با وجود این) شما شک و شبهه می کنید ؟

نکته ها

O در آیه ی پیش ، مسائل آفاقی و خلقت آسمان ها و زمین مطرح شده ، اینجا خلقت انسان و حیات محدود او در این دنیا آمده است .

O در قرآن ، ۲۱ مرتبه از اءجل مسمّی سخن به میان آمده است .

O خداوند برای عمر انسان دو نوع زمان بندی قرار داده : یکی حتمی که اگر همه ی مراقبت ها هم به عمل آید ، عمر (مانند نفت چراغ) تمام می شود . و دیگری غیر حتمی که مربوط به کردار خودمان است ، مثل چراغی که نفت دارد ، ولی آن را در معرض طوفان قرار دهیم .

O در روایات ، کارهایی چون صله ی رحم ، صدقه ، زکات و دعا سبب طول عمر و اعمالی چون قطع رحم و ظلم ، سبب کوتاه شدن عمر دانسته شده است . (۵)

O امام باقر علیه السلام در مورد اءجلاـ و اءجلٌ فرمود : آنها دو اءجل هستند : یکی محتوم و قطعی و دیگری موقوف (یعنی مشروط و معلّق) . (۶)

O به نقل ابن عباس ، خداوند برای انسان دو اءجل قرار داده : یکی از تولّد تا مرگ ، دیگری از مرگ تا قیامت . انسان

با اعمال خود ، گاهی از یکی می کاهد وبه دیگری می افزاید . پس پایان اءجل هیچکس قابل تغییر نیست . ومایُعمَّر مِن مُعَمَّرٍ ولایَنقَصُ مِن عُمُرِه الاّ فی کتاب (۷)

پیام ها

۱ مدّت عمر و پایان زندگی ، به دست ما نیست . هو الذی . . . . قضی اجلاً

۲ تنها خداوند بر اءجل مسمّی (اءجل قطعی) ، آگاه است . اءجل مسمّی عنده

۳ با آنکه آفرینش و پایان کار انسان ، همه از خدا و به دست اوست ، پس چرا در مبداء و معاد شک کنیم ؟ ثم انتم تمترون

آیه۳

آیه۳

۳-وَهُوَ اللَّهُ فِی السَّمَوَتِ وَفِی الْاَرْضِ یَعْلَمُ سِرَّکُمْ وَجَهْرَکُمْ وَ یَعْلَمُ مَا تَکْسِبُونَ

و اوست که در آسمان ها و در زمین خداوند است . نهان و آشکار شمارا می داند ، و هرچه را به دست می آورید (نیز) می داند .

نکته ها

O در پاسخ به عقیده ی انحرافی چند خدایی (خدای باران ، خدای جنگ ، خدای صلح ، خدای زمین و . . .) این آیه می فرماید : خدای همه چیز و همه جا یکی است .

O امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود : او به تمام مخلوقات از نظر علم و قدرت و سلطه و حاکمیّت احاطه دارد . (۸)

پیام ها

۱ منطقه ی فرمانروایی خداوند ، تمام هستی است . فی السموات و فی الارض

۲ خداوند چون حاکم است ، آگاه است . هو اللّه فی السموات و فی الارض یعلم . . .

۳ آشکار و نهان انسان نزد خداوند یکسان است . (۹) یعلم سرّکم و جهرکم

۴ ایمان به احاطه علمی خداوند ، هم انگیزه برای کار نیک است و هم بازدارنده از کار بد . یعلم سرّکم و جهرکم

۵ خداوند ، از آینده ی کارهای انسان آگاه است . و یعلم ما تکسبون

آیه۴و۵

آیه۴و۵

۴-وَمَا تَاْءتِيهِم مِنْ ءَاَيهٍ مِنْ ءَايَتِ رَبِّهِمْ إِلا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

۵-فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَسَوْفَ يَاءْتِيهِمْ اءَنْبَؤُا مَا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

و هیـچ نشانه و آیه ای از نشانه های پروردگارشان برای آنها نمی آمد ، جز آنکه (به جای تصدیق و ایمان) از آن اعراض می کردند .

پس همین که حقّ برای آنـان آمـد ، آن را تکـذیب کردنـد ، پس به زودی خبرهـای مهم (و تلـخ دربـاره ی کیفر) آنچه را به مسخره می گرفتند به سراغشان خواهد آمد .

نکته ها

O شاید مراد از خبرهای بزرگ در آیه ، خبر فتح مکّه یا شکست مشرکین در جنگ بدر و امثال آن باشد . (۱۰)

پیام ها

۱ برای لجبازان ، نوع دلیل و آیه تفاوتی ندارد ، آنها همه را رد می کنند . آیه من آیات ربّهم

۲ لجوجان و کافران ، حاضـر به شـنیدن و تفکّر و تحقیق کردن نیسـتند ، همین که حقی آمـد ، تکـذیب می کننـد . فقد كَذّبوا بالحقّ لمّا جاءهم

۳ هم بایـد به مؤ منـان دلگرمی داد که راهشـان حقّ است ، بـالحق و هم کافران را تهدیـد کرد که خبرهای تلـخ برایتان خواهد آمد . فسوف ياءتيهم

۴ استهزا ، شیوه ی همیشگی کفّار است . كانوا به يستهزءون

۵ سـقوط انسان سه مرحله دارد : اعراض ، تکـذیب و اسـتهزا . در این دو آیه به هر سه مورد اشاره شده است . معرضـين كذّبوا يستهزءون

آیه۶

آیه۶

۶-ءَلَمْ يَرَوْا كَمْ اءَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِن قَرْنٍ مَكَّنَّهُمْ فِى الاَرْضِ مَا لَم نُمَكِّن لَّكُمْ وَاءَرْسَلْنَا السَّمَآءَ عَلَيْهِم مِدْرَاراً وَجَعَلْنَا الاَنْهَرَ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهِمْ فَاءَهْلَكْنَهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَاءَنْشَاءْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْناً ءَاخَرِينَ

آیـا ندیدنـد که چه بسـیار امت های پیش از آنان را هلاک کردیم ، با آنکه در زمین به آنان جایگاه و توانی داده بودیم که به شما نداده ایم ؟ و (باران و برکت) آسـمان را پی در پی برایشان فرستادیم و نهرهای آب از زیر پاهایشان جاری ساختیم ، پس آنان را به کیفر گناهانشان هلاک کردیم و نسل دیگری پس از آنان پدید آوردیم .

نکته ها

O قَرْن به امّتی گفته می شود که یکپـارچه هلاک شـده باشـند . (۱۱) به مردمی هم که در یک زمان زنـدگی می کننـد ، قرن گفته می شود و چون معمولاًـ یـک نسل ، از ۶۰ تا ۱۰۰ سال طول می کشـد ، از این رو به ۶۰ یا ۸۰ یا ۱۰۰ سال یک قرن می گویند . (۱۲)

O کلمه مدرار به معنای ریزش فراوان و پی در پی باران و به مقدار نیاز است . (۱۳)

پیام ها

۱ افرادی که از تاریخ پند نمی گیرند ، توبیخ می شوند . اءلم یروا

۲ کفّار صدر اسلام از تاریخ امّت های پیشین آگاه بودند و می توانستند درس بگیرند . اءلم یروا

۳ توجّه به زوال نعمت ها و سرنگونی گنهکاران ، از عوامل غفلت زدایی است . اءلم یروا . . . فاهلکناهم بذنوبهم

۴ تمدّن هایی قبل از اسلام وجود داشته و سپس منقرض شده اند . اهلکنا من قبلهم

۵ از روشهای تربیتی قرآن است که داستان های واقعی و آموزنده را برای عبرت مردم نقل می کند . اهلکنا من قبلهم

۶ کیفر آنان که از امکانات خداداد استفاده سوء کنند ، نابودی است . کم اءهلکنا

۷ به جای اءرسلنا من السماء ، فرمود : اءرسلنا السماء (آسمان را برای شما فرستادیم) تا نهایت لطف الهی را بیان کند .

۸ عملکرد مردم ، عامل تحوّلات و حوادث تاریخی است . فاهلکناهم بذنوبهم

۹ هلاکت مردم به سبب گناهانشان ، از سنّت های الهی است . فاهلکناهم بذنوبهم

۱۰ خداوند ، علاوه بر عذاب آخرت ، در این دنیا هم کیفر می دهد . فاءهلکناهم

۱۱ اگر امکانات در

دست صالحان باشد ، نماز را برپا می دارند . ان مکّناهم فی الارض اقاموا الصلاه (۱۴) ولی اگر در دست نااهلان بی ایمان باشد ، فساد و گناه می کنند . مکّناهم . . . فاهلکناهم بذنوبهم

۱۲ امکانات مادّی ، مانع قهر و عذاب الهی نیست . مکّناهم . . . فاهلکناهم آن گونه که کافران خیال می کردند : نحن اکثر اءموالاً واءولاداً ومانحن بمعذّبین (۱۵)

۱۳ امکانات مادّی ، رمز کامیابی نیست . مکّناهم . . . فاهلکناهم چنانکه در جای دیگر می خوانیم : انّ الانسان لیطغی اءن رآه استغنی (۱۶)

۱۴ دو نوع مرگ داریم : طبیعی ، که با رسیدن اءجل است و غیر طبیعی که به خاطر کیفر الهی و با حوادث غیر منتظره است . بذنوبهم

۱۵ قدرتمندان گنهکار فکر نکنند دنیا همیشه به کامشان است ، خداوند دیگران را جایگزین آنان می کند . اءهلکناهم . . . و اءنشاءنا من بعدهم قرناً آخرین

آیه۷

آیه۷

۷-وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَباً فِى قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِاءَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنْ هَذَآ إِلا سِحْرٌ مُبِينٌ

و (کافران لجوج که در پی بهانه جویی اند حتی) اگر نوشته ای را در کاغذی بر تو نازل می کردیم که آن را با دست های خود لمس می کردند ، باز هم کافران می گفتند : این ، جز جادویی آشکار نیست .

نکته ها

O گروهی از مشرکان می گفتند : ما درصورتی ایمان می آوریم که نوشته ای بر کاغذ ، همراه با فرشته ای بر ما نازل کنی . ولی دروغ می گفتند و در پی بهانه جویی بودند .

O قِرطاس چیزی است که بر روی آن بنویسند ، چه کاغذ ، چه چوب ، یا پوست و سنگ ، ولی امروز به کاغذ گفته می شود .

پیام ها

۱ وقتی پای لجاجت در کار باشد ، هیچ دلیلی کارساز نیست ، حتّی محسوسات را منکر می شوند . فلمسوه بایدیهم . . . ان هذا الاّ سحر مبین

۲ نسبت سحر ، از رایج ترین نسبت هایی بود که مشرکان به پیامبر می دادند . ان هذا الاّ سحر مبین

آیه۸

آیه۸

۸-وَقَالُواْ لَوْلاَّ اءُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ اءَنْزَلْنَا مَلَكاً لَقُضِىَ الاَمْرُ ثُمَّ لاَ يُنْظَرُونَ

و (کافران بهانه جو) گفتند : (اگر محمّد ، رسول است) چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت کمک کند) ، در حالی که اگر فرشته ای نازل می کردیم (باز هم لجاجت خواهند کرد و) کار آنان پایان می یافت وهیچ مهلتی به آنان داده نمی شد .

نکته ها

O نزول فرشته ی مورد تقاضای کفّار ، اگر به صورت انسان باشد که مانند همان پیامبر خواهد بود و اگر به صورت واقعی اش جلوه کند ، طاقت دیدن آن را ندارند و با مشاهده ی آن ، جان خواهند داد . (۱۷)

O روحیّه ی شیطانی تکبّر ، اجازه نمی دهد انسان از بشری همانند خود پیروی کند . گاهی می گوید : چرا انبیا مثل ما غذا می خورند و در بازارها راه می روند و همچون ما لباس می پوشند ؟ و قالوا ما لهذا الرّسول یاءکل الطعام و یمشی فی الاسواق (۱۸) گاهی به یکدیگر می گفتند : اگر از پیامبری مثل خودتان اطاعت کنید ، زیان کرده اید . ولئن اءطعتم بشراً مثلکم انّکم اذاً لخاسرون (۱۹)

پیام ها

۱ کفّار بهانه گیر ، انسان را شایسته مقام رسالت نمی دانستند و تقاضای دیدن فرشته را داشتند . لولا انزل علیه ملک

۲ سنّت الهی چنین است که اگر معجزه ای به درخواست مردم انجام شود و انکار کنند ، هلاکت قطعی سراغشان خواهد آمد . (۲۰) لقضی الامر

(شیوه دعوت های الهی ، براساس آزادی ، تفکر ، انتخاب ومهلت داشتن است . تقاضای راه دیگری مانند نزول فرشته یا غذای آسمانی ، فرصت و مهلت را می گیرد ودر این صورت تنها راه ، پذیرش دعوت است وگرنه هلاکت .)

آیه۹

آیه۹

۹-وَ لَوْ جَعَلْنَهُ مَلَكاً لَّجَعَلْنَهُ رَجُلاً وَ لَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَا يَلْبِسُونَ

و اگر (پیامبر را) فرشته قرار می دادیم ، حتماً او را به صورت مردی در می آوردیم (که باز هم می گفتند این انسانی همانند خود ماست و همان شبهه را تکرار می کردند بنابراین) کار را بر آنان مشتبه می ساختیم همان طور که آنان (با ایرادهای خود)

کار را بر دیگران مشتبه می سازند .

نکته ها

O کلمه لَبس (بر وزن درس) به معنای پرده پوشی و اشتباه کاری است ولی کلمه لُبس (بر وزن قفل) به معنای پوشیدن لباس است . (۲۱)

O اگر پیامبر و الگوی انسان ها فرشته باشد ، چگونه می تواند پیشوای انسان هایی باشد که دچار طوفان غرائزند و شکم و شهوت دارند ؟

O ممکن است معنی آیه چنین باشد : اگر پیامبر ، فرشته می شد ، باید به صورت مردی ظاهر شود که او را ببینند ، و این سبب به اشتباه افتادن مردم می شد که آیا او انسان است یا فرشته . للبسنا علیهم

پیام ها

۳ سنّت های الهی حکیمانه است و با تمایلات این و آن عوض نمی شود . لو جعلناه ملکا (حرف لَو نشانه آن است که ما کار خودمان را می کنیم و کاری به تقاضاهای بیجا نداریم .)

۲ برای تربیت و دعوت ، باید الگوهای بشری ارائه داد ، که در دعوت و عمل پیشگام باشند . لجعلناه رجلاً

۳ پیامبران از میان مردم انتخاب می شوند . لجعلناه رجلاً

آیه۱۰

آیه۱۰

۱۰-وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُواْ مِنْهُم مَّا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

و قطعاً پیامبرانی پیش از تو هم استهزا شدند ، پس عذابی که به استهزای آن می پرداختند بر مسخره کنندگان از ایشان فرود آمد .

نکته ها

O این آیه ، تسکینی برای پیامبر اسلام است ، که اوّلاً : پیامبران پیشین هم مورد استهزا قرار گرفته اند . ثانیاً : نه تنها عذاب اخروی ، بلکه قهر دنیوی هم دامنگیر استهزا کنندگان می شود .

پیام ها

۱ یاد مشکلات دیگران ، صبر انسان را زیاد می کند و مبلغ دین نباید از استهزای مخالفان دلتنگ شود . لقد استهزی ء برُسلٍ

من قبلك

۲ استهزا ، یکی از جنگ های روانی دشمن و برای تضعیف روحیه ی رهبران است که باید در برابر آن مقاومت کرد . استهزیء برسل من قبلك

۳ مسخره کنندگان ، عاقبت ذلیل می شوند و استهزا ، دامن خودشان را می گیرد . فحاق بالّذین سخروا

۴ استهزای دین ، یکی از گناهان کبیره است که وعده ی عذاب بر آن داده شده است . فحاق بالّذین سخروا . . .

۵ خداوند حامی انبیاست واستهزا کنندگان را هلاک می کند . فحاق بالّذین سخروا . . .

۶ استهزا شیوه دائمی کفّار است . کانوا به یستهزءون

آیه۱۱

آیه۱۱

۱۱-قُلْ سِيرُواْ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

(ای پیامبر ! به آنان) بگو : در زمین بگردید ، سپس بنگرید که سرنوشت تکذیب کنندگان چگونه شد ؟

نکته ها

O فرمان سیروا فی الارض شش بار در قرآن آمده است . متاءسّفانه کافران بیش از ما به این دستور عمل کردند و وجب به وجب کشورهای اسلامی را کاوش کردند و از منابع ، ذخایر ، نقاط قوّت و ضعف ، آثار فرهنگی ، کتب خطی و هنرهای مسلمانان آگاه شده و آنها را غارت کردند و مسلمانان در خواب غفلت ماندند .

پیام ها

۱ سفرهای علمی وآموزنده وعبرت آور ، ستوده و نیکوست . سیروا . . . ثمّ انظروا

۲ شکست و سقوط مخالفان حقّ حتمی است ، اگر شک دارید ، تاریخشان را بخوانید و با سفر ، آثارشان را ببینید و عبرت بگیرید . سیروا . . . ثم انظروا

۳ عوامل عزّت یا سقوط جوامع ، قانونمند است . اگر عواملی مثل انکار و تکذیب حقّ در زمانی سبب هلاکت شد ، در زمان دیگر هم سبب می شود . سیروا . . . انظروا

۴ یکی از عوامل سقوط تمدّن ها ، تکذیب انبیا است . عاقبه المکذّبین

۵ جلوه های گذرا مهم نیست ، پایان کار مهم است . عاقبه المکذّبین

آیه۱۲

آیه۱۲

۱۲-قُل لِّمَن مَّا فِی السَّمَوَتِ وَ الأَرْضِ قُل لِّلَّهِ کَتَبَ عَلَی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ لَیَجْمَعَنَّکُمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیَمَهِ لاَ رَیْبَ فِیهِ الَّذِینَ خَسِرُوَّاْ اءنفُسَهُمْ فَهُمْ لاَ یُؤْمِنُونَ

بگو : آنچه در آسمان ها و زمین است برای کیست ؟ بگو : برای خداوند است که بر خود ، رحمت را مقرّر کرده است . او قطعاً شما را در روز قیامت که شکّی در آن نیست جمع خواهد کرد . کسانی که خود را باختند (و با هدر دادن استعدادها ، به جای رشد ، سقوط کردند) همانان ایمان نمی آورند .

نکته ها

O موضوع وجوب رحمت بر خدا ، در قرآن دوبار آنهم در این سوره (آیات ۱۲ و۵۴) آمده است .

O جمله ی لاریب فیه ، هم درباره ی قرآن آمده است ، هم درباره ی قیامت .

O خداوند همان گونه که بر ما تکالیفی واجب کرده است ، وظایفی را هم بر خود مقرّر فرموده ؛ از جمله : هدایت کردن : اِنّ علینا للهدی (۲۲) ، رزق دادن : علی اللّه رزقها (۲۳) ، لطف کردن : کتب علی نفسه الرّحمه (۲۴) و پیروزی وغلبه ی دین خدا : کتب اللّه لاغلبنّ انا و رسلی (۲۵) ولی شرط بهره مند شدن از رحمت الهی ، رحم به بندگان است . چنانکه در حدیث آمده است : مَن لایَرْحَم لا یُرحَم (۲۶)

O سلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود : رحمت خداوند ، صد درجه است ، یک درجه ی آن ، منشاء همه ی الطاف الهی در دنیا شده است ، خداوند در قیامت ، با همه ی صد

درجه رحمت خود با مردم معامله خواهد کرد . (۲۷)

O قرآن ، رحمت الهی را بر همه چیز شامل می داند : رَحمَتی وَسعت کلّ شی ء(۲۸) و این رحمت ، مصداق های فراوان دارد ، از جمله :

باران : ینزّل الغیث من بعد ما قنطوا وینشر رحمته (۲۹)

باد : یُرسل الرّیاح بُشرىً بین یدی رحمته (۳۰)

شب و روز : و مِن رَحمته جَعَل لکم اللیل و النّهار(۳۱)

پیامبر : و ما اءرسلناک الاّ رحمه للعالمین (۳۲)

قرآن : هذا بصائر للنّاس و هُدىً و رحمه (۳۳)

تورات : کتاب موسی اماما و رحمه (۳۴)

آزادی : فاءنجیناه و الّذین معه برحمه منّا(۳۵)

علاقه به همسر : و جعل بینکم مودّه و رحمه (۳۶)

گیاهان و میوه ها : فانظُر الی آثار رحمه اللّه کیف یُحیی الارض بعد موتها(۳۷)

پذیرش توبه : لاتَقنطوا من رحمه اللّه (۳۸)

پیام ها

۱ یکی از شیوه های تبلیغی که پیامبر ماءمور به آن است ، طرح سؤ ال و جواب است . قل لمن . . . قل للّه

۲ هستی بر اساس رحمت است و رحمت الهی بر همه چیز و همه جا گسترده است . کتب علی نفسه الرّحمه

۳ همان گونه که آفریده های خدا در دنیا (مثل باد ، باران ، روز و شب ، گیاهان . . .) رحمت است ، معاد هم رحمت است . لیجمعنّکم

۴ دلیل بر پا شدن قیامت ، برخورداری مردم از رحمت است . کتب علی نفسه الرّحمه لیجمعنّکم

۵ گرچه رحمت الهی گسترده و لازم است ، لکن گروهی خود را محروم می کنند . خسروا انفسهم

۶ به جای استدلال ، در پی هوا و هوس بودن و

به جای اولیای خدا ، سراغ طاغوت رفتن و به جای ایمان و اعتقاد به آخرت ، کفر ورزیدن و به جای تسلیمِ نور ، تسلیمِ نار شدن ، خسارت عظیم کفّار است . (تمام آیه)

آیه۱۳

آیه۱۳

۱۳-وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و تنها برای اوست آنچه در شب و روز قرار گرفته و او شنوای داناست .

نکته ها

O شب و روز ، مانند گهواره ، انسان و موجودات را در دامن خود آرامش می بخشد . برخی موجودات در شب ، و بعضی در روز استراحت می کنند .

پیام ها

۱ هم کلّ نظام از خداوند است ؛ وله ما سکن ، هم نظارت و کنترل از آنِ اوست . هو السمیع العلیم

آیه۱۴

آیه۱۴

۱۴-قُلْ اءَغَيْرَ اللّهِ اءَتَّخِذُ وَلِيّاً فَاطِرِ السَّمَوَتِ وَالأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَ لاَ يُطْعَمُ قُلْ إِنِّيَ اءُمِرْتُ اءَنْ اءَكُونَ اءَوَّلَ مَنْ اءَسْلَمَ وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بگو : آیا غیر از خدا را سرپرست خود بگیرم در حالی که او آفریدگار آسمان ها و زمین است او همه را طعام می دهد ، ولی کسی به او طعام نمی دهد . بگو : همانا من ماءمورم که اوّلین کسی باشم که تسلیم فرمان اوست . و (به من گفته شده که) هرگز از مشرکان مباش .

نکته ها

O در شاءن نزول آیه آمده است که جمعی از اهل مکّه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند : تو به خاطر فقر ، از بت ها دست کشیده ای ، ما حاضریم تو را بی نیاز کنیم تا با ما مخالفت نکنی . این آیه نازل شد و به آنان پاسخ داده شد .

پیام ها

۱ یکی از شیوه های تبلیغ و هدایت که پیامبر برای برانگیختن عقل مردم مورد استفاده قرار می دهد ، بیان دلیل در قالب سؤ ال

است . قل اءغیر اللّه

۲ انسان به دلیل نیازها ومحدودیّت ها به طور فطری به سـراغ سرپرست وپناهگاه می رود ، لکن بحث اصلی بر سر آن است که به سراغ چه کسی برویم . قل اءغیر اللّه اتّخذ . . .

۳ خداوند آسمان و زمین را بدون الگوی قبلی آفرید . فاطر السموات فاطر ، یعنی آفریننده مبتکر .

۴ تاءمین نیازها از شئون ولایت الهی است . ولیّا . . . یطعم

۵ جز خداوند ، همه ی معبودها و مخلوقات نیازمندند . لایطعم

۶ چون خداوند هم خالق بشـر و هم رازق اوست و نیازهایش را برطرف می کند ، به این دلیل انسان باید نسـبت به خدا تعبّد و ولایت پذیری داشته باشد . فاطر . . . و هو یطعم . . . انّی اُمرتُ اءن اکون اوّل مَن اسلم

۷ پیامبراکرم صلی الله علیه و آله ماءمور به اظهار موضع عقیدتی خود می باشد . قل انّی اُمرت اءن . . .

۸ رهبر باید پیشگام در آیین باشد و بالاترین درجه ی اخلاص و تسلیم را داشته باشد . اوّل

مَن اءسلم

۹ پذیرش ولایت غیر خدا ، شرک است . اءغیراللّه اتّخذ ولیّا . . . لاتکوننّ من المشرکین

آیه۱۵

آیه۱۵

۱۵-قُلْ إِنِّیَ اءَخَافُ إِنْ عَصَیْتُ رَبِّی عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ

بگو : همانا اگر پروردگارم را نافرمانی کنم ، از عذاب روزی بزرگ بیمناکم .

نکته ها

O خوف و ترس دو گونه است :

الف : ناپسند ، مثل ترس از جهاد .

ب : پسندیده ، مانند خوف از عذاب الهی .

پیام ها

۱ قانون الهی برای همه یکسان است ، پیامبر خدا هم اگر معصیت کند ، باید از گرفتاری آن بترسد . اءخاف اِن عَصیتُ ربّی

۲ ترس اولیای خدا ، از قهر الهی است ، نه از طاغوت ها و مردم . اءخاف . . . ربّی

۳ توجّه به ربوبیّت خداوند ، مقتضی پرهیز از معصیت اوست . ان عصیت ربّی

۴ ترس از کیفر ، از عوامل بازدارنده از انحراف و خطاست . اءخاف ان عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

۵ اظهار ترس رسول خدا از قیامت ، نقش سازنده برای دیگران دارد . قل انّی اءخاف . . . عذاب یوم عظیم

۶ در برابر تطمیع و وعده های دیگران ، از اهرم حساب قیامت استفاده کنید . (با توجّه به شاءن نزول آیه ی قبل که پیشنهاد کردند ما تو را بی نیاز می کنیم ، تو از تبلیغ دست بردار ، پیامبر می فرماید : من از قیامت می ترسم .) انّی اخاف . . . عذاب یوم عظیم

آیه۱۶

آیه۱۶

۱۶-مَن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

در آن روز ، از هر کس عذاب الهی برداشته شود ، قطعاً مشمول رحمت الهی شده و این است رستگاری آشکار .

نکته ها

O رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : سوگند به خدایی که جانم در دست اوست ، هیچ کس در قیامت با عمل خود به بهشت نمی رود . پرسیدند : حتّی شما یا رسول اللّه ؟ فرمود : حتّی من ، مگر آنکه فضل و رحمت خدا مرا دریابد . سپس دستان مبارک خود را روی سر نهاد واین آیه را تلاوت کرد . (۳۹) البتّه بدیهی است که رحمت الهی تنها به اعمال صالح و افراد نیکوکار تعلّق می گیرد .

پیام ها

۱ خطر ، متوجّه همه است و نجات از عذاب الهی ، لطف ویژه می طلبد . من يُصرف . . . فقد رَحِمَه

۲ تسلیم خدا شدن ، زمینه ی دریافت رحمت الهی است . انّی اُمرت ان اکون اوّل مَن اسلم من يُصرف عنه . . . فقد رَحِمَه

۳ تنها رحم الهی قهر او را برمی گرداند ، قبول اعمال ما و شفاعت اولیای خدا هم پرتوی از رحمت اوست . مَن يُصرف . . . فقد رَحِمَه

آیه۱۷

آیه۱۷

۱۷-وَإِن يَمْسَسْكَ اللّهُ بِضُرٍّ فَلاَ كَاشِفَ لَهُ إِلا هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و اگر خداوند (برای آزمایش و رشد ، یا کیفر اعمال) تو را با (اسباب) زیان و آسیب درگیر کند ، جز خودش هیچ کس برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند ، پس او بر هر چیز تواناست .

پیام ها

۱ سرچشمه ی همه ی امور یکی است ، نه آنکه خیرات از منبعی و شرور از منبع دیگر سرچشمه گیرد . و اِن يَمْسَسْك اللّه بضرّ . . . و اِن يَمْسَسْك بخير

۲ باید همه ی امیدها به خدا و همه ی خوف ها از او باشد . فلا كاشف له الاّ هو

۳ قوانین الهی استثنا بردار نیست ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مواجهه با حوادث تلخ و شیرین ، باید متوجّه خدا باشد . و اِن يَمْسَسْك اللّه بضرّ . . . واِن يَمْسَسْك بخير فهو على كلّ شى ء قدير

آیه۱۸

آیه۱۸

۱۸-وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

اوست که بر بندگان خود قاهر و مسلط است و اوست حکیم آگاه .

نکته ها

O کلمه ی قهر ، به آن نوع غلبه ای گفته می شود که مقهور ، ذلیل در برابر قاهر باشد .

O در آیه ی ۱۴ ، ولایت و رزّاقیت خدا مطرح بود : ولیّاً . . . و هو یطعم در آیه ی ۱۵ ، قهر و قیامت الهی : انّی اخاف . . . عذاب در آیه ی ۱۶ ، نجات و رحمت خدایی : . . . فقد رَحِمَه در آیه ی ۱۷ ، حلّ مشکلات و رسیدن به خیرات : فلا کاشف له الاّ هو و در این آیه ، قدرت مطلقه ی خدا مطرح است : و هو القاهر فوق عباده

پیام ها

۱ از دیگران هراسی نداشته باشیم که قدرت خدا فوق همه ی قدرت هاست . و هو القاهر فوق عباده

۲ قدرت و قهاریّت خدا ، همراه با حکمت و علم اوست . الحکیم الخبیر

۳ نفع و ضرر رساندن خداوند ، بر اساس حکمت و آگاهی اوست .

آیه۱۹

آیه۱۹

۱۹- یَمْسسک اللّه بضرّ . . . یَمْسسک بخیر . . . و هو الحکیم الخبیر بَیْنِی وَ بَیْنَکُمْ وَ اءُوحِیَ إِلَیَّ هَـذَا الْقُرْءَانُ لِأُنذِرَکُم بِهِ وَ مَن بَلَغَ اءَئِنَّکُمْ لَتَشْهَدُونَ اءَنَّ مَعَ اللّهِ ءَالِهَةً اءُخْرَی قُل لاَّ اءَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَحِدٌ وَإِنَّنِی بَرِیءٌ مِّمَّا تُشْرِکُونَ

بگو : چه موجودی در گواهی برتر و بزرگتر است ؟ بگو : خداوند میان من و شما گواه است . و این قرآن به من وحی شده تا با آن شما را و هر که را که این پیام به او برسد هشدار دهم . آیا شما گواهی می دهید که با خداوند ، خدایان دیگری هست ؟ بگو : من گواهی نمی دهم . بگو : همانا او خدای یکتاست و بی تردید من از آنچه شما شرک می ورزید ، بیزارم .

نکته ها

O مشرکان مکّه ، از پیامبر اسلام برای رسالتش شاهد می طلبیدند و نبوّت آن حضرت را نمی پذیرفتند و می گفتند : حتّی یهود و نصارا تو را پیامبر نمی دانند . این آیه در زمان غربت اسلام ، خبر از آینده ای روشن و رسالت جهانی اسلام می دهد .

O حضـرت علی علیه السـلام در تفسـیر عبارت انّما هو اله واحـد فرمودنـد : اگر خـدایان دیگری بودند ، آنها هم پیامبرانی می فرستادند . (۴۰)

O عدّه ای را به عنوان اسـیر نزد پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله آوردند ، حضـرت از آنان پرسـید : آیا تاکنون دعوت به اسلام شده اید ؟ گفتند : نه ، حضرت فرمود : همه را به محل اَمن برسانند و آزادشان کنند ، زیرا

کسی که هنوز ندای اسلام را نشنیده است نباید اسیر نمود ، سپس این آیه را تلاوت فرمود : لانذرکم به و من بلغ (۴۱)

O امام صادق علیه السلام فرمودند : انذار همیشگی باید همراه با منذر همیشگی باشد . پس امامت و رهبری الهی نیز تا ابد باید همراه قرآن باشد . (۴۲)

O معمولاً در انسان ها انگیزه ی دفع ضرر ، قوی تر از جلب منفعت است . لذا قرآن ، به مساءله ی انذار تاءکید کرده است . لانذرکم در آیات دیگر نیز می خوانیم : ان اءنت الاّ نذیر(۴۳) ، انّما اءنا نذیر مبین (۴۴)

O در احادیث متعدّدی مَن بَلَغ به ائمّه معصومین علیهم السلام تفسیر شده است . (۴۵)

امام صادق علیه السلام نیز درباره مَن بَلغ فرمودند : مقصود کسی است که وظیفه امامت به او رسیده است و او همانند پیامبر ، مردم را با قرآن انذار می کند . (۴۶)

پیام ها

۱ برای حقّانیت پیامبر اسلام ، گواه بودن خداوند کافی است . قل اللّه شهید

۲ طرح و بیان حقایق به شکل سؤ ال و جواب از شیوه های تبلیغی قرآن است . قل ایّ شی ء . . . قل اللّه

۳ غفلت و سهو و فراموشی و محدودیّت ، هم قدرت خبرگیری انسان را کم می کند ، هم قدرت گواه بودن او را ، و چون خدا از این عوارض دور است ، پس بزرگ ترین شاهدها خداوند است . اءکبر شهاده قل اللّه

۴ قرآن ، بزرگ ترین گواه بر رسالت پیامبر است . اللّه شهید بینی و . . . هذا القرآن

۵ برای مردم غافل ،

سخن گفتن از زاویه ی انذار مؤ ثّرتر است . لانذرکم

۶ رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله جهانی و جاودانی و برای همه ی مردم در همه ی عصرها و نسل هاست . لانذرکم به و مَن بلغ

۷ تا قانون به مردم ابلاغ نشود ، توبیخ و مسئولیّتی در کار نیست . و من بلغ و به اصطلاح علم اصول ، عِقاب بدون بیان ، قبیح است .

۸ از جمله شرایط لازم برای رهبر آسمانی : ایمان به مکتب : اوحی الی هذا القرآن ، امید به آینده و مَن بَلَغ ، صلابت قل لا اءشهد و برائت از شرک است . انّنی بری ء ممّا تشرکون

آیه۲۰

آیه۲۰

۲۰-اءَلَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَبَ يَعْرِفُونَهُ كَمَايَعْرِفُونَ اءَبْنَآءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوٓاْ اءَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

کسانی که به آنان ، کتاب (آسمانی) دادیم (یهود و نصاری) ، محمّد را همانند فرزندان خود می شناسند (و بشارت های انبیا و کتب آسمانی پیشین را منطبق بر آن حضرت می بینند ، ولی حاضر به پذیرفتن آن نیستند) پس کسانی که به (فطرت و رشد و سعادت آینده) خودشان زیان زدند ، ایمان نمی آورند .

نکته ها

O این آیه ، مشابه آیه ی ۱۴۶ سوره ی بقره است .

O هم نام و نشان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تورات وانجیل بوده وعلمای اهل کتاب ، او را به عنوان پیامبر موعود به مردم بشارت می دادند ، و هم اخلاقیّات حضرت و یارانش در کتب آنان بوده است : محمّد رسول اللّه والّذین معه اءشدّاء علَی الکفّار رحماء بینهم . . . ذلک مثلهم فی التوراه و مثلهم فی الانجیل کزرع . . . (۴۷)

O شناخت فرزند ، اصیل ترین و قدیمی ترین شناخت هاست . چون او را از هنگام تولّد می شناسند ، ولی شناخت برادر و پدر و مادر برای انسان ، ماه ها پس از تولّد است چنانکه شناخت همسر نیز پس از ازدواج می باشد . از این رو آیه می فرماید : آنان پیامبر را مانند فرزندان خود می شناسند .

پیام ها

۱ خداوند بر اهل کتاب حجّت را تمام کرده و آنان پیامبر اسلام را به خوبی می شناختند . الّذین آتیناهم الکتاب یعرفونه

۲ پیامبر باید به گونه ای شناخته شود که هیچ شکّی در او نباشد . یعرفونه کما یعرفون اءبناءهم

۳ تنها شناخت و علم ، مایه ی نجات انسان نیست ، چه بسیار خداشناسان و پیامبرشناسان و دین شناسان که به خاطر عناد و لجاجت از زیان کارانند . یعرفونه کما یعرفون ابناءهم الّذین خسروا اءنفسهم

۴ کتمان حقّ ، سبب سوء عاقبت وخسارت است . خسروا اءنفسهم فهم لایؤ منون

آیه۲۱

آیه۲۱

۲۱-وَ مَنْ اءَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِباً اءوْ كَذَّبَ بَايَتِهِ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الظَّلِمُونَ

و کیست ستمکارتر از آن کس که به خداوند دروغ بندد ، یا آیات الهی را تکذیب کند ؟ همانا ستمگران رستگار نمی شوند .

نکته ها

O در قرآن پانزده مرتبه تعبیر مَن اءظلَم آمده که در مورد افترا بر خدا ، بازداشتن مردم از مسجد و کتمان شهادت و حقّ است . این می رساند که ظلم فرهنگی و بازداشتن مردم از رشد و فهم ، بدترین ظلم به جامعه است .

پیام ها

۱ هر چیز که عزیزتر و مقدّس تر باشد ، خطر ظلم درباره ی آن بیشتر است . از این رو ظلم به خدا و افترا بر ذات مقدس الهی ، بدترین ظلم هاست . ومن اءظلم

۲ ظلم به تفکر و فرهنگ انسان ها ، بدترین ستم هاست . شرک ، افترا به خدا ، ادّعای نبوّت دروغین ، بدعت ، تفسیر به راءی ، همه نمونه ای از این گونه ظلم هاست . و مَن اظلم ممّن افتری علی اللّه کذبا او کذّب بآیاته

آیه۲۲

آیه۲۲

۲۲-وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعاً ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ اءَشْرَكُوَّاْ اءَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ

و روزی که آنان را یکسره محشور می کنیم ، سپس به کسانی که شرک ورزیدند گوییم : کجایند شریکان شما که بر ایشان گمان (خدایی) داشتید ؟

نکته ها

O بازخواست ذلّت بار مشرکین در قیامت ، نشانه ی محرومیّت آنان از رستگاری است ، همان محرومیّتی که در آیه ی قبل به آن اشاره شده است .

O گرچه آیه ، به شرك نظر دارد ، ولی آنان هم كه رهبری غیر اولیای خدا را بپذیرند و با اولیای معصوم الهی به مخالفت و جنگ برخیزند ، به نوعی مشركند . در زیارت جامعه ی كبیره می خوانیم : و مَن حاربكم مشرك (۴۸) و در حدیث آمده است : الرّاد علینا كالرّاد علی اللّه و هو علی حدّ الشرك باللّه (۴۹) كسی كه كلام و راه ما را رد كند ، همچون كسی است كه كلام خدا را نپذیرد و چنین شخصی به منزله ی مشرك است .

پیام ها

۱ دادگاه قیامت ، علنی است . نحشرهم جمیعاً ثم نقول

۲ قبل از هر عقیده و عشق و پرستشی ، آماده ی پاسخگویی در روز قیامت باشیم . و یوم نحشرهم . . . اءین شركاؤ كم

۳ قیامت روز ظهور حقّ بودن توحید ، حتّی برای مشركان است . اءین شركاؤ كم

۴ شرك ، خیالی بیش نیست . تزعمون

آیه۲۳

۲۳-ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلاَّ اءَن قَالُواْ وَاللّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِینَ

پس (از آن همه فریفتگی به بتان ، در پیشگاه خداوند) عذری نیابند جز آنكه (از بتان بیزاری جسته و) بگویند : سوگند به خدا ! پروردگارمان ، ما هرگز مشرك نبوده ایم .

آیه۲۴

آیه۲۴

۲۴-اُنظُرْ كَیْفَ كَذَبُواْ عَلَیَّ اءَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ یَفْتَرُونَ

بنگر كه چگونه علیه خود دروغ گفتند و (تمام بت ها و شریكان كه همواره می ساختند از نزد آنان محو شد و) آنچه به دروغ و افترا به خدا نسبت می دادند از دستشان رفت .

نكته ها

O امام صادق علیه السلام فرمود : مراد از فتنه در لم تكن فتنتهم ، معذرت خواهی مشركان می باشد . (۵۰)

O ضلّ الشی ء به معنای ضایع شدن ، هلاكت و نابودی چیزی است . (۵۱)

O دروغگویان به مقتضای خصلتی كه در دنیا كسب كرده اند ، در قیامت نیز دروغ می گویند . واللّه ما كنّا مشركین ، چنانكه در جای دیگر می خوانیم : یوم یبعثهم اللّه جمیعاً فیَحلفون له كما یَحلفون لكم و یحسبون انّهم علی شی ء الا انّهم هم الكاذبون

O حضـرت علی علیه السـلام در ذیل آیه در حـدیثی می فرمایـد : بعد از این دروغ ، بر لبشان مهر زده می شود و سایر اعضای آنان حقّ را بازگو می کنند . (۵۳)

O امام صادق علیه السـلام فرمود : روز قیامت خداوند آن چنان عفو وبخشـش می کند که به ذهن هیچ کس حتّی خطور نمی کند ، تا آن اندازه که مشرکان نیز می گویند : ما مشرک نبودیم ، (تا مشمول عفو الهی شوند) . (۵۴)

پیام ها

۱ قیامت ، آن چنان حتمی است که گویا هم اکنون نیز حاضر است . اُنظر و نفرمود : ستنظر . (پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا نیز می تواند باچشم ملکوتی ، شاهد صحنه های قیامت باشد .)

۲ تکیه گاه های غیر الهی نابود خواهد شد . ضلّ عنهم

۳ در دادگاه الهی ، نه دروغ انسان کارساز است ، نه سوگند او . ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

۴ آن همه اصرار بر تکیه گاه های غیر الهی ، خیالی بیش نیست . و ضلّ عنهم

ما كانوا

آیه۲۵

آیه۲۵

۲۵- يفترون مَا عَلَى قُلُوبِهِمْ اءَكِنَّةً اءَن يَفْقَهُوهُ وَ فِيٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْراً وَإِنْ يَرَوْاْ كُلَّ ءَايَةٍ لا يُؤْمِنُواْ بِهَا حَتَّىٓ إِذَا جَآءُوكَ يُجَدِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنْ هَذَآ إِلَّآ اءَسَطِيرُ الْأَوَّلِينَ

بعضی از آنها كسانی هستند كه (به ظاهر) به سخن تو گوش می دهند ، ولی ما بر دلهایشان پرده هایی قرار داده ایم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان (نسبت به شنیدن حقّ) سنگینی قرار دادیم و آنان به قدری لجوجند كه اگر هر آیه و معجزه ای را ببینند ، باز هم به آن ایمان نمی آورند تا آنجا كه چون نزد تو آیند با تو جدال می كنند و كسانی كه كافر شدندمی گویند : این نیست جز افسانه های پیشینیان .

نكته ها

O در شاءن نزول این آیه آمده است كه ابوسفیان ، ولید بن مغیره ، عتبه ، شیبه و نضربن حارث ، در كنار كعبه به تلاوت قرآن پیامبر گوش می دادند ، به نضر گفتند : چه می خواند ؟ گفت : به خدای كعبه نمی فهمم چه می خواند ، ولی چیزی جز افسانه ها و داستان های پیشینیان نیست ، من مشابه این داستان ها را برای شما گفته ام . سپس این آیه نازل شد .

O اءكنّه جمع كنّ یا كنان به معنای پرده است . وقر به معنای سنگینی و اءساطیر جمع اسطوره به معنای مطالب پی در پی و خیالی است كه شنیدن آن جاذبه دارد .

O پرده افكنی بر دل وسنگینی گوش ، به خاطر روحیّه ی لجاجت مشركان است . قرآن می فرماید : فلما زاغوا اءزاغ اللّه قلوبهم (۵۵)

O از

اینکه در آیه ی قبل ، سخن از مشرکین بود ولی در این آیه درباره همان گروه تعبیر به الّذین کفروا نموده است معلوم می شود مشرکین همان کفّارند .

پیام ها

۱ پیامبران و رهبران الهی باید از روحیات کفّار و مخالفین و ترفندهای آنان آگاه باشند . و منهم مَن یستمع

۲ از همه ی کفّار ماءیوس نباشید ، بعضی از آنان لجوجند . و منهم

۳ شنیدن صوت قرآن ، آنگاه ارزش دارد که در دل اثر کند . اءکنه ان یفقهوه

۴ کفّار بر انکار خود اصرار دارند و پرده افکنی خداوند بر دل کفار ، به خاطر همین عناد و اصرار خود آنان است . ان یَروا کلّ آیه لایؤ منوا

۵ لجاجت ، درد بی درمان است و مثل آینه ی موج دار ، بهترین صورت ها را هم زشت نشان می دهد . ان یروا کل آیه لایؤ منوا

۶ اگر کسی به قصد جدال و با سوء ظن و روح منفی و موضعگیری قبلی ، حتّی با پیامبر هم ملاقات کند ، بهره ای نخواهد برد . جاءک یجادلونک . . .

۷ کفّار هیچ راه صحیح و منطقی برای مقابله با پیامبر اسلام نداشتند . (پناه به جدال و تهمت نشانه عجز آنان از منطق است) یجادلونک . . .

۸ قرآن ، برای کافران و مشرکان نیز جذّاب است . یقول الذین کفروا ان هذا الاّ اساطیر الاوّلین (اساطیر ، به معنای سخن زیباست . (۵۶))

آیه۲۶

آیه۲۶

۲۶- وَ هُمْ یَنْهَوْنَ عَنْهُ وَ یَنْوْنَ عَنْهُ وَ إِن یُهْلِکُونَ إِ لا اءَنفُسَهُمْ وَ مَا یَشْعُرُونَ

و آنان ، مردم را از آن (پیامبر و قرآن) باز می دارند و خود نیز از آن دور و محروم می شوند ، (ولی بدانند که) جز خودشان را هلاک نمی سازند ، و(لی) نمی فهمند .

نکته ها

O یَنئَون از ریشه ی ناءی ، به معنای دور کردن است .

O برخی از اهل سنت ، در تفسیر خود این آیه را درباره ابوطالب دانسته و گفته اند که وی مردم را از آزار پیامبر نهی می کرد ولی خودش ایمان نمی آورد و از مسلمان شدن دوری می جست و برخی آیات دیگر را هم در این باره می دانند (مثل توبه ۱۱۳ ، قصص ۵۶) ، ولی به نظر پیروان مکتب اهل بیت ، ابوطالب از بهترین مسلمانان است و دلایل ایمان ابوطالب پدر عزیز حضرت علی علیه السلام بسیار است که به بعضی از آنها اشاره می کنم :

جملاتی که شخص پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره ایمان او فرموده اند ، بهترین دلیل بر ایمان اوست .

۲- حمایت های بی دریغ وی از پیامبر در شرائط بسیار سخت .

۳- اقرارهای ابوطالب که در اشعار خود نسبت به پیامبر و رابطه خود با خدا دارد .

۴- سفارش های او به همسر و فرزند و برادرش حمزه که از اسلام و نماز و پیامبر حمایت کنند .

۵- حزن و اندوه فراوانی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر فوت ابوطالب پیدا شد .

۶- ابوبکر و

عباس گواهی دادند که ابوطالب هنگام مرگ ، کلمات لااله الّاالّله و محمّد رسول اللّه می گفت .

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای منبر برای ابوطالب دعا کرد و جنازه ی او را تشییع نمود و به حضرت علی علیه السلام دستور کفن کردن او را داد . تنها بر او نماز گذاشته نشد زیرا تا آن روز نماز میّت واجب نشده بود ، چنانکه بر خدیجه هم نماز گزارده نشد .

۸- حضرت علی علیه السلام در نامه ای به معاویه نوشتند که بسیار فرق است میان پدر من ابوطالب با پدر تو ابوسفیان .

۹-رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : من در قیامت ، شفیع پدر و مادر و عمویم ابوطالب هستم .

۱۰- در حدیث می خوانیم که خداوند به رسول خود وحی کرد که آتش بر پدر و مادر و کفیل تو حرام است .

۱۱- در مسلمان بودن فاطمه بنت اسد علیها السلام که از زنان خوش سابقه و مهاجر است ، شکّی نیست و اگر ابوطالب مسلمان نبود ، هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه نمی داد که شوهر این زن ، مردی بی ایمان باشد . (۵۷)

پیام ها

۱- کفّار و مشرکان ، همواره در تلاش برای کارشکنی و بازداشتن مردم از گوش دادن به قرآن بودند . و هم ینهون عنه . . .

۲- دوری از پذیرفتن حق ، سبب به هلاکت انداختن خود انسان می شود . و ما یهلکون الاّ انفسهم

۳- شعور واقعی ، یافتن راه حقّ است و گم کردن راه حقّ و رهبر حقّ ، از سوی هر که

باشد ، بی شعوری است . و ما یشعرون

آیه۲۷

آیه۲۷

۲۷- وَلَوْ تَرَىَّ إِذْ وُقِفُواْ عَلَى النَّارِ فَقَالُواْ يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلاَ نُكَذِّبَ بَاىَ تِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و اگر آنان را ، آن هنگام که بر لبه ی آتش (دوزخ) نگه داشته شده اند ببینی ، پس می گویند : ای کاش (بار دیگر به دنیا) بازگردانده شویم و آیات پروردگارمان را تکذیب نکنیم و از مؤ منان (واقعی) باشیم .

نکته ها

O طبق آیات قرآن ، آرزوی برگشت به دنیا ، هم در لحظه ی مرگ است ، و هم در قبر و هم در قیامت ، ربّ ارجعون لعلّی اعمل صالحا (۵۸) ، ربّنا اخرجنا منها فان عُدنا فانّا ظالمون (۵۹)

O در آیه ۲۳ ، مشرکین شرک خود را انکار می کردند ، ولی در این آیه ، اعتراف و تقاضای برگشت و جبران می کنند .

پیام ها

۱- کفّار هنگام عرضه بر آتش ، وحشت زده و ذلّت بار ناله می زنند . اذ وقفوا علی النّار فقالوا مراحل و مواقف قیامت متعدّد است ، در بعضی از مراحل گنهکاران ناله می زنند و در بعضی مواقف مهر سکوت بردهانشان می خورد .

۲- تکذیب آیات الهی ، موجب پشیمانی در آخرت است . اذ وقفوا . . . فقالوا یا لیتنا

۳- تا فرصت دنیا باقی است ایمان آوریم ، چون در آخرت مجال برگشت نیست . یا لیتنا نردّ از آرزوها و حسرت های کافران در قیامت ، برگشت به دنیا و ایمان و اطاعت است . و لا نکذّب . . . و نکون من المؤ منین

آیه۲۸

آیه۲۸

۲۸- بَلْ بَدَا لَهُمْ مَّا كَانُواْ يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ

(چنین نیست ،) بلکه آنچه (از کفر و نفاق) قبلاً (در دنیا) پنهان می کردند ، (در آن روز) برایشان آشکار شده و اگر آنان (طبق خواسته و آرزویشان) به دنیا بازگردانده شوند ، بی گمان باز هم به آنچه از آن نهی شده اند بازمی گردند . و آنان قطعاً دروغگویانند .

نکته ها

O روز قیامت ، روز آشکار شدن اسرار پنهانی مردم است و قرآن بارها به این حقیقت اشاره کرده است . از جمله : وبدالهم سیّئات ما عملوا(۶۰) ، و بدالهم سیّئات ما کسبوا(۶۱)

پیام ها

۱- در قیامت ، همه ی اسرار و رازها کشف و نهان و درون انسان ها آشکار می شود . بل بدالهم ما کانوا یخفون

۲- برگشتن از آخرت به دنیا ، محال است . و لو ردّوا

۳- بعضی هرگز امیدی به خوب شدن و اصلاحشان نیست و با فرصت دادن (که خودشان خواستار آنند) باز هم همانند که بودند . لو ردّوا لعادوا

(آری انسان بارها در دنیا به هنگام برخورد با شداید و تلخی ها ، تصمیم هایی می گیرد ، ولی چون به آسایش رسید ، همه چیز را فراموش می کند) .

۴- وقتی دروغگویی خصلت انسان شد ، در قیامت هم دروغ می گوید . و انّهم لکاذبون چنانکه در آیه ۲۳ خواندیم که مشرکین در قیامت به دروغ قسم می خورند و می گویند : واللّه ربّنا ما کنّا مشرکین

آیه۲۹

۲۹- وَقَالُوٓاْ إِنْ هِيَ إِلا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

و گفتند : جز زندگی دنیوی ما ، هیچ زندگی دیگری نیست و ما (پس از مرگ) برانگیخته نمی شویم .

آیه۳۰

آیه۳۰

۳۰- وَلَوْ تَرَىَّ إِذْ وُقِفُواْ عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ اءَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُواْ بَلَى وَ رَبِّنَا قَالَ فَذُوقُواْ الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

و اگرببینی آنگاه که در برابر پروردگارشان بازداشته شده اند ، (خدا) می فرماید : آیا این (رستاخیز) حقّ نیست ؟ می گویند : بلی ، به پروردگارمان سوگند (که حقّ است) . او می فرماید : پس به کیفر کفرورزی ها وکفران هایتان ، عذاب را بچشید .

نکته ها

O در آیه ۲۷ و ۳۰ ، دو بار کلمه ی و لو تری تکرار شده است تا صحنه های سخت قیامت را ترسیم و گامی برای هدایت مردم باشد .

O طبق آیه ی ۳۰ خداوند با مجرم سخن می گوید . ولی بعضی آیات ، سخن گفتن خدارا با آنان نفی می کند . لایکلّمهم

اللّه ، این مطلب یـا اشـاره به مواقف و صـحنه هـای مختلف در قیامت است ، و یا آنکه مراد آن است که خداونـد با آنان کلام طیّب و دلشادکننده نمی گوید .

O در آیه ی ۲۲ ، خداوند کفّار را در برابر نفی توحید مؤ اخذه نمود : اءین شرکاؤ کم و در آیه ۲۷ به خاطر تکذیب نبوّت مؤ اخذه کرد : لانکذّب بایات ربّنا و در آیه ۳۰ به سبب انکار قیامت مؤ اخذه می کند . اءلیس هذا بالحقّ

O اسلام برای انسان ها چند نوع حیات را ترسیم می کند :

۱- حیات دنیا . زهره الحیاه الدّنیا(۶۲)

۲- حیات برزخی . من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون (۶۳)

۳- حیات معنوی و هدایت . دعاکم لما یحییکم (۶۴)

۴- حیات اجتماعی . ولکم فی القصاص حیاه (۶۵)

۵- حیات

طیبه (در سایه ی قلب آرام و قناعت) . فلنحیّینه حیاه طیّبه (۶۶)

پیام ها

۱- مشرکین ، افرادی سطحی نگر و مادّی هستند و محدوده ی حیات را تنها در همین دنیا می بینند و منکر رستاخیزند . اِن هی الاّـ حیاتنا الدّنیا (اگر در جای دیگر قرآن مشرکین بت را شفیع خود می دانند : هؤ لاـء شفعاؤ نا(۶۷) مرادشان شفاعت در دنیاست . (۶۸))

۲- خداوند ، پیامبرش را تسلیت و دلجویی می دهد که همه ی لجاجت ها بی پاسخ نخواهد ماند . و لوتری

۳- مجرمان ، همانند اسیران ذلیل ، بازداشت و نگه داشته می شوند . اذ وقفوا

۴- در قیامت قاضی و بازپرس در درجه ی اوّل خود خداوند است . قال اءلیس هذا بالحقّ

۵- اعترافات کفّار و مشرکان در قیامت ، سودی ندارد . قالوا بلی . . . فذوقوا

۶- کفّار ، در قیامت بارها سوگند یاد می کنند . واللّه ربّنا ما کنّا مشرکین قالوا بلی و ربّنا

۷- کیفرهای قیامت ، به خاطر مداومت در کفر و انکار معاد در دنیاست . و مانحن بمبعوثین . . . فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

آیه۳۱

آیه۳۱

۳۱- قَدْ خَسِرَ الَّذِینَ کَذَّبُواْ بِلِقَآءِ اللّهِ حَتَّیَ إِذَا جَآءَتْهُمُ السَّاعَهُ بَغْتَهً قَالُواْ یَ حَسْرَتَنَا عَلَی مَا فَرَّطْنَا فِیهَا وَهُمْ یَحْمِلُونَ اءَوْزَارَهُمْ عَلَی ظُهُورِهِمْ اءَلاَ سَآءَ مَا یَزِرُونَ

قطعاً کسانی که دیدار خداوند (در قیامت) را تکذیب کردند زیانکار شدند ، همین که ساعت موعود ناگهان به سراغشان آید ، در حالی که بار سنگین گناهان خویش را بر پشتشان می کشند ، گویند : دریغا از آن کوتاهی ها که در دنیا کرده ایم ، آگاه باشید که چه بد باری است آنچه به دوش می کشند .

نکته ها

O مراد از لقاءاللّه ، ملاقات معنوی و شهود باطنی در قیامت است ، چون در قیامت همه ی وابستگی های انسان به مال و مقام و بستگان قطع می شود و با روبرو شدن با پاداش و کیفر الهی ، حاکمیّت مطلقه ی الهی را درک می کند .

O حسرت ، برای از دست دادن منافع است و ندامت برای پیش آمدن ضررها . (۶۹)

O به قیامت ، ساعت می گوینـد ، چون در ساعتی و لحظه ای برق آسا ایجاد می شود . (در آیه ی ۷۷ سوره نحل آمده است : وما اءمر الساعه الاّ کلَمح البصر اءو هو اقرب ، برپایی قیامت ، مانند چشم به هم زدن یا نزدیک تر از آن است) .

O در حـدیثی از پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله آمـده است : اهـل آتش ، جایگـاه خود (آن جایگـاهی که خداونـد برای هر شخصی در بهشت قرار داده است ،) را در بهشت می بینند و می فهمند زیان کرده اند می گویند :

یاحسرتنا . (۷۰)

پیام ها

۱- کسی که قیامت را نپذیرد ، هستی خود را با دنیای فانی معامله کرده و این بزرگ ترین خسارت است . قد خسر

۲- قیامت ، ناگهانی فرا می رسد و کسی از زمان آن آگاه نیست ، پس باید همیشه آماده بود . جاءتهم الساعه بغته

۳- روز قیامت ، روز حسرت است . یا حسرتنا

۴- اعتراف و حسرت ، نشانه ی آزادی انسان در عمل است زیرا می توانست خوب عمل کند و نکرد . یا حسرتنا

۵- قیامت روز حست و افسوس خوردن است ، امّا حسرت ها در آن روز بی نتیجه است . قالوا یا حسرتنا . . . و هم یحملون . . .

۶- گناهان ، در قیامت تجسّم یافته و بر انسان بار می شوند . یحملون اءوزارهم

۷- تکذیب یا فراموشی قیامت ، سبب ارتکاب گناهانی است که در قیامت ، وزر و وبال انسان می گردد . کذّبوا اءوزارهم

آیه۳۲

آیه۳۲

۳۲- وَمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَآ إِلا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ اءَفَلَا تَعْقِلُونَ

و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و البتّه خانه ی آخرت ، برای تقوا پیشگان بهتر است . آیا نمی اندیشید ؟

نکته ها

O اگر دنیا مزرعه ی آخرت قرار نگیرد ، بازیچه می شود و مردم مانند کودکانی که سرگرم به اسباب بازی هایی چون مال و مقام و مانند آن شده اند . مثل صحنه ی نمایش که یکی لباس شاه می پوشد ، دیگری نقش نوکر را بازی می کند و سوّمی وزیر می شود ، ولی ساعتی بعد که همه ی لباسها و نقش ها کنار می رود ، می فهمند که همه ی عناوین ، خیالی بیش نبود .

O خیر بودن آخرت به خاطر آن است که هم لذّت هایش آمیخته به رنج نیست و هم زودگذر و موهوم و خیالی نیست .

O با توجّه به آیات دیگر قرآن ، نباید این آیه را دعوت به رهبانیّت و ترک دنیا دانست .

O کلمه ی لعب به کاری گفته می شود که قصد صحیحی در آن نباشد و کلمه ی لهو به کاری گفته می شود که انسان را از کارهای مهم و اصلی باز دارد . (۷۱)

O شباهت دنیا به لهو و لعب از جهاتی است :

الف : دنیا مثل بازی ، مدّتش کوتاه است .

ب : دنیا مثل بازی ، تفریح و خستگی دارد و آمیخته ای از تلخی و شیرینی است .

ج : غافلان بی هدف ، بازی را شغل خود قرار می دهند .

د : دنیاگرایی مثل بازی ، انسان را از اهداف

مهم باز می دارد .

پیام ها

۱- دنیا محوری ، فکری کودکانه و پوچ است . (لهو ولعب معمولاً ـ کار کودکان است و سرگرم شدن به دنیا انسان را از آخرت باز می دارد) لهو ولعب

۲- راه نجات از حسرت آخرت ، فکر و تعقّل است . یا حسرتنا . . . اءفلا تعقلون

۳-خردمند ، فریب دنیا را نمی خورد . و للدّار الاخره خیر . . . اءفلا تعقلون

۴- بکار نگرفتن اندیشه ، زمینه توجّه به دنیا وغفلت از آخرت است . اءفلاتعقلون

۵- غفلت از آخرت ، سبب توبیخ است . اءفلا تعقلون

۶- تعقّل و تقوا ، ملازم یکدیگرند . یتّقون اءفلاتعقلون

آیه۳۳

آیه۳۳

۳۳- قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَیَحْزُنُکَ الَّذِی یَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لاَیُکَذِّبُونَکَ وَلَکِنَّ الظَّلِمِینَ بَایَتِ اللّهِ یَجْحَدُونَ

البتّه ما می دانیم که آنچه می گویند ، تو را اندوهناک می کند ، (ولی غم مخور و بدان که) آنان (در واقع) تو را تکذیب نمی کنند ، بلکه (این) ستمگران آیات خدا را انکار می کنند .

نکته ها

O در شاءن نزول آیه آمده است که : دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله آن حضرت را امین و صادق می دانستند ، ولی می گفتند : اگر او را تصدیق کنیم ، قبیله و موقعیّت ما تحقیر می شود . گاهی هم می گفتند : او صادق است ولی خیال می کند به او وحی شده ، از این روی ، این گونه آیات الهی را تکذیب می کردند .

O امام صادق علیه السلام درباره ی لا یکذّبونک فرمود : یعنی آنان نمی توانند گفتار و مدّعای تو را ابطال کنند . (۷۲)

پیام ها

۱- رهبر نباید از تکذیب مخالفان محزون شود . به همین دلیل ، خداوند پیامبرش را دلداری می دهد و حمایت می کند . قد نعلم انّه لیحزنک

۲- خداوند به حالات درونی انسان آگاه است . قد نعلم انّه لیحزنک

۳- تکـذیب پیـامبر ، تکـذیب خـداست ، همـان گونه که بیعت با پیامبر ، بیعت با خداونـد است . لایکـذّبونک ولکن الظالمین بایات اللّه یجحدون

۴- با توجّه به مشکلات و تکـذیب و جسارت های بزرگتر به دیگران ، مشکل خود را آسان بـدانیم . لایکذّبونک . . . بآیات اللّه یجحدون

۵- مخالفان رسول خدا ، با مکتب طرفند ، نه با شخص . لایکذّبونک . . . بآیات اللّه یجحدون

۶- تکـذیب آیـات الهی ، هم ظلم به خود است ، هم ظلم به رسول اللّه ، هم ظلم به مکتب و هم ظلم به نسل های بعـد . ولکنّ الظالمین بآیات اللّه یجحدون

آیه۳۴

آیه۳۴

۳۴- وَلَقَـدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَى مَا كُذِّبُواْ وَاءُوذُواْ حَتَّى اءَتَهُمْ نَصْرُنَا وَلاَ مُبَدِّلَ لِكَلِمَتِ اللّهِ وَلَقَدْ جَآءَكَ مِن نَبَإِىْ الْمُرْسَلِينَ

و همانا پیش از تو نیز پیامبرانی تکـذیب شدنـد ، لیکن در برابر آنچه تکـذیب شدنـد و آزار دیدنـد صبر کردند ، تا یاری ما به آنان رسـید . (تو نیز چنین باش زیرا) برای کلمات (و سنّت های) خداوند ، تغییر دهنده ای نیست . قطعاً از اخبار پیامبران برای تو آمده است (و با تاریخ آنان آشنایی) .

نکته ها

O کلمات ، به معنای سنّت های الهی است : ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انّهم لهم المنصورون وانّ جُندنا لهم الغالبون (۷۳)

O تاریخ ، سرچشمه ومنبعی پـذیرفته شـده برای شناخت حوادث است . از صبر انبیای پیشین و نابودی اقوامی چون قوم هود وصالح ولوط و . . . که تکذیب کردند ، باید عبرت گرفت ، سنّت و برنامه الهی ، فرستادن رسولان وآزادی مردم در انتخاب است . کافران را به کیفر می رساند و رسولان را در راه دعوت ، امداد می کند .

O در آیات متعدّدی از قرآن خداوند یاری و پیروزی رهبران و مؤ منان صابر را بر خود لازم دانسته است از جمله :

کتب اللّه لاغلبنّ اءنا و رسلی (۷۴)

وکان حقّا علینا نصر المؤ منین (۷۵)

انّا لننصر رسلنا(۷۶)

ولینصرنّ اللّه من ینصره (۷۷)

پیام ها

۱- راه حقّ ، هیچگاه هموار نبوده و تحققّ آرمان انبیا همراه با تحمّل مشکلات بوده است . فصبروا علی ما کذّبوا

۲- یکی از بهترین اهرم های مقاومت در برابر شداید ، بیان امدادهای الهی است . فصبروا . . . حتّی اتاهم نصرنا

۳- رهبران ، انتظار اطاعت همه را نداشته باشند . کُذّبوا

۴- شرط اصلی پیروزی ، صبر است . فصبروا . . . حتّی اتاهم نصرنا (خداوند به صابران ، نوید پیروزی می دهد)

۵- دشمنان از هیچ تلاشی علیه حق ، کوتاهی نمی کنند ، خواه تکذیب باشد و خواه آزار . کذّبوا ، اوذوا

۶- صبر مستمر ، زمینه ساز نزول نصرت و رحمت الهی است . فصبروا . . . حتّی اءتاهم نصرنا

۷- حقّ ، پیروز است . اتاهم نصرنا

۸- سنّت های الهی

تغيير ناپذير است و خداوند خلف وعده نمى كند . لامبدّل لكلمات اللّه

۹- هر كس بايد نمونه هاى مشابه خود را در تاريخ بشناسد . خداوند خطاب به پيامبر مى فرمايد : و لقد جاءك من نباء المرسلين

۱۰- از زحمات و رنج هاى پيشينيان بايد ياد و قدردانى كرد . و لقد جاءك من نباء المرسلين

آيه۳۵

آيه۳۵

۳۵- وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ اءَن تَبْتَغِىَ نَفَقاً فِى الأَرْضِ اءَوْ سُلَّماً فِى السَّمَآءِ فَتَاءْتِيَهُم بِآيَةٍ وَ لَوْ شَآءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْجهِلِينَ

و اگر اعراض و بى اعتنايى آنان (كافران) بر تو سنگين است (و مى خواهى به هر وسيله آنان را به راه آورى ، ببين) اگر بتوانى سوراخى در زمين يا نردبانى در آسمان بجويى ، تا آيه اى (ديگر) برايشان بياورى (پس بياور ولى بدان كه باز هم ايمان نخواهند آورد) و اگر خدا خواسته بود همه ى آنان را بر هدايت گرد مى آورد (ولى سنّت الهى بر هدايت اجبارى نيست)پس هرگز از جاهلان مباش .

نكته ها

O در شاءن نزول آيه آمده است : كفّار به رسول خدا صلى الله عليه و آله مى گفتند : ما هرگز به تو ايمان نخواهيم آورد ، مگر آنكه زمين را شكافته برايمان چشمه اى جارى سازى : لن نؤ من لك حتّى تَفجر لنا مِن الارض يَنبوعا (۷۸) ، يا به آسمان روى : اءو ترقى فى السماء(۷۹) شايد آيه اشاره به نوع درخواست هاى نابجاى آنان باشد كه اگر زمين را بكاوى يا نردبان به آسمان بگذارى و خود را به آب و آتش بزنى سودى ندارد . در دعوت تو نقصى نيست ، اينان لجوجند ، پس براى ارشادشان اين همه دلسوزى نكن .

پيام ها

۱- پيامبر ، براى هدايت مردم ، دلسوز و نسبت به از اعراضشان غمگين بود . و ان كان كبر عليك اعراضهم

۲- پيامبر بايد روحيّات مخاطبان خود را بشناسد و بداند كه گروهى از هر معجزه اى كه برايشان آورده شود روى گردانند . اعراضهم

۳- پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله مى خواست به هر طريق مردم هدايت شوند ، امّا اشكال در روحيّه ى لجوج كفّار است كه خداوند هشدار مى دهد . تبتغى نفقاً فى الارض او سلّماً فى السماء

۴- خداونـد می توانـد همه را هـدایت کنـد ، ولی حکمت او اقتضـا می کنـد که انسان آزاد باشـد . و لو شاء اللّه لجمعهم علی الهدی

۵- ارضـای خواسـته هـای بهـانه جویان و بی صبری مبلّغان ، جهل است . فلا تکونن من الجاهلین (ریشه ی بسـیاری از توقّعات نابجا ، جهل است)

آیه۳۶

آیه۳۶

۳۶- إِنَّمَا یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ یَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَی یَبْعَثُهُمُ اللّهُ ثُمَّ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ

تنهـا کسـانی (دعوت تو را) می پذیرنـد که گوش شـنوا دارنـد و (کـافران که نمی گرونـد ،) مردگـانی هسـتند که روز قیامت خداوند آنان را برمی انگیزد و سپس همه به سوی او بازگردانده می شوند .

نکته ها

O قرآن ، بارهـا بـا تعبیر مرده و کر ، از نابـاوران یاد کرده است . در آیه ی ۸۰ سوره ی نمـل و ۵۲ سـوره ی روم می خوانیم : فانّک لاتسمع الموتی و لا تسمع الصمّ الدعاء اذا وَلّوا مُدبرین

پیام ها

۱- انسان در انتخاب راه ، آزاد است . انّما یستجیب . . .

۲- شنیدن و پذیرفتن حقّ ، نشانه ی حیات معنوی و زنده دلی است .

(آری کسـی که حیات معنوی نـدارد و حقّ پـذیر نیست ، مرده است . چون حیات به معنای خوردن و خوابیدن را حیوانات هم دارند .) والموتی . . .

۳- دل های حقّجو به عهده ی تو و کفّار به عهده ی من ، تا پس از رستاخیز به حسابشان برسیم . والموتی یبعثهم اللّه

آیه۳۷

آیه۳۷

۳۷- وَقَالُواْ لَوْلاَ نُزِّلَ عَلَیْهِ ءَایَهٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّهَ قَادِرٌ عَلَیَّ اءن یُنَزِّلَ ءَایَهً وَلَ کِنَّ اءَکْثَرَهُمْ لاَ یَعْلَمُونَ

و گفتنـد : چرا بر او (محمّـد) معجزه ای (که ما می خواهیم) از سوی پروردگارش نازل نشـده ؟ بگو : بی تردیـد خداوند قادر است که نشانه و معجزه ای (که می خواهید) بیاورد ، ولی بیشتر (این بهانه جویان) نمی دانند .

نکته ها

O در شاءن نزول آیه گفته اند : برخی از رؤ سای قریش ، دست به تبلیغات سوء و جوسازی زده و از روی بهانه جویی به پیامبر اسلام می گفتند که تنها قرآن به عنوان معجزه کافی نیست بلکه باید معجزاتی چون معجزات عیسی و موسی و صالح و . . . بیاورد . (۸۰)

البتّه پیامبری که یادآور معجزات انبیای پیشین است ، حتما خودش هم می تواند نظیر آنها را بیاورد ، وگرنه مردم را به یاد آن معجزات نمی اندازد تا تقاضای امثال آن را داشته باشند . به علاوه ، طبق روایات شیعه وسنّی ، پیامبر صلی الله علیه و آله معجزات دیگری غیر از قرآن هم داشته است .

O هدف از آوردن معجزه ، اعلام رابطه خاص میان خدا و رسول ، و نشان قدرت بی انتهای الهی است ، نه برآوردن تمایلات بی پایان مردم لجوج . البتّه گاهی برای اتمام حجّت ، معجزه ی درخواستی مردم را می آورده اند .

O به شهادت تاریخ ، معجزات پیاپی ، سبب هدایت لجوجان نشده ، بلکه موجب قهر و عقاب الهی گشته است . قرآن می فرماید : اگر ما فرشتگان را بر مردم

نازل کنیم ، یا مردگان با آنان سخن بگویند ، باز گروهی از لجوجان ایمان نمی آوردند . (۸۱)

پیام ها

۱- به بهانه جویی های مخالفان پاسخ دهید . قالوا . . . قل

۲- خداوند قادر است ، ولی حکیم هم می باشد و قدرتش آنگاه جلوه می کند که کار و تقاضا حکیمانه باشد . انّ اللّه قادر . . . اکثرهم لا یعلمون

آیه۳۸

آیه۳۸

۳۸- وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَلاَ طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلا اءُمَمٌ اءَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا فِی الْكِتَبِ مِن شَیْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

و هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند ، نیست مگر اینکه آنها هم اُمّت هایی چون شمایند . ما در این کتاب (قرآن یا لوح محفوظ) هیچ چیز را فرو گذار نکردیم ، سپس همه نزد پروردگارشان گرد می آیند .

نکته ها

O قرآن توجّه خاصّی به زندگی حیوانات دارد و از یادآوری خلقت ، شعور و صفات آنها در راه هدایت مردم استفاده می کند . و فی خلقکم و ما یبثّ من دابّه آیات لقوم یوقنون (۸۲) در روایات وتجارب انسانی هم نمونه های فراوانی درباره ی شعور و درک حیوانات به چشم می خورد و برای یافتن شباهت ها و آشنایی با زندگی حیوانات ، باید اندیشه و دقّت داشت . (۸۳) امم اءمثالکم

O مراد از کتاب در آیه ، یا قرآن است یا لوح محفوظ که در واقع کتاب خلقت است .

O در آیات دیگر هم تعبیراتی چون : تبیانا لکلّ شی ء(۸۴) ، کلٌّ فی کتاب مبین (۸۵) آمده که نشانه ی کامل بودن قرآن است .

امام باقر علیه السلام فرمود : نشان کمال قرآن این است که ریشه و سرچشمه ی همه سخنان رسول اللّه و ائمّه علیهم السلام است ، پس هر گاه حدیثی گفتیم ، سند قرآنی آن را از ما بخواهید .

در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قیل و قال و فساد مال و سؤ الات پی در پی ،

نهی می کنـد . از امـام بـاقر علیه السـلام سـند قرآنی آن را پرسـیدند ، فرمود : سـند نهی از قیـل و قال ، آیه لا خیرَ فی کَثیر مِن نَجواهم الاّ مَن اءمَرَ بِصدقهٍ اءو مَعروفٍ اءو اصـلاح بَینَ النّاس (۸۶) است . سند فساد مال ، آیه و لاتؤ توا السفهاء اءموالکم الّتی جعل اللّه لکم قیاما(۸۷) و سند سؤ ال نابجا این آیه است : لاتساءلوا عن اءشیاء اِن تبد لکم تسؤ کم (۸۸)

شعور حیوانات

O از آیات و روایات و تجارب برمی آید که شعور ، ویژه انسان نیست . به نمونه هایی توجّه کنید :

۱- حضـرت سلیما همراه با سپاهیانش از منطقه ای عبور می کردند ، مورچه ای به سایر مورچگان گفت : فوری به خانه هایتان بروید ، تا زیر پای ارتش سـلیمان له نشویـد . (۸۹) شـناخت دشـمن ، جزو غریزه ی مورچه است ، ولی اینکه نامش سـلیمان و همراهانش ارتش اویند ، این بالاتر از غریزه است .

۲- هدهـد در آسـمان از شـرک مردم زمینی مطلع شـده و نزد سـلیمان گزارش می دهـد که مردم منطقه ی سـباء ، خداپرسـت نیسـتند . آنگاه ماءموریّت ویژه ای می یابـد . شـناخت توحید و شـرک و زشتی شـرک و ضـرورت گزارش به سـلیمان پیامبر و ماءموریّت ویژه ی پیام رسانی ، مساءله ای بالاتر از غریزه است . (۹۰)

۳- این که هدهد در جواب بازخواست حضـرت سـلیمان از علّت غایب بودنش ، عذری موجّه و دلیلی مقبول می آورد ، نشانه شعوری بالاتر از غریزه است . (۹۱)

۴- اینکه قرآن می گوید : همه موجودات ، تسبیح گوی

خدایند ولی شما نمی فهمید ، (۹۲) تسبیح تکوینی نیست ، زیرا آن را ما می فهمیم ، پس قرآن تسبیح دیگری را می گوید .

۵- در آیات قرآن ، سجده برای خدا ، به همه موجودات نسبت داده شده است . وللّه یسجد ما فی السموات و ما فی الارض . . (۹۳) .

۶- پرندگان در مانور حضرت سلیمان شرکت داشتند . وحشر لسلیمان جنوده من الجن و الانس والطیر(۹۴)

۷- حرف زدن پرندگان با یکدیگر و افتخار سلیمان به اینکه خداوند ، زبان پرندگان را به او آموخته است . علّمنا منطق الطیر(۹۵)

۸- آیه ی واذا الوُحوشُ حُشِرَت (۹۶) ، محشور شدن حیوانات را در قیامت مطرح می کند .

۹- آیه ی والطّیر صافّات کلٌّ قد عَلِم صلاته و تسبیحه (۹۷) ، نشانه ی شعور و عباد آگاهانه ی حیوانات است .

۱۰- وجود وفا در برخی حیوانات ، از جمله سگ نسبت به صاحبخانه وفرزندانش .

۱۱- تعلیم سگ شکاری و سگ پلیس برای کشف قاچاق ، یا خرید جنس ، نشانه ی آگاهی خاصّ آن حیوان است .

۱۲- اسلام از ذبح حیوان در برابر چشم حیوان دیگر ، نهی کرده است که این نشانه ی شعور حیوان نسبت به ذبح و کشتن است .

پیام ها

۱- قدرت الهی در آفرینش و هدف داری خلقت ، نسبت به همه ی موجودات یکسان است . من دابّه . . . ولا طائر . . .

۲- نظم و زندگی اجتماعی ، مخصوص انسان ها نیست ، بلکه در زندگی حیوانات هم مشاهده می شود . اُمم اءمثالکم

۳- انسان ها و حیوانات ، همه نیاز به تدبیر الهی دارند

. خداوند ، طبق مصلحت به آنها شعور می دهد ، و همه دارای نظم و نظامی هستند . اُمم اءمثالکم

۴- قرآن کریم ، جامع ترین و کامل ترین کتاب آسمانی است . ما فرّطنا فی الکتاب من شی ء

۵- آنچه سبب هدایت ، تربیت ورشد انسان هاست ، در قرآن آمده است . (قرآن در اثبات حقانیّت پیامبراسلام و هدایت مردم هیچ گونه کاستی ندارد) ما فرّطنا فی الکتاب

۶- در حقّ حیوانات هم ظلم یا کوتاهی نکنیم ، آنها هم مثل ما حقّ حیات دارند . (۹۸) اُمم اءمثالکم

۷- معاد و حشر ، تنها مخصوص انسان ها نیست . و ما من دابّه . . . ثمّ الی ربّهم یحشرون

۸- حرکت همه موجودات به سوی خداوند یک حرکت تکاملی و جلوه ای از ربوبیّت الهی است . الی ربّهم یحشرون

آیه۳۹

آیه۳۹

۳۹- وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بَِايَتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِى الظُّلُمَتِ مَن يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَاءْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِراطٍ مُّسْتَقِيمٍ

و کسانی که آیات مارا تکذیب کردند ، کر و لال هایی هستند در تاریکی ها . خداوند ، هرکه را بخواهد (و مستحق باشد) گمراهش کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) بر راه راست قرارش می دهد .

نکته ها

O گرچه هدایت و ضلالت به دست خداست ، ولی خداوند برای انسان نیز اراده و اختیار قرار داده است و کار خدا بر اساس حکمت است . مثلاً جهادِ انسان در راه خدا ، زمینه ی هدایت الهی نسبت به او است : و الّذین جاهدوا فینا لنهدینّهم سُبلنا(۹۹) همان گونه که ستم به انسان ها سبب گمراهی است : یضلّ اللّه الظالمین (۱۰۰) تکذیب آیات الهی سبب اراده خداوند به گمراه کردن انسان می شود . کذّبوا . . . یضلله

پیام ها

۱- کفر و عناد ، تاریکی و ظلمتی است که سبب محروم شدن انسان از بهره گیری از ابزار شناخت می شود . کذّبوا . . . صمّ و بکمٌ فی الظلمات

۲- تکذیب و کتمانِ حقّ ، گنگی و نشنیدن حقّ ، کری است . و الّذین کذّبوا . . . صمٌ و بکمٌ

۳- نتیجه ی تکذیب آیات الهی ، اضلال و قهر الهی است . کذّبوا . . . یضلله

۴- حرکت در راه مستقیم ، گوش شنوا و زبان حقگو و روشنایی درون می خواهد . یجعله علی صراط مستقیم

آیه۴۰

آیه۴۰

۴۰- قُلْ اءَرَءَیْتَکُمْ إِنْ اءَتَکُمْ عَذَابُ اللّهِ اءَو اءَتَتْکُمُ السَّاعَهُ اءَغَیْرَ اللّهِ تَدْعُونَ إِنْ کُنْتُمْ صَدِقِینَ

بگو : اگر راست می گویید چه خواهید کرد آنگاه که عذاب خدا در دنیا بیاید یا قیامت فرا رسد ، آیا غیر خدا را می خوانید ؟

نکته ها

O انسان در حال رفاه و زندگی عادّی معمولاً غافل است ، ولی هنگام برخورد با سختی ها پرده ی غفلت کنار رفته و فطرت خداجویی و یکتاپرستی انسان ظاهر می شود .

پیام ها

۱- یکی از شیوه های تبلیغ و تربیت ، پرسش از مخاطب است . قل اءرایتکم . . .

۲- تجربه نشان می دهد که در همه ی انسان ها (گرچه به ظاهر کفر ورزند ،) فطرت خداجویی هست و به هنگام حوادث در انسان جلوه می کند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ماءمور است مردم را به این فطرت خفته توجّه دهد . قل اءرایتکم . . .

۳- هنگام حوادث وسختی ها ، پرده ها کنار رفته وانسان فقط به خدا توجّه می کند و توجّه نکردن به معبودهای دیگر ، نشانه ی پوچی آنهاست . اءغیر اللّه تدعون

آیه۴۱

نکته ها

۴۱- بَلْ إِیَّاهُ تَدْعُونَ فَیَکْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَیْهِ إِنْ شَآءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِکُونَ

بلکه (در هنگامه های خطر) فقط او را می خوانید ، پس اگر بخواهد آن رنجی که خدا را به خاطر آن می خوانید بر طرف می کند ، و آنچه را برای خداوند شریک می پنداشتید (در روز قیامت) فراموش می کنید .

برداشتن عذاب ، یا برای اتمام حجّت است ، یا به خاطر تغییر حالات قوم . چنانکه در آیه ۹۸ سوره ی یونس می فرماید : لمّا آمنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی چون ایمان آوردند ، عذاب خواری و ذلّت را از آنان برداشتیم .

پیام ها

۱- همه معبودهای خیالی به هنگام برخورد انسان با حوادث فراموش می شوند . بل ایّاه تدعون . . . و تنسون ما تشرکون آنان نه تنها فراموش ، بلکه انکار می شوند . چنانکه در آیه ی دیگر می خوانیم : واللّه ربّنا ما کنّا مشرکین (۱۰۱) مشرکان در قیامت

با سوگند شرک خود را انکار می کنند .

۲- دعای خالصانه ، همراه استجابت است . بل ایّاه تدعون فیکشف

۳- یاءس از غیر خدا ، سبب سرعت در استجابت دعاست . (حرف فاء در کلمه ی فیکشف)

۴- استجابت دعا ، در اراده و مشیّت حکیمانه ی خداوند است . فکیشف . . . . ان شاء

آیه۴۲

آیه۴۲

۴۲- وَلَقَدْ اءَرْسَلْنَآ إِلَيَّ اءُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَاءَخَذْنَهُمْ بِالْبَاءْسَآءِ وَ الضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

و همانا به سوی امّت های پیش از تو (نیز پیامبرانی) فرستادیم ، (و چون سرپیچی کردند) آنان را به تنگدستی وبیماری گرفتار کردیم . باشد که تضرّع کنند .

نکته ها

O باءساء به معنای جنگ ، فقر ، قحطی ، سیل ، زلزله وامراض مُسری و ضرّاء به معنای غم ، غصّه ، آبروریزی ، جهل و ورشکستگی است .

O حضرت علی علیه السلام فرمود : اگر هنگام ناگواری ها مردم صادقانه به درگاه خدا ناله کنند ، مورد لطف خدا قرار می گیرند . (۱۰۲) مولوی در ترسیم این حقیقت می گوید :

پیش حقّ یک ناله از روی نیاز

به که عمری در سجود و در نماز

زور را بگذار و زاری را بگیر

رحم سوی زاری آید ای فقیر

پیام ها

۱- بعثت انبیا در میان مردم ، یکی از سنّت های الهی در طول تاریخ بوده است . لقد ارسلنا الی اُمَم من قبلک

۲- تاریخ گذشتگان ، عبرت آیندگان است . قبلک

۳- در تربیت و ارشاد ، گاهی فشار وسخت گیری هم لازم است . اخذناهم بالباءساء و الضرّاء

۴- مشکلات ، راهی برای بیداری فطرت وتوجّه به خداوند است . یتضرّعون

۵- هر رفاهی لطف نیست و هر رنجی قهر نیست . لعلّهم یتضرّعون

۶- همه ی افراد لجوج ، با فشار و در تنگا و سختی قرار گرفتن هم رام نمی شوند . لعلّهم یتضرّعون

آیه۴۳

آیه۴۳

۴۳- فَلَوْلَآ إِذْ جَآءَهُم بَاءْسُنَا تَضَرَّعُواْ وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَنُ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ

پس چرا هنگامی که ناگواری های ما به آنان رسید ، توبه و زاری نکردند ؟ آری (حقیقت آن است که) دل های آنان سنگ و سخت شده و شیطان کارهایی را که می کردند ، برایشان زیبا جلوه داده است .

پیام ها

۱- تضرّع به درگاه خداوند ، سبب رشد و قرب به او و ترک آن نشانه ی سنگدلی و فریفتگی است . فلولا . . . تضرّعوا

۲-انسان فطرتاً زیبایی را دوست دارد تا آنجا که شیطان نیز از همین غریزه ، او را اغفال می کند . زیّن لهم الشیطان

۳- برای لجوجان ، نه تبلیغ مؤ ثّر است ، نه تنبیه . قست قلوبهم

۴- ریشه ی غرور و ترک تضرّع ، مفتونشدن به تزیینات شیطانی است . فلولا . . . تضرّعوا . . . زیّن لهم الشیطان

آیه۴۴

آیه۴۴

۴۴- فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ اءَبْوَبَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٓ إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ اءُوتُوٓاْ اءَخَذْنَهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ

پس چون انـدرزهایی را که به آنان داده شـده بود فراموش کردند ، درهای هرگونه نعمت را به رویشان گشودیم (و در رفاه و مادیات غرق شدنـد) تا آنگاه که به آنچه داده شدند دلخوش کردند ، ناگهان آنان را (به عقوبت) گرفتیم پس یکباره محزون و نومید گردیدند .

نکته ها

O مبلسون از ابلاس ، به معنای حزن و انـدوه همراه با یاءس است . حالتی که مجرمان ، هنگام پاسـخ نیافتن در دادگاه پیدا می

کنند . (۱۰۳)

O در دو آیـه ی قبـل فرمـود : مـا افرادی را گرفتـار می کنیـم تـا تضـرّع کننـد ، در ایـن آیه می فرمایـد : برخی در لحظه هـای گرفتاری هم خدا را فراموش می کنند . نَسوا ما ذُکّروا . . .

O در قرآن می خوانیم : و عسی اَن تحبّوا شیا وهو شرّ لکم (۱۰۴) ، چه بسا چیزی را دوست دارید ، در حالی که برای شما شرّ است و حضـرت علی علیه السـلام می فرمایـد : اذا راءیت سـبحانه یتـابع علیک نعمه و اءنت تعصـیه فاحـذره (۱۰۵) اگر دیدی خداونـد نعمت هـایش را بر تو مـدام می دهـد ، ولی تو گنـاه می کنی ، پس به هوش بـاش ، چه بسا این لطفها عاقبت خوشـی ندارد .

O دنیا وبهره هایش ، هم می تواند برای انسان نعمت باشد ، هم نقمت . در آیه مورد بحث ، دنیا نقمت به حساب آمده است . امّا ایمان وتقوی ، برکات آسمان وزمین را

برای اهلش به دنبال دارد ، چنانکه در آیه ۹۶ سوره اعراف آمده است : ولو اءنّ اءهل القُری آمنوا واتّقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض ، بنابراین غفلت ، درهای خیر را بر روی انسان می بندد .

O پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند : اذا راءیت اللّه یعطی علی المعاصی فان ذلک استدراج منه ، اگر مشاهده کردی که دنیا به کام گنهکاران است خوشحال مباش ، زیرا این استدراج الهی و به تدریج هلاکت کردن اوست . (۱۰۶) و آنگاه حضرت این آیه را تلاوت فرمودند .

امام باقر علیه السلام در تاءویل آیه فرمودند : چون مردم ولایت علی بن ابی طالب ۸ را ترک کردند و حال آنکه به آن امر شده بودند ، فلمّا نسوا . . . ، دولت آنان را در دنیا بسط دادیم ، فتحنا علیهم . . . تا حضرت قائم علیه السلام قیام کند ، حتّی . . . اءخذناهم بغته . (۱۰۷)

پیام ها

۱- همیشه رفاه زندگی ، علامت رحمت نیست ، گاهی زمینه ی عقوبت است . نسوا فتحنا

۲- مهلت دادن به مجرمان و سرگرم شدن خلافکاران ، یکی از سنّت های الهی است . فلمّا نَسُوا . . . فتحنا

۳- قهر خداوند بعد از اتمام حجّت است . نَسوا ما ذکّروا . . . اخذناهم

۴- تنگناها و گشایش ها به دست خداست . اخذنا . . . فتحنا

۵- مرگ و قهر الهی ، ناگهانی می آید ، پس باید همیشه آماده بود . بغته

۶- شادی عیّاشان ، ناگهان به ناله ی ماءیوسانه تبدیل خواهد شد . فرحوا مبلسون

آیه۴۵

آیه۴۵

۴۵- فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِینَ ظَلَمُواْ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعَلَمِینَ

پس ریشه ی گروه ستمکاران بریده شد و سپاس ، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است .

نکته ها

O امام صادق علیه السلام فرمود : کسی که دوست داشته باشد ظالم باقی باشد ، در واقع دوست دارد که خداوند معصیت و نافرمانی شود ، همانا خداوند خویشتن را به جهت هلاکت کردن ظالمان ستوده است . فقطع . . . و الحمدللّه (۱۰۸)

پیام ها

۱- ستم ، ماندنی نیست . قطع

۲- ظلم ، در نسل هم مؤ ثر است . دابر

۳- انقراض ونابودی ستمگران ، حتمی است . (ظلم تمدّن ها را ریشه کن می کند) فقطع دابر چنانکه در جای دیگر می فرماید : فهل تری لهم من باقیه (۱۰۹)

۴- بی توجّهی به هشدار انبیا ظلم است . نسوا ما ذکروا . . . الّذین ظلموا

۵- گاهی رفاه فراوان ، زمینه ی ظلم است . فتحنا علیهم ابواب کلّ شی ء . . . الّذین ظلموا

۶- در تاریخ اقوامی بوده اند که هیچ اثری از آنان نیست . فقطع دابر

۷- نابود کردن ستمکار ، کاری پسندیده است . والحمدللّه

۸- هنگام نابودی ستمگران ، باید خدا را شکر کرد . فقطع . . . والحمدللّه

۹- هلاکت ظالمان ، عامل تربیت دیگران است . ربّ العالمین

آیه۴۶

آیه۴۶

۴۶- قُلْ اءَرَءَیْتُمْ إِنْ اءَخَذَ اللّهُ سَمْعَکُمْ وَ اءَبْصَرَکُمْ وَ خَتَمَ عَلَی قُلُوبِکُم مَّنْ إِلهٌ غَیْرُ اللّهِ یَاءْتِیکُم بِهِ انظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْاَیَتِ ثُمَّ هُمْ یَصْدِفُونَ

بگو : چه فکر می کنید ، اگر خداوند ، شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل های شما مهر بزند ، جز خداوند ، کدام معبودی است که آنها را به شما باز دهد ؟ ببین که ما چگونه آیات را به گونه های مختلف بیان می کنیم ، امّا آنان (به جای ایمان و تسلیم) روی بر می گردانند .

نکته ها

O از ابتدای سوره تا اینجا حدود ده بار خداوند با طرح سؤ ال ، مخالفان را دعوت به تفکّر کرده است . زیرا تفکّر در نعمت ها و تصوّر وفرضِ تغییر و تحوّل آنها ، زمینه ی خداشناسی است .

اگر درختان سبز نشوند ، لو نشاء لجعلناه حطاما(۱۱۰)

اگر آبها تلخ و شور شوند ، لو نشاء جعلناه اُجاجا(۱۱۱)

اگر آبها به زمین فرو روند ، إ ن اءصبح ماءکم غورا(۱۱۲)

اگر شب یا روز ، همیشگی باشد ، إ ن جعل اللّه علیکم اللیل سرمدا . . . ان جعل اللّه علیکم النّهار سرمدا(۱۱۳)

و اگر چشم و گوش و عقل انسان از کار بیفتد ، إ ن اخذ اللّه سمعکم و ابصارکم و . . . (۱۱۴)

O امام باقر علیه السلام فرمود : اگر خداوند هدایت شما را بگیرد ، کیست که دوباره شما را هدایت کند ؟ و سپس این آیه را تلاوت فرمود . (۱۱۵)

پیام ها

۱- یکی از روشهای تبلیغی و تربیتی قرآن ، سؤ ال از وجدان هاست . اءراءیتم ان اخذ اللّه . . . مَن اله

۲- برای خداوند ، پس گرفتن نعمت هایی که داده آسان است ، پس بهوش باشیم . اءخذ اللّه سمعکم . . .

۳- هم آفرینش از آنِ خداوند است ، هم کارآیی لحظه به لحظه ی آنها نعمت پروردگار است . اءخذ اللّه سمعکم

۴- گوش وچشم و عقل ، ابزار شناخت انسان و از مهم ترین نعمت های الهی است . سمعکم و ابصارکم . . . قلوبکم

۵- معبودهای خیالی ، نه توان آفریدن و نه توان برگرداندن نعمت های از دست رفته را دارند من

اله غير اللّه ياءتيكم (آری ، کسی لایق پرسش است که هم بتواند نعمتی را بدهد و هم بتواند بازستاند)

۶- با آن همه تنوّع در استدلال ، توجّه مشرکان به غير خداوند ، شگفت آور است . اُنظر کيف . . .

۷- برای انسان های لجوج ، هرنوع بيانی بی اثر است . نُصرّف الآيات ثمّ هم يصدفون

آيه۴۷

آيه۴۷

۴۷- قُلْ اءَرَءَيْتَكُمْ إِنْ اءَتَكُمْ عَذَابُ اللّهِ بَغْتَةً اءَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلا الْقَوْمُ الظَّلِمُونَ

بگو : چه خواهيد کرد اگر عذاب خداوند ، به طور پنهان و ناگهانی يا آشکارا به سراغ شما آيد ، آيا جز گروه ستمگران هلاک خواهند شد ؟

نکته ها

O شايد مراد از بغته به هنگام خواب در شب و مراد از جهره به هنگام کار در روز باشد . مثل آيه ی اءتاها اءمرنا ليلا اءونهارا(۱۱۶) ، شايد مراد از بغته ، عذاب های بی مقدّمه باشد و مقصوداز جهره ، عذاب هايی که آثارش از روز اوّل آشکار شود ، مثل ابرهای خطرناک که بر سر قوم عاد فرود آمد . چنانکه در جای ديگر می خوانيم : قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ريح فيها عذاب اءليم (۱۱۷)

O سؤ ال : اين آيه می گويد : تنها ظالمين از عذاب الهی هلاک می شوند ، در آيه ای ديگر و اتّقوا فتنه لا تصيبنّ الّذين ظلموا منکم خاصّه (۱۱۸) فراگيری فتنه و شعله های عذاب نسبت به همه بيان شده و هشدار داده شده است ، چگونه مفهوم اين دو آيه قابل جمع است ؟

پاسخ : در تفسير کبير فخررازی و مجمع البيان آمده است : هر فتنه ای هلاک نيست . در حوادث تلخ ، آنچه به ظالمان می رسد هلاکت و قهر است ، و آنچه به مؤ منان می رسد ، آزمايش و رشد است .

پيام ها

۱- پيامبر برای بيداری وجدان ها ، ماءمور به سؤ ال وپرسش از آنان است . قل اءرايتکم

۲- از سرکشی خود و مهلت الهی مغرور نشويد ، شايد عذاب خدا ناگهانی فرارسد . بغته

۳- وقتی عذاب خدا آيد ، هلاکت قطعی است ، نه خودشان و نه ديگران قدرت دفاع ندارند . عذاب اللّه يهلک

۴- کيفرهای الهی ، به خاطر ظلم مردم و عادلانه است . يهلک . .

. الظالمون

۵- اعراض از دعوت انبیا ، ظلم است . هم یصدفون الظالمون

آیه۴۸

۴۸- وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَ اءَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

و ما پیامبران را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم ، پس کسانی که ایمان آورند و (کار خود را) اصلاح کنند ، پس بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند .

آیه۴۹

آیه۴۹

۴۹- وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُواْ يَفْسُقُونَ

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند ، عذاب الهی به خاطر فسق و گناهشان ، دامنگیر آنان می شود .

نکته ها

O سؤ ال : با اینکه در آیات متعددی نسبت به اولیای الهی آمده است که ترسی بر آنان نیست ، لا خوف علیهم پس چرا از ویژ گی های اولیای الهی ، بیم از خدا مطرح شده است ، انّا نخاف من ربّنا . . . ؟

پاسخ : اوّلاً گاهی بیمار ، از عمل جراحی و مداوا می ترسد ، ولی پزشك به او اطمینان می دهد که جای نگرانی و ترس نیست . جای نگرانی نبودن ، منافاتی با دلهره ی خود بیمار ندارد .

ثانیاً : معنای لاخوف علیهم آن است که ترس بر آنان حاکم نمی شود . (حرف عَلی به معنای استعلا و غلبه است) نه اینکه اصلاً ترسی ندارند و یحزنون یعنی اندوه دائم ندارند (فعل مضارع رمز تداوم است) نه اینکه برای لحظه ای هم نگران نیستند .

پیام ها

۱- محدوده ی کار انبیا را تنها خدا تعیین می کند . و ما نرسل . . . الاّ مبشّرین . . .

۲- مسئولیّت انبیا ، بشارت و هشدار است ، نه اجبار مردم . الاّ مبشرین و منذرین

۳- شیوه ی کلّی کار انبیا ، یکسان بوده است . مبشّرین و منذرین

۴- ارشاد و تربیت ، بر دو پایه ی بیم و امید و کیفر و پاداش استوار است . مبشّرین و منذرین

۵- ایمان و عمل صالح ، جدای از هم نیستند و عمل منهای ایمان هم کارساز نیست . آمن و اصلح

۶- کارهای مؤ من ، همیشه باید در جهت اصلاح باشد . آمن و اصلح

۷- صالح بودن کافی نیست ، مصلح بودن لازم است . اءصلح

۸- ایمان وعمل

، انسان را از بیماری های روحی چون ترس و اندوه بیمه می کند . آمن و اصلح فلاخوف علیهم ولاهم یحزنون (بهداشت روان ، در سایه ی ایمان و عمل صالح است)

۹- دستاورد جامعه ی نبوی ، نظامی متعادل و آرام و با امنیّت است . فمن آمن و اصلح فلاخوف . . .

۱۰- انسان فطرتاً خواهان آرامش و امنیّت است . فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

۱۱- مداومت بر فسق ، زمینه ساز عذاب الهی است . یمسّهم العذاب بما کانوا یفسقون

آیه۵۰

آیه۵۰

۵۰- قُل لاَّ اَقُولُ لَکُمْ عِنْدِی خَزَآئِنُ اللّهِ وَلاَ اَعْلَمُ الْغَیْبَ وَلاَ اَقُولُ لَکُمْ إِنِّی مَلَکٌ إِنْ اَتَّبِعُ إِلا مَا یُوحَیَّ إِلَیَّ قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الْأَعْمَی وَ الْبَصِیرُ اَفَلاَ تَتَفَکَّرُونَ

(ای پیامبر ! به مردم) بگو : من ادّعا نمی کنم که گنجینه های خداوند نزد من است و من غیب هم نمی دانم و ادّعا نمی کنم که من فرشته ام ، من جز آنچه را به من وحی می شود پیروی نمی کنم . بگو : آیا نابینا و بینا برابرند ؟ آیا نمی اندیشید ؟

نکته ها

O گویا مردم بی ایمان خیال می کردند کسی می تواند پیامبر باشد که خزائن الهی در اختیارش باشد ، یا انتظار داشتند تمام کارهای خود را از مسیر علم غیب حل کند ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این آیه ماءمور می شود با صراحت جلوی توقّعات نابجا و پندارهای غلط آنان را بگیرد و محدوده ی وظائف خود را بیان کند و بگوید : معجزات من نیز در چهارچوب وحی الهی است ، نه تمایلات شما و بدانید که هر کجا به من وحی شد معجزه ارائه خواهم داد ، نه هر کجا و هرچه شما هوس کنید .

O در این آیه ، غیب دانستن پیامبر به صورت مستقل نفی شده ، ولی گاهی آگاهی هایی از غیب به پیامبر عطا شده است . خداوند بارها درباره ی تاریخ حضرت یوسف و مریم و نوح و . . . به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است : ذلک من انباءالغیب نوحیه الیک این قصه ها ، اطلاعات غیبی است

که به تو می دهیم . در آخر سوره ی جنّ هم فرموده است : خداوند علم غیب دارد و آن را جز به اولیای خویش عطا نمی کند . پس علم غیب مخصوص خداست و اگر بخواهد گوشه ای از آن را در اختیار اولیای خود قرار می دهد .

O برخورد همه ی انبیا با مردم یکسان بوده است . همین سخنان را حضرت نوح هم به مردم خود می گفت . (۱۱۹)

پیام ها

۱- صداقت انبیا ، تا آنجاست که اگر فاقد قدرتی باشند ، به مردم اعلام می کنند . قل لا اءقول

۲- از کارهای انبیا ، مبارزه با خرافه گرایی و شخصیّت سازی کاذب است . لااقول . . . لا اعلم

۳- از پیامبران ، توقعات بیجا نداشته باشید . لا اقول لکم عندی خزائن اللّه

۴- زندگی ، اهداف و شیوه ی کار رهبر باید صریح و روشن برای مردم بیان شود . قل لا اقول . . .

۵- نگذارید مردم ، شمارا بیش از آنچه هستید بپندارند . (شخصیّت ها اگر القاب کاذب را از خود نفی کنند ، جلوی غلوها و انحرافات گرفته می شود) . لا اقول لکم عندی خزائن اللّه . . .

۶- انبیا ، با پول و تهدید و تطمیع کار نمی کردند ، تا دیگران از روی ترس و طمع ، دور آنان جمع نشوند و خیال نکنند که اگر با پیامبر باشند ، از علم غیب یا خزانه ی الهی مشکلاتشان حل خواهد شد . قل لا اقول . . .

۷- پیامبر برای زندگی شخصی یا اداره ی حکومت ، همچون دیگران از مسیر عادّی

اقـدام می کند و از علم غیب و خزانه ی الهی اسـتفاده شخصـی نمی کند ، گرچه برای اثبات نبوّت لازم است اسـتفاده کند . لا اعلم الغیب

۸- گرچه پیامبر خزائن الهی و علم غیب ندارد ، ولی چون به او وحی می شود باید از او پیروی کرد . یوحی الیّ

۹- کـار پیـامبر ، نه بر اسـاس خیال و سـلیقه است ، نه بر اساس تمایلات اجتماعی یا محیط زدگی ، بلکه تنها براساس پیروی از وحی است . ان اتّبع الاّ مایوحی الی

۱۰- رفتار و گفتار پیامبران ، برای ما حجّت است ، چون بر مبنای وحی است . ان اتّبع الا ما یوحی الی

۱۱- پیروی از انبیا ، بصیرت واعراض از آنان ، نابینایی است . قل هل یستوی الاعمی و البصیر

۱۲- فکر صحیح ، انسان را به پیروی از انبیا وامی دارد و بهانه ها و توقعات را کنار می گذارد . اءفلا تتفکّرون

آیه۵۱

آیه۵۱

۵۱- وَاءَنذِرْ بِهِ الَّذِینَ یَخَافُونَ اءَن یُحْشَرُوَّاْ إِلَی رَبِّهِمْ لَیْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِیٌّ وَلاَ شَفِیعٌ لَّعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ

و به وسـیله ی آن (قرآن) کسانی را که از محشور شـدن نزد پروردگارشان بیم دارنـد هشـدار ده (زیرا) غیر از خداونـد ، برای آنان یاور و شفیعی نیست ، شاید که پروا نمایند .

نکته ها

O در قرآن بارها خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است که هشدار تو تنها در دل خداترسان اثر می کند ، مثل : انّما تنذر من اتّبع الذّکر و خَشِی الرّحمن (۱۲۰) و انّما تنذر الّذین یخشون ربّهم بالغیب (۱۲۱)

پیام ها

۱- آمادگی افراد ، شرط تاءثیر گذاری هدایت انبیا است . الّذین یخافون

۲- عقیده به معاد ، کلید تقوی است . یخافون ان یحشروا . . . لعلّهم یتّقون

آیه۵۲

آیه۵۲

۵۲- وَلاَ تَطْرُدِ الَّذِینَ یَـدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَوهِ وَالْعَشِیِّ یُرِیـدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَیْکَ مِنْ حِسَابِهِم مِن شَیْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِکَ عَلَیْهِمْ مِن

شَیْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَکُونَ مِنَ الظَّلِمِینَ

و کسانی را که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می خوانند ، در حالی که رضای او را می طلبند ، از خود مران . چیزی از حساب آنان بر عهده ی تو نیست ، و از حساب تو نیز چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمگران شوی .

نکته ها

O در شاءن نزول این آیه آمده است جمعی از کفّار پولدار ، چون دیدند فقیرانی مانند عمار و بلال و خباب و . . . دور پیامبر را گرفته اند ، پیشنهاد کردند که آن حضرت ، اینان را طرد کند تا آنان گرد او جمع آیند . به نقل تفسیر المنار خلیفه ی دوّم گفت : به عنوان آزمایش ، طرح را بپذیریم ، آیه ی فوق نازل شد . مشابه این مطلب در سوره ی کهف ، آیه ۲۸ نیز آمده است .

O در تفسیر قُرطبی آمده است : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول این آیه ، از مجلس فقرا بر نمی خاست تا آنکه اوّل فقیران برخیزند .

O منظور از خواندن خدا در صبح و شب ، ممکن است نمازهای روزانه باشد . (۱۲۲)

پیام ها

۱- حفظ نیروهای مخلص و فقیر و مجاهد ، مهم تر از جذب سرمایه داران کافر است . لا تطرد

۲- هدف ، وسیله را توجیه نمی کند . برای جذب سران کفر ، نباید به مسلمانان موجود اهانت کرد . لا تطرد

۳- اسلام ، مکتب مبارزه با تبعیض ، نژاد پرستی ، امتیاز طلبی و باج خواهی است . (با توجّه به شاءن نزول)

۴- اغلب طرفداران انبیا ، پابرهنگان بوده اند . (با توجّه به شاءن نزول)

۵- بهانه گیران ، اگر از رهبر و مکتب نتوانند عیب بگیرند ، از پیروان و وضع اقتصادی آنان عیب جویی می کنند . (با توجّه به شاءن نزول)

۶- هیچ امتیازی با ایمان برابری نمی کند . یریدون وجهه

۷- میزان ، حال فعلی

اشخاص است . اگر مؤ منان فقیر ، خلاف قبلی داشته باشند ، حسابشان با خداست . ما علیك من حسابهم من شی ء

۸- حساب همه با خداست ، حتّی رسول اکرم نیز مسئول انتخاب وعمل دیگران نیست ، ما علیك من حسابهم من شی ء و خود نیز حساب و کتاب دارد . و ما من حسابک علیهم من شی ء

۹- طرد پابرهنگان و محرومان مخلص ، ظلم است . فتکون من الظالمین

آیه۵۳

آیه۵۳

۵۳- وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعضٍ لِّيَقُولُوٓاْ اءَهَٓؤُلَآءِ مَنَّ اللّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَآ اءَلَيْسَ اللّهُ بِاءَعْلَمَ بِالشَّكِرِينَ

و این گونه بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر آزمایش کردیم ، تا (از روی استهزا) بگویند : آیا ایناننـد آنها که خداوند ، از میان ما بر آنها منّت نهاده است ؟ آیا خداوند به حال شاکران داناتر نیست ؟

نکته ها

O بارها قرآن ، بلند پروازی و پر توقّعی سرمایه داران را مطرح و محکوم کرده است . آنان توقّع داشتند وحی و قرآن بر آنان نازل شود ، از جمله : اءءُلقی الذّکر علیه من بیننا(۱۲۳) آیا در میان ما وحی بر او نازل شد ؟ ! لولا نُزّل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم (۱۲۴) چرا وحی بر مرد بزرگی از آن دو قریه نازل نشد ؟ !

O مؤ من واقعی ، شاکر نعمت ایمان است . شخصی نزد امام کاظم علیه السلام از فقر خود شکایت کرد . حضرت فرمود : غنی ترین افراد به نظر تو کیست ؟ گفت : هارون الرشید . پرسید : آیا حاضری ایمان خود را بدهی و ثروت او را بگیری ؟ گفت : نه . فرمود : پس تو غنی تری ، چون چیزی داری که حاضر به مبادله با ثروت او نیستی . (۱۲۵)

پیام ها

۱- تفاوت های اجتماعی ، گاهی وسیله ی آزمایش و شکوفا شدن خصلت ها و رشد آنهاست . اغنیا ، با فقرا آزمایش می شوند . فَتنّا بعضهم ببعض

۲- اغنیا ، فقرا را تحقیر می کنند و خود را ارزشمند می پندارند . اءهولاء . . . من بیننا

۳- فقرای با ایمان ، برگزیدگان خدایند . مَنَّ اللّه علیهم

۴- پاسخ توهین های کافران ، با نوازش و مهر الهی به مؤ منان داده می شود . اءهؤ لاء . . . اءعلم بالشاکرین

۵- منّت الهی بر فقیران ، نتیجه ی شکر آنان است . مَنَّ اللّه . . . بالشّاکرین

۶- خداوند طبق حکمتش عمل می کند ، نه توقّع

مردم . اءلیس اللّه باءعلم بالشّاکرین

۷- انبیا ، نمونه بارز شاکرین هستند . بالشّاکرین (فقرایی هم که هدایت انبیا را پذیرفته اند ، شاکر نعمت هدایت هستند .) اعلم بالشّاکرین

آیه۵۴

۵۴- وَإِذَا جَآءَکَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بَایَتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَیْکُمْ کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلَی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنکُمْ سُوَّءاً بِجَهَلَهٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَاءَصْلَحَ فَاءَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ

و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند ، پس بگو : سلام بر شما ! پروردگارتان بر خودش رحمت را مقرّر کرده است که هر کس از شما از روی نادانی کار بدی انجام دهد و پس از آن توبه کند و خود را اصلاح نماید ، پس قطعا خداوند ، آمرزنده و مهربان است .

آیه۵۵

آیه۵۵

۵۵- وَکَذَلِکَ نُفَصِّلُ الْآیَتِ وَلِتَسْتَبِینَ سَبِیلُ الْمُجْرِمِینَ

و ما بدین گونه آیات را (برای مردم) به روشنی بیان می کنیم ، (تا حقّ آشکار) و راه و رسم گناهکاران روشن شود .

نکته ها

O در شاءن نزول آیه آمده است ، جمعی گنهکار ، خدمت پیامبر آمده و گفتند : ما خلاف های زیادی کرده ایم . حضرت ساکت شد . این آیه نازل شد .

O در این سوره ، خداوند دوبار جمله : کتب علی نفسه الرحمه گفته است ، یکی برای دلگرم کردن مؤ منان در همین دنیا (همین آیه) ، یکی هم در آیه ۱۲ که برای معاد است . کتب علی نفسه الرّحمه لیجمعنّکم

O جهالت ، گاهی در برابر علم است و گاهی در برابر عقل ، و در آیه ۵۴ در برابر عقل است .

یعنی از روی جهل وبی خردی به گناه کشیده شده اند ، نه آنکه نمی دانستند .

پیام ها

۱- ایمان زائر پیامبر خدا ، از شرایط دریافت لطف الهی است . و اذا جاءک الّذین یؤ منون بآیاتنا فقل . . .

۲- زیارت پیامبر ، راه دریافت لطف خداست . جاءک . . . فقل سلام علیکم کتب

۳- رابطه ی رهبر و مردم ، بر پایه ی انس و محبّت است . اذا جاءک . . . فقل سلام علیکم

۴- بهترین عبارت تحیّت ، سلام علیکم است . فقل سلام علیکم

۵- تحقیر شـدن مؤ منان را جبران کنیـد . (در آیه ی ۵۳ متکبّران بـا لحن تحقیرآمیزی می گفتنـد : اَهؤ لاء . . . ولی در آیه ۵۴ خداوند آن تحقیر را جبران می کند و به پیامبرش دستور سلام کردن به مؤ منان را صادر می کند .) فقل سلام علیکم

۶- سلام ، شعار اسلام است . بزرگ نیز به کوچک ، سلام می کند . فقل

سلام علیکم

۷- مربّی ومبلّغ ، باید با برخوردی محبّت آمیز با مردم ، به آنان شخصیّت دهد . سلام علیکم

۸- اگر گناه از روی لجاجت و استکبار نباشد ، قابل بخشش است . (جهالت ، عذری قابل قبول برای بخشش و گذشت از خطاکاران است .) من عمل منکم سوءً بجهاله

۹- خداوند ، رحمت را بر خویش واجب کرده ، ولی شرط دریافت آن ، عذرخواهی و توبه است . کتب . . . ثمّ تاب

۱۰- توبه ، تنها یک لفظ نیست ، تصمیم و اصلاح هم می خواهد . تاب و اءصلح

۱۱- توبه ی مؤ من حتما پذیرفته می شود ، عمل منکم آغاز توبه ، بعد از گناه است . من بعده

۱۲- عفو الهی همراه با رحمت است . غفور رحیم (گناهکار نباید ماءیوس شود)

۱۳- روشنگری نسبت به سیمای مجرمان و راه خطاکاران و اهل توطئه ، از اهداف مکتب است . لتستبین سبیل المجرمین

آیه۵۶

آیه۵۶

۵۶- قُلْ إِنِّی نُهِیتُ اءَنْ اءَعْبُدَ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ قُل لَّا اءَتَّبِعُ اءَهْوَآ ءَکُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذاً وَمَآ اءَنَاْ مِنَ الْمُهْتَدِینَ

بگو : من از پرستش آنها که به جای خدا می خوانید نهی شده ام . بگو : من از هوسهای شما پیروی نمی کنم ، که در این صورت گمراه شده و از هدایت یافتگان نخواهم بود .

پیام ها

۱- در پاسخ به تمایلات نابجای مشرکین مبنی بر پذیرش بت ها و روش آنان ، باید با صراحت جواب نفی داد . نُهیتُ ، لا اءتّبع ، ضللت (آری شرک ، در هیچ قالبی مجاز نیست)

۲- برخورد و موضع گیری های پیامبر صلی الله علیه و آله ، از وحی سرچشمه می گیرد . قل ، قل

۳- برائت از شرک ، جزو اسلام است . نُهیتُ اءن اءعبد الّذین تدعون من دون اللّه

۴- ریشه ی شرک ، هواپرستی است . لا اءتّبع اءهوائکم

۵- مبلّغ ، نباید در پی ارضای هوسهای مردم باشد . لا اءتّبع اءهوائکم

۶- هواپرستی ، زمینه ی هدایت را در انسان از بین می برد . لااءتّبع اهوائکم . . . ما اءنا من المهتدین

آیه۵۷

آیه۵۷

۵۷- قُلْ إِنِّی عَلَی بَیِّنَهٍ مِّن رَّبِّی وَکَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِی مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُکْمُ إِلا لِلَّهِ یَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَیْرُ الْفَصِلِینَ

بگو : همانا من از طرف پروردگارم بر دلیل آشکاری هستم ، ولی شما آن را دروغ پنداشتید . آنچه را شما (از عذاب الهی) با شتاب می طلبید به دست من نیست فرمان جز به دست خدا نیست که حقّ را بیان می کند و او بهترین (داور و) جدا کننده ی حقّ از باطل است .

نکته ها

O بیّنه ازکلمه ی بینونه (جدایی) ، به دلیلی گفته می شود که به طور کامل و روشن ، حق و باطل را از هم جدا می کند . دلائل و معجزات پیامبران ، نه ثقیل بود نه مبهم ، همه می فهمیدند و اگر لجاجت نمی کردند ، از جان و دل می پذیرفتند ، به همین خاطر پیامبران خود را دارای بیّنه معرّفی می کردند .

O کفّار می گفتند : اگر راست می گویی ، چرا قهر خدا بر ما نازل نمی شود ؟ تستعجلون به نظیر آیه ای که می گفتند : اگر این مطلب راست است ، خدایا بر ما سنگ بباران ، فامطر علینا حجارهً من السماء(۱۲۶) استعجال و عذاب خواهی در اقوام دیگر هم بوده و به حضرت هود و صالح و نوح هم می گفتند : اگر راست می گویی عذاب موعود را سریعاً برای ما بیاور . فَاتِنا بما تَعدُنا(۱۲۷)

پیام ها

۱- دعوت انبیا بر اساس بینه است ، نه خیال و تقلید کورکورانه علی بیّنه

۲- اعطای بیّنه به پیامبر ، پرتوی از ربوبیّت خداوند است . بیّنه من ربّی

۳- انبیا باید بیّنه ی الهی داشته باشند ، نه آنکه طبق تقاضای روزمرّه ی مردم کار کنند . بیّنه من ربّی (قرآن ، بیّنه و دلیل روشن وگواه حقانیّت پیامبر صلی الله علیه و آله است)

۴- پیامبر اسلام بر قرآن که بیّنه ی اوست ، احاطه ی کامل دارند . (علی بیّنه به معنای استعلا و احاطه بر مفاهیم قرآن است)

۵- کافران ، بیّنه ی پیامبر را تکذیب می کنند ، ولی انتظار دارند او از

هواهای نفسانی آنان پیروی کند . لا اتّبع اهوائکم کذّبتم به

۶- با بهانه جویان ، صریح حرف بزنید . ما عندی

۷- پیامبر ، تنها فرستاده ای همراه با منطق و بیّنه است و نظام هستی به دست خداست . (با تقاضای نزول سریع قهر الهی از پیامبر ، قلع و قمع خود یا نابودی هستی را نخواهید) . ما تستعجلون به

۸- آیه ، هم تهدید کافران است ، هم دلداری پیامبر . و هو خیرالفاصلین

آیه۵۸

آیه۵۸

۵۸- قُل لَوْ اءَنَّ عِندِی مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِیَ الْأَمْرُ بَیْنِی وَبَیْنَکُمْ وَ اللّهُ اءَعْلَمُ بِالظَّلِمِینَ

بگو : اگر آنچه که درباره آن شتاب می کنید نزد من بود (و به درخواست شما عذاب نازل می کردم ،) قطعا کار میان من و شما پایان گرفته بود ، ولی خداوند به حال ستمگران آگاه تر است (و به موقع مجازات می کند) .

پیام ها

۱- عجله ی مردم ، حکمت خدا را تغییر نمی دهد . تستعجلون . . . واللّه اعلم

۲- کیفرها به دست خداوند است ، امّا اگر او به درخواست کفّار در عذاب خود عجله کند ، هیچ کس باقی نمی ماند . لقضی الامر چنانکه در آیه ۱۱ سوره ی یونس آمده است : ولو یُعجّل اللّه للنّاس الشّر استعجالهم بالخیر لقضی الیهم اءجلهم

۳- خدا طبق حکمت وسنّت خود ، به ظالمان مهلت می دهد . قل لو ان عندی ماتستعجلون به لقضی . . . واللّه اعلم بالظالمین

۴- تاءخیر در قهر و عذاب الهی سبب نشود که کافران خیال کنند کفرشان از یاد رفته است . واللّه اعلم بالظالمین

۵- اعراض از ایمان و عجله در عذاب ، ظلم است . بالظالمین

آیه۵۹

آیه۵۹

۵۹- وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لاَ یَعْلَمُهَآ إِلا هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَهٍ إِلا یَعْلَمُهَا وَلاَ حَبَّهٍ فِی ظُلُمَتِ الْأَرْضِ وَ لاَ رَطْبٍ وَلاَ یَابِسٍ إِلا فِی کِتَبٍ مُبِینٍ

و گنجینه های غیب ، تنها نزد خداست و جز او کسی آن را نمی داند و آنچه را در خشکی ودریاست می داند ، وهیچ برگی

از درخت نمی افتد جز آنکه او می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین وهیچ تر وخشکی نیست ، مگر آنکه (علم آن) در کتاب مبین ثبت است .

نکته ها

O مفاتح ، یا جمع مِفتَح به معنای گنجینه و خزانه است ، یا جمع مِفتاح به معنای کلید است ، ولی معنای اوّل مناسب تر است . (۱۲۸)

O کلمه ی تر و خشک ، کنایه از همه ی چیزهایی است که مقابل همند ، مثل مرگ و حیات ، سلامتی و مرض ، فقر و غنا ، نیک و بد ، مجرّد و مادّی . این مطلب در آیه ی و کلّ شی ء اءحصیناه فی امامٍ مُبین (۱۲۹) نیز بیان شده است

O شاید مراد از سقوط برگ ها ، حرکات نزولی و مراد از دانه های در حال رشد زیر زمین ، حرکات صعودی باشد . (۱۳۰)

پیام ها

۱- دلیل آنکه عذاب عجولانه ای که کفّار تقاضا می کنند فرا نمی رسد ، علم خداوند به اسرار هستی است . ما تستعجلون . . . و عنده مفاتح الغیب

۲- احکام الهی بر اساس آگاهی او بر غیب و شهود است . اِنِ الحُکم الاّ للّه و عنده مفاتح الغیب

۳- دامنه ی علم غیب ، گسترده تر از علوم عادّی است . (زیرا قرآن درباره آن تعبیر انحصاری دارد .) لا یعلمها الاّ هو

۴- بر خلاف کسانی که می گویند خداوند تنها به کلیّات علم دارد ، خداوند به همه چیز دانا و از همه ی جزئیّات هستی آگاه است . پس باید مواظب اعمال خود باشیم . لا تسقط من ورقه . . .

۵- جز خداوند ، هیچکس از پیش خود علم غیب ندارد . و عنده مفاتح الغیب لایعلمها الاّ هو

۶- در جهان ، مرکزیّتی برای اطلاعات وجود دارد . فی کتاب

مبین

۷- نظام هستی ، طبق برنامه ی پیش بینی شده ای طراحی شده است . کتاب مبین

آیه۶۰

آیه۶۰

۶۰- وَهُوَ الَّذِی یَتَوَفَّکُم بِالَّیْلِ وَیَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ یَبْعَثُکُمْ فِیهِ لِیُقْضَی اءجَلٌ مُسَمّیً ثُمَّ إِلَیْهِ مَرْجِعُکُمْ ثُمَّ یُنَبِّئُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و او کسی است که (روح) شمارا در شب (به هنگام خواب) می گیرد و آنچه را در روز انجام می دهید می داند ، سپس شما را از خواب برمی انگیزد تا مدّت معیّن (عمر شما) سپری شود . عاقبت بازگشت شما به سوی اوست پس شما را به آنچه انجام می دهید خبر می دهد .

نکته ها

O جَرَحتم از جارحه به معنای عضو است ، عضوی که با آن کار و کسب می شود و سپس به خودِ کار و عمل گفته شده است .

O با اینکه خداوند به هنگام خواب روح انسان را می گیرد ، ولی می فرماید : ما شما را می گیریم ، پس معلوم می شود روح انسان تمام حقیقت اوست .

پیام ها

۱- خواب ، یک مرگ موقتی است و هربیداری نوعی رستاخیز . یتوفاکم ، یبعثکم

۲- قانون طبیعی آن است که شب برای خواب و روز برای کار باشد . یتوفّاکم باللیل ، جرحتم بالنّهار

۳- هر روز عمر ، یک فرصت و بعثت جدید است . یبعثکم

۴- زندگی ما ، تاریخ و برنامه و مدّت معیّن دارد . اءجل مسمّی

۵- خود را برای پاسخگویی قیامت آماده کنیم . الیه مرجعکم

۶- خداوند با اینکه کار بد ما را می داند ولی باز هم به ما مهلت داده و روح گرفته را به بدن برمی گرداند . یعلم ما جرحتم بالنّهار ثمّ یبعثکم

۷- قیامت ، روز روشن شدن حقیقت اعمال است . ینبّئکم بما کنتم تعملون

آیه۶۱

آیه۶۱

۶۱- وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَآءَ اءَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لاَيُفَرِّطُونَ

وتنها اوست که قهر واقتدارش مافوق بندگان است و نگهبانانی بر شما می فرستد ، تا آنکه چون مرگ یکی از شما فرا رسد ، فرستادگان ما (فرشتگان) جان او را بازگیرند و در کار خود ، هیچ کوتاهی نکنند .

نکته ها

O گرفتن روح در شب وبرگرداندن آن در روز یکی از نمونه های قاهربودن خدا برانسان است .

O مساءله ی قبض روح ، در قرآن هم به خداوند نسبت داده شده اللّه یتوفّی الانفس ، هم به ملک الموت و هم به فرشتگان . این اختلاف تعبیر شاید به خاطر آن باشد که جان افراد عادی را فرشتگان می گیرند و جان افراد برجسته را ملک الموت که فرشته برتری است و جان اولیای خدا را ذات مقدّس او می گیرد .

و شاید به این دلیل باشد که ابتدا فرشتگان ، روح مردم را می گیرند و سپس تحویل ملک الموت می دهند و آنگاه ملک الموت (عزرائیل) روح های گرفته شده را به خداوند تحویل می دهد و به همین دلیل گرفتن روح مردم هم کار فرشتگان و هم کار ملک الموت و هم کار خداوند به شمار می رود .

O ممکن است مراد از فرشتگان محافظ ، آنان باشند که مراقب و نگهدار انسان از حوادثند ، (۱۳۱) له معقّبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امراللّه (۱۳۲) و ممکن است مراد از حفظه ، فرشتگانی باشند که ماءمور ثبت و ضبط اعمال انسانند . رسلنا لدیهم یکتبون (۱۳۳)

O ایمان به مراقبت

فرشتگان از انسان ، عامل شکر از خداست ، همان گونه که ایمان به ثبت اعمال توسّط فرشتگان عامل حیا و تقواست .

پیام ها

۱- خداوند ، قدرت و سلطه ی کامل دارد و اگر ما را آزاد گذاشته ، به خاطر مهلتی است که از روی لطف اوست . و هو القاهر . . .

۲- تسلّط خدا بر بندگان چنان است که کسی را تاب مقاومت نیست . و هو القاهر فوق عباده

۳- در دستگاه آفرینش ، انواع مراقبت ها وجود دارد . حفظه

۴- فرستادن فرشتگان محافظ ، دائمی است . یُرسل (فعل مضارع نشانه ی دوام و استمرار است)

۵- هر دسته از فرشتگان ، ماءموریّت خاصّی دارند . حفظه توفّته

۶- برای قبض روح یک نفر چند فرشته حاضر می شوند . اذا جاء احدکم الموت توفّته رسلنا

۷- فرشتگان در انجام ماءموریّت ، سهل انگاری ندارند و معصومند . لایفرّطون چنانکه در آیه دیگر آمده است : لا یَعصون اللّه ما اءمرهم (۱۳۴)

آیه۶۲

آیه۶۲

۶۲- ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى اللَّهِ مَوْلَهُمُ الْحَقِّ اءَلاَ لَهُ الْحُكْمُ وَ هُوَ اءَسْرَعُ الْحَسِبِينَ

سپس مردم به سوی خداوند ، مولای حقّشان بازگردانده می شوند ، آگاه باشید که دادرسی و داوری تنها از آنِ خداوند است و او سریع ترین حسابرسان است .

نکته ها

O در روایات آمده است که خداوند ، حساب بندگانش را به اندازه ی دوشیدن شیر یک گوسفند و در زمانی بسیار کوتاه ، انجام می دهد . (۱۳۵)

O از امام علی علیه السلام سؤ ال شد : کیف یُحاسِبُ اللّه الخلقَ علی کثرتهم ؟ فقال : کما یَرزقُهم علی کثرتهم . فقیل : کیف یُحاسِبهم و لایرونه ؟ فقال : کما یَرزقهم و لایرونه (۱۳۶) چگونه خداوند با وجود مخلوقین زیاد به حساب آنان رسیدگی می کند ؟ حضرت فرمودند : همان گونه که آنان را روزی می دهد . سؤ ال شد : چگونه حسابرسی می کند در حالی که او را نمی بینند ؟ فرمودند : همان گونه که روزی شان می دهد ، ولی او را نمی بینند .

O سؤ ال : با این همه آیات وروایات بر حسابرسی سریع الهی ، پس طولانی بودن روز قیامت برای چیست ؟

پاسخ : بلندی روز قیامت ، نوعی عقوبت است ، نه به خاطر فشار کار و ناتوانی از محاسبه ی سریع . (۱۳۷) (بشر که مخلوق الهی است ، در دنیای امروز به وسیله ی کامپیوتر ، در کمتر از یک دقیقه بزرگ ترین محاسبات را انجام داده و مثلا انبارها و کالاهای آن و امور مالی مربوط به آن را بررسی و محاسبه می نماید) .

پیام ها

۱- بازگشت همه به سوی خداست و او یگانه قاضی قیامت است . ردّوا الی اللّه . . . له الحکم

۲- مولای حقیقی کسی است که آفریدن ، نظارت کردن ، خواب و بیداری ، مرگ و بعثت ، داوری و حسابرسی به دست او

باشد ، الی اللّه مولاهم الحقّ

۳- همه ی مولاها یا باطلند ، یا مجازی ، مولای حقیقی تنها خداوند است . اللّه مولاهم الحقّ و ولایت انبیا و اولیا ، پرتوی از ولایت الهی است .

۴- سرعت حسابرسی خداوند ، از هر نوع و هر وسیله ی حسابرسی سریعتر است . و هو اءسرع الحاسبین

۵- سرعت حسابرسی و رسیدگی به امور ، یک ارزش و روش الهی است . و هو اءسرع الحاسبین

آیه۶۳

۶۳- قُلْ مَن یُنَجِّیکُم مِن ظُلُمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَخُفْیَةً لَئِنْ اءَنْجَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَکُونَنَّ مِنَ الشَّکِرِینَ

بگو : چه کسی شمارا از تاریکی های خشکی و دریا (به هنگام درماندگی) نجات می دهد ؟ وقتی که او را آشکارا و پنهان می خوانید (و می گویید :) اگر خداوند از این ظلمت ما را رهایی دهد ، از شکرگزاران خواهیم بود .

آیه۶۴

آیه۶۴

۶۴- قُلِ اللّهُ یُنَجِّیکُم مِنْهَا وَمِن کُلِّ کَرْبٍ ثُمَّ اءَنتُمْ تُشْرِکُونَ

بگو : خداوند شما را از این ظلمت ها و از هر ناگواری دیگر نجات می دهد ، باز شما (به جای سپاس) ، شرک می ورزید .

نکته ها

O کلمه ی تَضرُّع به معنای دعای آشکار و کلمه ی خُفیه به معنای دعای پنهان است .

O پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند : بهترین دعا ، دعای با صدای آهسته و خُفیه است و از جمعی که با صدای بلند دعا می خواندند ، انتقاد کرد و فرمود : خداوند شنوا و نزدیک است . (۱۳۸)

O در آیه ۱۲ سوره ی یونس نیز آمده است : انسان هنگام خطر ، به یاد خدا می افتد و او را می خواند ، امّا فلمّا کشفنا عنه ضرّه مَرّ کاءن لم یَدْعُنا الی ضُرٍّ مَسَّه همین که مشکلش حل شد ، سرش را پایین انداخته و می رود ، گویا ما را اصلاً صدا نزده است .

O شداید برای انسان ، چهار حالت به وجود می آورد : احساس نیاز ، تضرّع ، اخلاص و التزام به شکرگزاری . آری ، شداید و سختی ها و قطع شدن اسباب مادّی ، روح خداجویی را شکوفا می کند و انسان در مشکلات ، دست خدا را می بیند .

پیام ها

۱- یکی از شیوه های تبلیغ و موعظه ، سؤ ال از وجدان مردم است . مَن یُنَجّیکم

۲- یادآوری و توجّه دادن انسان به خلوص او در دعا به هنگام شداید ، از بهترین روشـهای خداشناسی است . تدعونه تضرّعا و خفیه

۳- انسان در سختی ها و شداید ، دست از کفر و شرک برداشته و موحّد می شود . تدعونه تضرّعا و خفیه

۴- برای هر کس ، مشکل خودش ، بزرگ ترین مشکل است . اءنجانا مِن هذه

۵- انسان به تعهّدات خود در برابر

خدا بی وفاست . ثمّ اءنتم تشرکون

۶- بدترین نوع ناسپاسی ، شرک است . لنکوننّ من الشاکرین . . . ثمّ انتم تشرکون

۷- راحتّی و احساس رهایی وبی نیازی ، زمینه ی غفلت از خدا و شرک به اوست . قل اللّه ینجّیکم منها و من کلّ کرب ثمّ انتم تُشرکون

آیه۶۵

۶۵- قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَی اءَن یَبْعَثَ عَلَیْکُم عَذَاباً مِن فَوْقِکُمْ اءَ وْ مِنْ تَحْتِ اءَرْجُلِکُمْ اءَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً وَیُذِیقَ بَعْضَکُم بَاءْسَ بَعْضٍ انظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْاَیَتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُونَ

بگو : او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را به صورت گروه های گوناگون با هم درگیر کند ، و طعم تلخ جنگ و خونریزی را توسط یکدیگر به شما بچشاند . بنگر که چگونه آیات را گونه گون بازگو می کنیم ، باشد که بفهمند .

آیه۶۶

آیه۶۶

۶۶- وَکَذَّبَ بِهِ قَوْمُکَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَسْتُ عَلَیْکُمْ بِوَکِیلٍ

و قوم تو این قرآن را تکذیب کردند ، با آنکه سخن حقّی است ، بگو : من وکیل و عهده دار ایمان آوردن شما نیستم .

نکته ها

O لَبس به معنای آمیختن ، و شِیَع جمع شیعه ، به معنای گروه است .

O در آیه ی قبل ، قدرت نجات بخش الهی مطرح شد ، اینجا قدرت قهر و عذاب او .

O امام باقر علیه السلام فرمودند : مراد از عذاب آسمانی ، دود و صیحه و مراد از عذاب زمینی ، فرورفتن در آن و مراد از یَلبِسَکم شِیَعا ، تفرقه در دین و بدگویی و کشتن یکدیگر است . (۱۳۹) شاید آن حضرت در مقام بیان بعضی از نمونه ها بوده اند نه تمام مصادیق ، زیرا مثلا عذاب فوق شامل فشار طاغوت ها که حاکم بر مردمند و عذاب تحت شامل قهری بدنبال نافرمانی مردم از رهبر حقّ که از مردم و در مردم و هم سطح آنان است نیز می شود .

O تعابیر گوناگونی در قرآن خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، این مضمون را بیان می کند که پیامبر مسئولِ ابلاغ دین خداست ، نه اجبار مردم به ایمان آوردن . از جمله : ما جعلناك علیهم حفیظا(۱۴۰) ، لستَ علیهم بمصیطر(۱۴۱) ، ما اءنت علیهم بجبّار(۱۴۲) ، ما علی الرّسول الاّ البَلاغ (۱۴۳) ، اءفانتَ تکره النّاس (۱۴۴) ، لااکراه فی الدّین (۱۴۵) ، اِن اءنت الاّ

نذیر(۱۴۶) و قل لستُ علیکم بوکیل .

پیام ها

۱- یکی از وظایف پیامبر ، یادآوری قدرت بی مانند خداوند است . قل هو القادر

۲- شرک ، زمینه ساز دریافت انواع عذاب هاست . ثم انتم تشرکون قل هو القادر . . .

۳- خداوند ، هم نجات بخش است ، هم عذابگر ، آنکه آگاهانه سراغ غیر

خدا می رود ، باید منتظر عذاب باشد . قل هوالقادر علی اءن یبعث . . .

۴- تفرقه و تشتّت ، از عذاب های الهی و در کنار عذاب آسمانی و زمینی مطرح شده است . یلبسکم شیعاً

۵- گاهی مردم ، به وسیله ی مردم و با دست یکدیگر عذاب و تنبیه می شوند . یذیق بعضکم باءس بعض

۶- مبلّغان دینی باید از روشهای گوناگون برای ارشاد مردم بهره گیرند . اُنظر کیف نصرّف الا یات

۷- اگر مفهومی را در قالب های متنوّع ارائه دادیم ، به تاءثیرات بیشتری امیدوار باشیم نُصرّف الا یات لعلّهم یفقهون

۸- چون راه شما حقّ است ، از تکذیب مردم نگران نباشید . و هو الحقّ

۹- تو مسئول وظیفه هستی ، ضامن نتیجه نیستی . لستَ علیکم بوکیل

آیه۶۷

آیه۶۷

۶۷- لِکُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

برای هر خبری (که خداوند یا پیامبرش به شما می دهد) وقتی مقرّر است (که در آن واقع می شود) و به زودی خواهید دانست .

نکته ها

O در آیه ی قبل گفته شد : خداوند قدرت دارد از هرسو برشما عذاب نازل کند ، این آیه می فرماید : اگر عذابی بر کفّار لجوج نازل نشد ، عجله نکنید ، زیرا برای تحقّق هر خبری زمانی معیّن است .

پیام ها

۱- تحقّق همه ی خبرها و برنامه های الهی ، قطعی و بر اساس حکمت و زمان بندی معیّن است . (هیچ حادثه ای بدون برنامه و هدف وتصادفی نیست) لکلّ نباءٍ مستقرّ

۲- گرچه مجبور به ایمان آوردن نیستید ، ولی فکر عاقبت و فرجام کار خودتان باشید . و سوف تعلمون

۳- زود قضاوت نکنید و مهلت دادن های الهی را نشانه ی غفلت خدا از خودتان نپندارید . سوف تعلمون

آیه۶۸

آیه۶۸

۶۸- وَإِذَا رَاءَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِى ءَايَتِنَا فَاءَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُواْ فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَنُ فَلاَ تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّلِمِينَ

و هرگاه كسانى را ديدى كه در آيات ما (به قصد تخطئه ،) كندوكاو مى كنند ، از آنان روى بگردان تا (مسير سخن را عوض كرده) وارد مطلب ديگرى شوند واگر شيطان تو را به فراموشى انداخت ، پس از توجّه ، (ديگر)با اين قوم ستمگر منشين .

نكته ها

O خوض به معناى كندوكاو وگفتگو به قصد تمسخر و تحقير است ، نه براى فهم و درك حقيقت . (۱۴۷)

O بعد الذّكرى ممكن است به معناى تذكّر دادن ديگرى ، يا به معناى متذكّر شدن خود انسان باشد .

O سؤ ال : پيامبران الهى معصوم هستند ، پس چگونه در آيه سخن از نفوذ شيطان در پيامبر مطرح شده است ؟ ينسيّنك الشيطان

پاسخ : تاءثير شيطان در به فراموشى كشاندن ، مساءله اى فرضى است ، مثل آيه ى لئن اَشركتَ ليحبطنّ عملك (۱۴۸) يا آيه ولو تقوّل علينا بعض الاَقاويل (۱۴۹) يعنى اگر مشرك شوى ، يا اگر به ما نسبتى ناروا بدهى ، نه اينكه چنين شده است .

و ممكن است مراد اصلى آيه ، پيروان پيامبرند ، نه خود ايشان ، همان گونه كه در فارسى ضرب المثلى است كه به در مى گوييم كه ديوار بشنود .

O مشابه اين مطلب ، در سوره ى نساء آيه ۱۴۰ نيز آمده است : اذا سمعتم آيات اللّه يكفر بها و يستهزاء بها فلا تقعدوا معهم حتّى يخوضوا فى حديث غيره . . . اگر شنيديد كه به آيات

الهی کفر می ورزند یا مسخره می کنند با آنان منشینید تا سخن را عوض کنند .

O در روایات متعدّدی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمّه معصومین علیهم السلام از همنشینی با اهل گناه ، یا شرکت در جلسه ای که گناه می شود و انسان قدرت جلوگیری از آن را ندارد نهی شده است ، حتّی اگر آنان از بستگان انسان باشند . حضرت علی علیه السلام به فرزندش وصیّت کرد : خداوند بر گوش واجب کرده که راضی به شنیدن گناه و غیبت نشود . (۱۵۰)

O رسول خدا صلی الله علیه و آله با استناد به این آیه فرمودند : کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد ، در مجلسی که در آن امامی سبّ می شود و یا از مسلمانی عیب جویی می گردد نمی نشیند . (۱۵۱)

O حضرت علی علیه السلام مجالسه الاشرار تورث سوء الظنّ بالاخیار همنشینی با بدان ، سبب سوء ظنّ به نیکان می شود . (۱۵۲)

پیام ها

۱- غیرت و تعصّب دینی خود نسبت به مقدّسات را به دشمنان نشان دهید . اذا راءیت الّذین یخوضون فی آیاتنا فاءعرض عنهم

۲- اعراض از بدی ها ومبارزه ی منفی با زشتکاران ، یکی از شیوه های نهی از منکر است . فاءعرض عنهم

۳- توجّه و گوش دادن به سخنان باطل (و دیدن و خواندن کتب و برنامه های گمراه کننده) نکوهیده است . (۱۵۳) یخوضون فی آیاتنا فاءعرض عنهم البتّه در مواردی که برای آگاهی و ردّ و پاسخ دادن توسط اهل فن باشد ، منعی ندارد .

۴- به جای هضم شدن در جامعه

، یا گروه و مجلس ناپسند ، وضع آن را تغییر دهید . حتّی یخوضوا فی حدیث غیره

۵- اعلام برائت ومحکوم کردن لفظی کافی نیست ، باید به شکلی برخورد کرد . فاعرض . . . فلاتقعد

۶- مجالست با ظالمان نارواست ، پس پرهیز کنیم . فلا تقعد

۷- شرط تکلیف ، توجّه و آگاهی است . اِمّا ینسینّک الشّیطان (فراموشی ، عذر پذیرفته ای است)

۸- سخن گفتن به ناحقّ درباره ی آیات قرآن ، (از طریق استهزا ، تفسیر به راءی ، بدعت و تحریف) ظلم است . الظالمین

آیه۶۹

آیه۶۹

۶۹- وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِن شَىْءٍ وَلَكِن ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

کسانی که پروا پیشه کردند ، به گناه ستمکاران بازخواست نخواهند شد ، ولی باید آنان را پند دهند تا شاید پرهیزکار شوند .

نکته ها

O آیه ی تحریم همنشینی با یاوه گویان و مسخره کنندگان که نازل شد ، عدّه ای گفتند : پس به مسجدالحرام هم نباید برویم و طواف نیز نکنیم ، چون دامنه ی استهزاشان تا آنجا هم کشیده شده است . این آیه نازل شد که حساب مسلمانانِ با تقوی که به مقدار توان تذکّر می دهند جداست ، آنها مسجدالحرام را ترک نکنند . (۱۵۴)

O شرکت در جلسه ی اهل گناه به قصد نهی از منکر وارشاد ، مانعی ندارد ، البتّه برای آنان که با تقوا و نفوذ ناپذیرند ، وگرنه بسیاری برای نجات غریق می روند و خود غرق می شوند .

شد غلامی که آب جو آرد

آب جو آمد غلام ببرد

پیام ها

۱- رعایت اهمّ و مهمّ در مسائل ، از اصول عقلی و اسلامی است . شنیدن موقّتی یاوه ها به قصد پاسخگویی یا نجات منحرفان ، جایز است . و ما علی الّذین یتّقون من حسابهم من شی ء

۲- تقوا وسیله ی حفاظت و بیمه ی انسان در مقابل گناه است . (مثل لباس ضد حریق ، برای ماءموران آتش نشانی) و ما علی الّذین یتّقون

۳- از همنشینی با یاوه سرایان پرهیز کنیم وسخنانشان را استماع نکنیم ، ولی اگر به ناچار چیزی به گوش ما ، رسید مانعی ندارد . ما علی الّذین یتّقون . . . من شی ء

۴- علاوه بر تقوای خود ، باید به فکر متّقی کردن دیگران نیز باشیم .

آیه۷۰

آیه۷۰

۷۰- و ذرالذین اتخذوا دینهم لعباولهوا و غرتهم الخیوه الدنیا و ذکربه ان تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا کَسَبَتْ لَیْسَ لَهَا مِن دُونِ اللّهِ وَلِّیٌ وَ لاَشَفِیعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ کُلَّ عَدْلٍ لاَ یُؤْخَذْ مِنْهَا اءُوْلَئِکَ الَّذِینَ اءُبْسِلُواْ بِمَا کَسَبُواْ لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِیمٍ وَعَذَابٌ اءَلِیمُ بِمَا کَانُواْ یَکْفُرُونَ

و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا مغرورشان کرده است ، رها کن و به وسیله ی قرآن پندشان ده تا مبادا به کیفر آنچه کسب کرده اند به هلاکت افتند ، در حالی که جز خدا هیچ یاور و شفیعی ندارند ، و اگر (انسان در آن روز) هرگونه عوضی (برای کیفر) بپردازد از او پذیرفته نمی شود ، آنان کسانی هستند که به سزای آنچه کسب کرده اند به هلاکت افتادند برای آنان شرابی از آب سوزان و عذابی دردناک به کیفر کفر شان

خواهد بود .

نکته ها

O مراد از رها کردن منحرفان در جمله ی ذر الّذین اتّخذوا دینهم . . . ، اظهار تنفّر و قطع رابطه کردن با آنان است ، که گاهی هم به نبرد با آنها می انجامد ، نه اینکه تنها به معنای ترک جهاد با آنان باشد .

O کلمه ی تُبسَل به معنای محروم شدن از خوبی و به هلاکت رسیدن است .

O به بازی گرفتن دین ، هر زمانی به شکلی خود را نشان می دهد ، گاهی با اظهار عقائد خرافی ، گاهی با قابل اجرا ندانستن احکام ، گاهی با توجیه گناهان و گاهی با بدعت وتفسیر به راءی وپیروی از متشابهات و . . . است .

پیام ها

۱- غیرت دینی ، سبب طرد افراد بی دین و بایکوت کردن مخالفان مکتب در جامعه است . ذر الّذین . . . چنانکه در آیات دیگری نیز می خوانیم : فاعرض عنهم (۱۵۵) ، ذرهم یاءکلوا ویتمتّعوا(۱۵۶) و لا تحزن علیهم (۱۵۷)

۲- دلبستگی و فریفته شدن به دنیا ، زمینه ی به بازی گرفتن دین است . الّذین اتّخذوا دینهم لعبا . . . غرّتهم الحیاه الدّنیا

۳- تذکّر و موعظه ، سبب نجات از قهر و عذاب الهی است . و ذَکِّر به

۴- در تذکّر و هشدار باید از قرآن بهره گرفت . و ذَکِّر به

۵- به دنیا مغرور نشویم که در قیامت جز خداوند چیزی به کمک ما نمی آید . لیس لها من دون اللّه ولیّ و لا شفیع

۶- عامل بدبختی های انسان ، خود او و عملکرد اوست . بما کسبت . . . بما کسبوا . . . عذاب

الیم بما کانوا یکفرون

آیه۷۱

۷۱- قل اندرعوا من دون الله ما لا ـ ینفعنا و لایضرنا وَنُرَدُّ عَلَی اءَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَینَا اللّهُ کَالَّذِی اسْتَهْوَتْهُ الشَّیَطِینُ فِی الْأَرْضِ حَیْرَانَ لَهُ اءَصْحَبٌ یَدْعُونَهُ إِلَی الْهُدَی ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَی اللّهِ هُوَ الْهُدَی وَاءُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَلَمِین

بگو : آیا غیر خداوند ، چیزی را بخوانیم که سود و زیانی برای ما ندارد و پس از آنکه خداوند هدایتمان کرد ، به عقب باز گشته (و کافر) شویم ؟ همچون کسی که شیاطین او را در زمین از راه به در برده اند و سرگردان مانده است در حالی که برای او یارانی (دلسوز) است که او را به هدایت دعوت کرده (و می گویند :) نزد ما بیا (و حقّ را بپذیر ولی او گوشش بدهکار نیست) . بگو هدایتی که از سوی خدا باشد هدایت واقعی است و ما ماءموریم که برای خدای جهانیان تسلیم باشیم .

آیه۷۲

آیه۷۲

۷۲- وَاءَنْ اءَقِیمُواْ الصَّلَوهَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِی إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ

و (به ما امر شده که) نماز برپا دارید و از خداوند پروا کنید ، و اوست آنکه همگان نزدش محشور می شوید .

نکته ها

O در آیه ی ۷۲ ، از میان همه ی وظایف به نماز ، و از میان همه ی عقائد به معاد اشاره شده است و این اهمیّت آنها را می رساند .

O در یکتاپرستی ، آرامش وتمرکز است ، ولی در شرک وچندتاپرستی ، گیجی وتحیّر . ءاءرباب متفرّقون خیر اءم اللّه الواحد القهّار (۱۵۸) آیا چند ارباب گوناگون بهتر است یا یک خدای قهّار ؟ خداوند هم یکی است : قل هو اللّه احد و هم زود راضی می شود یا سریع الرّضا ، ولی غیر خدا هم زیادند و هم هر کدام توقّعات گوناگونی دارند و زود راضی نمی شوند .

پیام ها

۱- با سؤ ال وجدان ها را تحریک کنید . قل اءندعوا من دون اللّه

۲- شرک ، غیر منطقی است ، چون انگیزه ی پرستش ، کسب سود یا دفع ضرر است و بت ها قادر به هیچ نفع وضرر رساندن نیستند . لاینفعنا و لایضرّنا

۳- از غریزه ی منفعت خواهی مردم ، در راه تبلیغ و تربیت آنان استفاده کنیم . لاینفعنا و لایضرّنا

۴- شرک ، نوعی عقب گرد و ارتجاع اعتقادی است . نردّ علی اعقابنا

۵- شرک ، مایه ی سرگردانی و تحیّر است . حیران

۶- در برابر انحرافات ، باید موضع گیری صریح و مکرّر داشت . قل اءندعوا . . . قل اِنّ هُدَی اللّه . . .

۷- تسلیم خدا شدن ، مایه ی رشد خودماست . لِنُسلِمَ لربّ العالمین

۸- نماز ، همراه تقوی کارساز است . اقیموا الصلوه واتّقوه

۹- ایمان به معاد ورستاخیز ، عامل پیدایش تقوی در انسان است . واتّقوه و هو الّذی الیه

تحشرون

آیه۷۳

آیه۷۳

۷۳- وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَوَتَ وَالأَرْضَ بِالْحَقِّ وَیَوْمَ یَقُولُ کُن فَیَکُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْکُ یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ عَلِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَدَهِ وَهُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ

و او کسی است که آسمان ها و زمین را به حقّ آفرید و روزی که بگوید : موجود شو ، بی درنگ موجود می شود ، سخن او حقّ است . (و روز قیامت) روزی که در صور دمیده می شود ، حکومت تنها از اوست ، دانای غیب و شهود است و اوست حکیم و آگاه .

نکته ها

O در قرآن دو نوع دمیدن در صور آمده است : یکی ویرانگر و دیگری برانگیزنده ی مردم برای رستاخیز . در این آیه ، یک بار آن مطرح شده است ، امّا در آیه ۶۸ سوره ی زمر ، دمیدن در دو صور مطرح است : و نُفِخ فی الصّور فَصَعِق مَن فی السموات و مَن فی الارض الاّ مَن شاءاللّه ثمّ نُفِخ فیه اُخری فاذا هم قیام ینظرون

O اگر در آیات قبل ، سخن از تسلیم بودن در برابر خدا و اقامه ی نماز بود ، اینجا علّت آن ذکر شده که آفرینش به دست اوست ، او آگاه و حکیم است و از هر چیز با خبر است .

O امام صادق علیه السلام درباره ی عالم الغیب و الشهاده فرمودند : غیب آن است که هنوز نیامده و شهادت آنچه که بوده است می باشد . (۱۵۹)

پیام ها

۱- آفرینش ، حکیمانه و هدفدار است . بالحقّ البتّه به این نکته در آیات متعدّدی اشاره شده است ، از جمله : و ماخلقنا السموات و الارض ومابینهما باطلا(۱۶۰)

۲- برای اراده ی خداوند ، هیچ مانعی نیست . کن فیکون

۳- غیب و شهود ، نهان و آشکار ، برای خداوند یکسان است . عالم الغیب و الشهاده

۴- مبنای حکومت الهی بر حکمت و علم است . له الملک . . . و هو الحکیم الخبیر

۵- در قیامت ، جلوه و نمود قدرت الهی بر همه آشکار می شود ، چون آنجا اسباب و وسائل کارساز نیست . له الملک

آیه۷۴

آیه۷۴

۷۴- وَإِذْ قَالَ إِبْرَهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ اءَتَتَّخِذُ اءَصْنَاماً ءَالِهَةً إِنِّی اءَرَی کَ وَ قَوْمَکَ فِی ضَلَ لٍ مُبِینٍ

و (یاد کن) آن هنگام که ابراهیم به پدرش آزر گفت : آیا بتان را خدایان می گیری ؟ بی شک تو و قومت را در گمراهی آشکار می بینم .

نکته ها

O کلمه ی اءب بطور طبیعی به معنای پدر است ، ولی به معنای جدّ مادری ، عمو و مربّی هم گفته می شود . چنانکه فرزندان یعقوب به پدران و عموی پدر خود حضرت اسماعیل نیز اب گفتند : نعبد الهک و اله آبائک ابراهیم و اسماعیل و اسحاق (۱۶۱) وپیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرمود : اءنا و علیّ اءبَوا هذه الاُمّه (۱۶۲) ، من و علی ، پدران این اُمّتیم . آزر ، عموی ابراهیم بود ، نه پدرش . پدران ابراهیم همه موحّد بوده اند .

از علمای اهل سنّت نیز ، طبری ، آلوسی و سیوطی می گویند : آزر پدر ابراهیم نبوده است . به علاوه ، ابراهیم به پدر و مادر خویش دعا کرد : ربّنَا اغفِر لی و لوالدیّ . . . (۱۶۳) در حالی که مسلمان حقّ ندارد برای مشرک طلب مغفرت کند ، هرچند فامیل او باشد .

از مجموع اینها برمی آید که اءب در این آیه به معنای پدر نیست . به علاوه نام پدر ابراهیم علیه السلام در کتب تاریخ ، تارُخ ذکر شده است ، نه آزر . (۱۶۴)

O استغفار حضرت ابراهیم برای عمویش آزر نیز قبل از روشن شدن روحیّه ی کفر او و به خاطر وعده ای بود که

به او داده بود ، و چون فهمید که حقّپذیر نیست ، از او تبرّی جست و جدا شد . فلمّا تبیّن له انّه عدوٌّ للّه تبرّاء منه (۱۶۵)

پیام ها

۱- خویشاوندی ، مانع نهی از منکر نیست . اذ قال ابراهیم لابیه . . .

۲- ملاک در برخورد ، حقّ است نه سنّ و سال . قال ابراهیم لابیه

(حضرت ابراهیم به عموی خود که سن بیشتر داشته ، آشکارا حقّ را بیان کرده و هشدار داده است .)

۳- در شیوه ی دعوت به حق ، باید از بستگان نزدیک شروع کرد . لابیه و باید از مسائل اصلی سخن گفت . اءتتّخذ اصناماً آلهه

۴- سابقه ی شرک وبت پرستی ، به پیش از رسالت حضرت ابراهیم بازمی گردد . اءتتّخذ اصناماً

۵- اکثریّت ، سابقه و سنّ ، باطل را تبدیل به حقّ نمی کند و همه جا ارزش نیست . اءراک و قومک فی ضلال

۶- بت پرستی ، انحرافی است که وجدان های سالم و عقل ، از آن انتقاد می کنند . اءتتّخذ اءصناماً . . . ضلال مبین

۷- گرچه ابراهیم علیه السلام حلیم بود ، اِنّ اءبراهیم لاوّاه حلیم (۱۶۶) و پیامبر باید حتّی با فرعون هم نرم حرف بزنند ، ولی لحن برخورد حضرت ابراهیم در این آیه ، به خاطر اصرار عمویش بر کفر بود . اِنّی اراک و قومک فی ضلال مبین

آیه۷۵

آیه۷۵

۷۵- وَكَذَلِكَ نُرِىَّ إِبْرَهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ

و اینگونه ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا (یقین پیدا کند و) از اهل یقین باشد .

نکته ها

O درباره ی ملکوت ، بزرگان سخنانی گفته اند که برخی را در اینجا نقل می کنیم :

کلمه ی ملکوت از ملک است و واو و تاء برای تاءکید و مبالغه به آن افزوده شده است . ملکوت آسمان ها یعنی مالکیّت مطلق و حقیقی خداوند نسبت به آنها و مشاهده ملکوت یعنی مشاهده اشیا از جهت انتساب آنها با خداوند . دید ملکوتی یعنی درک توحید در هستی و باطل بودن شرک . (۱۶۷)

عوالم هستی به چهار بخش تقسیم شده است : لاهوت (عالم الوهیّت که جز خدا کسی از آن آگاه نیست) ، جبروت (عالم

مجرّدات) ، ملکوت (عالم اجسام) و ناسوت (عالم کون و فساد و تغییر و تحوّلات) . (۱۶۸)

عالم ملکوت ، عالم اسرار و نظم و شگفتی ها و جهان غیب است . (۱۶۹)

ملکوت آسمان ها ، عجایب آنها است . (۱۷۰)

ابراهیم با دیـدن ملکوت آسـمان ها و زمین ، بیشتر با سنّت ، خلقت ، حکمت و ربوبیّت الهی آشـنا شد . به فرموده ی امام باقر علیه السلام خداوند به چشم ابراهیم علیه السلام ، قدرت و نوری بخشید که عمق آسمان ها و عرش و زمین را مشاهده می کرد . (۱۷۱)

O استدلال محکم و برخورد علمی با دیگران ، نیازمند ایمان قلبی است . حضرت ابراهیم هم پس از یقین ، لیکون من الموقنین وارد استدلال می شود که در آیات

پس از این می آید . (۱۷۲)

O حرف واو در جمله ی ولیکون من الموقنین رمز آن است که دید ملکوتی چند هدف داشته که یکی از آن اهداف ، به یقین رسیدن حضرت ابراهیم بوده است .

پیام ها

۱- آنکه حقّ را شناخت و به آن دعوت کرد و از چیزی نهراسید ، خداوند دیدِ ملکوتی به او می بخشد . (همچون حضرت ابراهیم ، به مقتضای آیه قبل) و کذلک نُرِی ابراهیم ملکوت . . . آری ، یک جوان هم می تواند با رشد معنوی ، به دید ملکوتی دست یابد . چون طبق تفاسیر متعدّد ، ابراهیم در آن زمان نوجوان بود .

۲- انبیا ، از هدایت ویژه ی خداوند برخوردارند . و کذلک نُرِی ابراهیم

۳- یقین ، عالی ترین درجه ی ایمان است . و لیکون من الموقنین

۴- به یقین رسیدن ، نیاز به امداد الهی دارد . نُرِی . . . الموقنین

آیه۷۶

آیه۷۶

۷۶-فَلَمَّا جَنَّ عَلَیْهِ الَّیْلُ رَءَا کَوْکَباً قَالَ هَذَا رَبِّی فَلَّمَا اءَفَلَ قَالَ لَا اُحِبُّ الْاَفِلِینَ

پس چون شب بر او پرده افکند ستاره ای دید ، گفت : این پروردگار من است . پس چون غروب کرد ، گفت : من زوال پذیران را دوست ندارم .

نکته ها

O در زمان ابراهیم علیه السلام ستاره پرستی رایج بوده و ستاره را در تدبیر هستی مؤ ثّر می پنداشتند .

O سؤ ال : آیا پیامبر بزرگی همچون حضرت ابراهیم حتّی برای یک لحظه می تواند ستاره یا ماه و یا خورشید را بپرستد ؟

پاسخ : مجادله و گفتگوی حضرت ابراهیم با مشرکان ، از باب مماشات و نشان دادن نرمش در بحث ، برای رد عقیده ی طرف است ، نه اینکه عقیده ی قلبی او باشد زیرا شرک با عصمت منافات دارد . گفتن کلمه ی یا قوم در دو آیه ی بعد نشانه ی مماشات در گفتن هذا ربّی است ، به همین دلیل وقتی غروب ماه و خورشید را می بیند ، می گوید : من از شرک شما بیزارم ، و نمی گوید از شرک خودم (آیه ۷۸) .

به علاوه در آیه ی قبل خواندیم که خداوند ، ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان داد و او به یقین رسید و آغاز این

آیه با حرف فاء شروع شد ، یعنی نتیجه آن ملکوت و یقین این نوع استدلال بود .

O موجودی که طلوع و غروب دارد ، محکوم قوانین است نه حاکم بر آنها . ابراهیم ، ابتـدا موقّتاً پـذیرش آن را اظهار می کند تا بعد با استدلال ردّ

کند .

پیام ها

۱- یکی از شیوه های احتجاج ، اظهار همراهی با عقیده ی باطل و سپس ردّ کردن آن است . هذا ربّی

۲- بیدار کردن فطرت ها ، فعال کردن اندیشه ها و توجّه به احساسات ، از بهترین شیوه های تبلیغ است . لا اُحبّ الافلین

۳- محبوب واقعی کسی است که محدود به مکان ، زمان و موقّت نباشد . لااءحبّ الافلین

۴- معبود ، باید محبوب و عبادت باید عاشقانه باشد ، روح دین ، عشق است . لااءحبّ الافلین

آیه۷۷

آیه۷۷

۷۷- فَلَمَّا رَءَا الْقَمَرَ بَازِغاً قَالَ هَذَا رَبِّی فَلَّمَا اءَفَلَ قَالَ لَئِن لَمْ یَهْدِنِی رَبِّیّ لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّآلِّینَ

پس (بار دیگر) چون ماه را در حال طلوع و درخشش دید ، گفت : این پروردگار من است . پس چون غروب کرد ، گفت : اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود ، قطعاً از گروه گمراهان می بودم .

نکته ها

O کلمه ی بازغ از بزغ ، به معنای شکافتن وجاری ساختن خون است . امّا در اینجا گویا طلوع خورشید و ماه ، پرده ی تاریکی شب را می شکافد و سرخی کم رنگی در اطراف خود پدید می آورد . (۱۷۳)

O ابراهیم علیه السلام هم با ستاره پرستان برخورد کرد ، هم با ماه و خورشید پرستان . (۱۷۴) به گفته ی بسیاری از مفسّران ، گفتگوی حضرت ابراهیم با مشرکین منطقه ی بابل بود .

O انسان در هر فرضیه ای که به بن بست رسید ، باید بدون لجاجت ، مسیر را عوض کند . بر خلاف مشهور که می گویند : مرد آن است که روی حرف خود بایستد و پافشاری کند ، این آیه به ما می گوید : مرد آن است که حرفش حقّ باشد ، گرچه با تغییر موضع باشد .

پیام ها

پیام های ۱ و ۲ و ۳ آیه ی قبل ، در اینجا نیز موضوعیّت دارد .

۴- در انتقاد ، باید از روش گام به گام بهره گرفت . در آیه ی قبل فرمود : من آفلین را دوست ندارم . ولی اینجا می فرماید : پرستش ماه ، انحراف و ضلالت است .

۵- در راه شـناخت ، باید به فیض و هدایت الهی تکیه کرد و بدون آن ، نمی توان به سرچشـمه ی زلال معارف رسید . (۱۷۵)
لئن لم یهدنی ربّی

۶- در درون انسان ، گمشده ای است که گاهی در پیدا کردن آن ، سـراغ مصداق های گوناگون (و گاهی انحرافی) می رود . هذا ربّی در دو آیه پی درپی آمده

است .

۷- انبیا هم به هدایت الهی نیازمندند . لئن لم یهدنی ربّی

۸- هدایتگری از شئون ربوبیّت است . یهدنی ربّی

آیه۷۸

آیه۷۸

۷۸- فَلَمَّا رَءَا الْشَمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّی هَذَا اءَكْبَرُ فَلَمَّآ اءَفَلَتْ قَالَ یَقَوْمِ إِنِّی بِرِی ءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ

پس چون خورشید را برآمده دید گفت : اینست پروردگار من ، این بزرگتر (از ماه و ستاره) است . امّا چون غروب کرد ، گفت : ای قوم من ! همانا من از آنچه برای خداوند شریک قرار می دهید بیزارم .

نکته ها

O در این آیه نیز ابراهیم علیه السلام در مقام بحث و گفتگو است ، نه در مقام بیان عقیده ی شخصی ، و همچنان که گذشت کلمه ی یا قوم و نیز ممّا تشركون (شرک می ورزید ، نه می ورزم) دلیل آن است که خود آن حضرت ، ماه و خورشید و ستاره را نمی پرستیده است . (۱۷۶)

پیام ها

پیام های ۱ و ۲ و ۳ آیه ۷۶ ، در اینجا نیز مورد استفاده است .

۴- کوچکی و بزرگی اجسام مهم نیست ، همه آنها چون متغیّر و ناپایدارند ، پس نمی توانند خدا باشند . هذا اءکبر

۵- شیوه ی تعلیم حقّ یا انتقاد از باطل ، باید گام به گام باشد . ابتدا نفی ستاره و ماه و در نهایت خورشید . فلمّا رءا الشمس . . . قال

۶- برائت از شرک ، فریاد ابراهیمی است . اِنّی بری ء ممّا تشركون

۷- برائت از شرک است ، نه از افراد . ممّا تشركون ، نه منكم .

۸- برائت جستن ، باید پس از بیان برهان و استدلال باشد . (اوّل افول و غروب را مطرح کرد ، بعد برائت از شرک را) . فلمّا اءفلت قال . . .

آیه۷۹

آیه۷۹

۷۹- إِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَوَتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفاً وَمَآ اءَنَاْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ

من از سر اخلاص روی خودرا به سوی کسی گرداندم که آسمان ها و زمین را پدید آورد و من از مشرکان نیستم .

نکته ها

O عبور از افول و ناپایداری و رسیدن به ثبات ، جلوه ای از دید ملکوتی است که خداوند به حضرت ابراهیم داده است .

O حَنیف از حنف ، به معنای خالص وبی انحراف ، وگرایش به راه حقّ ومستقیم است .

O فَطر که به معنای آفریدن است ، در اصل ، مفهوم شکافتن را دارد . شاید اشاره به علم روز داشته باشد که می گوید : جهان در آغاز ، توده ی واحدی بوده ، سپس از هم شکافته و کرات آسمانی یکی پس از دیگری پدید آمده است . (۱۷۷)

پیام ها

۱- همین که راه حقّ برای ما روشن شد ، با قاطعیّت اعلام کنیم و از تنهایی نهراسیم . اِنّی وَجّهت

۲- کسی که از پرستش بت هایی جزیی ، مادّی ، محدود و فانی بگذرد ، به معبودی کلّی ، معنوی ، بی نهایت و ابدی می رسد . للّذی فطر السموات والارض

۳- در جلوه ها غرق نشوید که دیر یا زود ، رنگ می بازند ، به خدا توجّه کنید که جلوه آفرین است . فَطَر السموات والارض

۴- انسان می تواند به جایی برسد که عقائد باطل نسل ها و عصرها را درهم بشکند . و ما اءنا من المشرکین

۵- توحید ناب ، همراه با برائت از شرک است . و ما اءنا من المشرکین

آیه۸۰

آیه۸۰

۸۰- وَحَآجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ اءَتُحَجُّونِّی فِی اللّهِ وَقَدْ هَدَینِ وَلَآ اءَخَافُ مَا تُشْرِکُونَ بِهِ إ لا اءَنْ یَشَاءَ رَبِّی شَیْئاً وَسِعَ رَبِّی کُلَّ شَیْءٍ عِلْماً اءَفَلَا تَتَذَکَّرُونَ

و قومش با وی به گفتگو و ستیزه پرداختند ، او گفت : آیا درباره ی خدا با من محاجّه و ستیزه می کنید ؟ و حال آن که او مرا هدایت کرده است و من از آنچه شما شریک او می پندارید بیم ندارم ، مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواهد ، (که اگر هم آسیبی به من برسد ، خواست خداست ، نه بت ها) علم پروردگارم همه چیز را فراگرفته ، پس آیا پند نمی گیرید ؟

پیام ها

۱- اهل باطل ، تعصّب دارنـد . حاجّه قومه (آنگونه که اگر بدهکار را آرام بگذارند طلبکار می شود ، قوم منحرف هم به جای شرم از شرک خود ، قد علم کرده احتجاج می کنند)

۲- تعصّب و پافشاری اهل باطل ، شگفت آور است . اءتحاجّونی فی اللّه

۳- موحّد ، حتّی اگر تنها باشد ، از مقابله با یک جمعیّت نگرانی ندارد . اءتحاجّونی فی اللّه . . . و لا اخاف . . .

۴- حقّ جویی از انسان است ولی هدایت از خداست . هَدانِ (حتّی انبیا نیاز به هدایت الهی دارند)

۵- آنکه مشمول هدایت الهی شود ، بیم ندارد . هَدانِ ولا اءخاف

۶- نترسیدن از غیر خدا ، نشانه ی توحیـد است . لا اءخاف (مشـرکین ، حضـرت ابراهیم را به خطر و انتقام بت ها تهدیـد می کردند)

۷- از ریشه های شرک ، گمان ضرر و ترس از آسیب رسانی بت ها و طاغوت ها می

باشد . لا اءخاف ما تشركون (ترس موهوم از بت ها ، سبب پافشاری و تعصّب بر بت پرستی بود)

۸- تاءثير و نقش هر پديده ای وابسته به اراده خداوند است . لا اءخاف ما تشركون به الاّ ان يشاء ربّی

۹- ربوبيّت ، سزاوار كسی است كه احاطه ی علمی دارد . وسع ربّی كلّشی ء علماً

۱۰- حقيقت ، امری فطری و وجدانی است كه برای شناخت آن ، تذكّر كافی است . اءفلا تتذكّرون

آيه۸۱

آيه۸۱

۸۱- وَكَيْفَ اءَخَافُ مَآ اءَشْرَكْتُمْ وَلاَ تَخَافُونَ اءَنَّكُمْ اءَشْرَكْتُم بِاللّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَناً فَاءَيُّ الْفَرِيقَيْنِ اءَحَقُّ بِالْاَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و چگونه از چيزی كه شريک خدا ساخته ايد بترسم و حال آنكه شما آنچه را كه خدا هيچ دليلی درباره ی آن بر شما نازل نكرده است شريک او گرفته و نمی ترسيد ؟ اگر می دانيد (بگوييد كه) كدام يک از ما دو دسته به ايمنی (در قيامت) سزاوارتر است ؟

نكته ها

O كلمه ی سلطان ، به معنای دليل و حجّت و برهان است .

O بر خلاف آنان كه ترس را انگيزه ی اعتقاد به خداوند می دانند ، اين آيه ، ترس را انگيزه ی شرک می داند .

پيام ها

۱- از تهديدات موهوم ، نهراسيد . كيف اءخاف ما اءشركتم

۲- امنيّت روحی ، در پرتو توحيد حاصل می گردد . كيف اءخاف ما اءشركتم

۳- عقائد دينی بايد بر اساس دليل و برهان باشد . كيف ما اءشركتم باللّه ما لم يُنزّل به عليكم سلطانا

۴- در بحث و مناظره ، نبايد تعصّب مردم را تحريک كرد . فاءىّ الفريقين و نفرمود : ما در امان و شما در خطريد .

۵- علم صحيح ، وسيله راهيابی به خداست ، اگر آن را درست به كار گيريم ، به نتايج صحيح می رسيم . ان كنتم تعلمون

آيه۸۲

۸۲- الَّذِینَ ءَامَنُواْ وَلَمْ یَلْبِسُوَّاْ إِیمَنَهُم بِظُلمٍ اءُوْلَئِکَ لَهُمُ الاْمْنُ وَهُم مُهْتَدُونَ

کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را به ستم و شرک نیالودند ، آنانند که برایشان ایمنی (از عذاب) است و آنان هدایت یافتگانند .

آیه۸۳

آیه۸۳

۸۳- وَتِلْکَ حُجَّتُنَا ءَاتَیْنَهَا إِبْرَهِیمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَتٍ مَن نَشَاءُ إِنَّ رَبَّکَ حَکِیمٌ عَلِیمٌ

این (نوع استدلال) حجّت ماست که در برابر قومش به ابراهیم دادیم ، هر کس را که بخواهیم (و شایسته بدانیم) به درجاتی بالا می بریم . همانا پروردگارت حکیم و داناست (و بر اساس علم و حکمت مقام انسان ها رابالا می برد) .

نکته ها

O آیات قبل درباره ی توحید و شرک بود و این آیات به منزله ی جمع بندی آیات گذشته است ، چنانکه امام علیه السلام فرمود : مراد از ظلم در این آیه شرک است . (۱۷۸)

O در بعضی روایات مراد از ظلم را شک و تردید گرفته اند . (۱۷۹) البتّه شک گاهی غیر اختیاری و مقدّمه ی تحقیق است ، ولی گاهی جنبه بهانه و تشکیک دارد که این نوع دوّم ، ظلم است . (۱۸۰)

O امام باقر علیه السلام فرمود : این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شد که لحظه ای در طول زندگی به سراغ شرک نرفت . (۱۸۱)

O کلمه ی لبس به معنای پوشاندن است . بنابراین ایمان چون فطری است ، نابود شدنی نیست بلکه غبارهایی آن را می پوشاند .

پیام ها

۱- آفت ایمان ، ظلم و شرک و به سراغ رهبران غیر الهی رفتن است . آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم

۲- حفظ ایمان ، مهمتر از خود ایمان است . لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن

۳- امنیّت و هدایت واقعی ، در سایه ی ایمان و عدالت است . آمنوا . . . لهم الاءمن و هم مهتدون (نه مؤ منانِ ظالم ، هدایت یافته اند و نه عدالت خواهان بی ایمان)

۴- تا ایمان خالص نباشد ، دلهره است . و لم یلبسوا . . . بظلم . . . لهم الاءمن

۵- علم و حکمت دو شرط لازم برای تدبیر و مدیریّت است . اِنّ ربّک حکیم علیم (با توجّه به اینکه کلمه ربّ در لغت به معنای مدیر و مربّی آمده است

(

۶- موحّدی که با برهان و دلیل در برابر انحراف های جامعه بایستد ، دارای درجاتی است . درجات

۷- درجات الهی ، حکیمانه به افراد داده می شود . نرفع درجات . . . حکیم

آیه۸۴

آیه۸۴

۸۴- وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحاً هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَ مِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَنَ وَاءَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَرُونَ وَ كَذ لِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ

و ما به او (ابراهیم) ، اسحق و یعقوب را بخشیدیم و یکایک آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از آنان هدایت کرده بودیم . و از نسل او (ابراهیم) ، داود و سلیمان و ایّوب و یوسف و موسی و هارون را (نیز هدایت کردیم) وما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم .

نکته ها

O در این آیه و دو آیه بعد ، جمعا نام ۱۷ نفر از پیامبران آمده است و این ترتیب ، نه به حسب زمان است و نه به حسب رتبه ، شاید هم تقسیم آنها در این سه آیه بر این اساس باشد که در آیه ۸۴ نام پیامبرانی آمده است که حکومت داشتند . در آیه ی ۸۵ پیامبرانی که فقیر بودند و از زندگی دنیا بهره ای نداشتند و در آیه ی ۸۶ پیامبرانی که گرفتاری های ویژه ای داشتند . (۱۸۲)

O در ضمیر ذرّیته دو احتمال است یکی آنکه ضمیر به حضرت ابراهیم برگردد ، چون آیات پیش درباره ی اوست و اکثر این افراد از نسل اویند ، روایت نیز همین را می فرماید . دیگر آنکه به نوح علیه السلام برگردد ، چون ضمیر به نام او نزدیکتر است و از نسل او پیامبرانی همچون لوط بوده اند .

پیام ها

۱- فرزند صالح ، هدیه و موهبت الهی است . وهبنا نجزی

۲- پیامبرزادگی به تنهایی سبب افتخار نیست ، ذرّیه ابراهیم ، خودشان کمالاتی داشتند و از هدایت الهی برخوردار بودند . کلا هدینا

۳- سنّتِ هدایت و بعثت ، همواره جریان داشته است . ونوحا هدینا من قبل

۴- الطاف الهی بی حساب و جهت به کسی داده نمی شود . کذلک نجزی المحسنین

۸۵- وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيْسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الْصَّلِحِينَ

و زکریّا ، یحیی ، عیسی و الیاس را (نیز هدایت کردیم و) همه از شایستگانند .

آیه۸۶

۸۶- وَإِسْمَعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطاً وَكُلاًّ فَضَّلْنَا عَلَى الْعلَمِينَ

و اسماعیل و یَسَع و یونس و لوط را (نیز هدایت کردیم) و همه را بر جهانیان برتری دادیم .

آیه۸۷

آیه۸۷

۸۷- وَمِنْ ءَابَآئِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَإِخْوَنِهِمْ وَاجْتَبَيْنَهُمْ وَهَدَيْنَهُمْ إِلَى صِرَ طٍ مُسْتَقِيمٍ

واز پدران وذرّیه وبرادرانشان ، کسانی را (مورد لطف قرارداده وبه خاطر لیاقتشان آنان را به نبوّت) برگزیدیم و به راه راست هدایتشان کردیم .

نکته ها

O برخی گمان کرده اند که ذریّه تنها به نوه های پسری گفته می شود ، در حالی که حضرت عیسی که پدر نداشت و تنها از طرف مادر به ابراهیم علیه السلام منسوب بود ، در این آیه از ذریّه حضرت ابراهیم به شمار آمده است . و من ذرّیته . . . عیسی امام صادق و امام کاظم ۸ به استناد همین آیه ، اهل بیت علیهم السلام را که از طرف مادر به پیامبر می رسند ، ذرّیه رسول اللّه و ابناء رسول اللّه دانسته انـد . (۱۸۳) فخررازی نیز در تفسیر خود ، این نکته را پـذیرفته است . در تفسیر المنار هم حـدیثی از صحیح بخاری نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله کلمه ی ذریّه را درباره امام حسن علیه السلام به کار برده است .

O در اینکه یَسَع نام مستقلّی است ، یا اینکه مضارع وسع است (مثل یحیی) و یا اینکه همان یوشع است که با تغییراتی از عبری به عربی وارد شده ، اقوالی است .

O برخی خواسته انـد از کلمه ی مِن در مِن آبائِهم استفاده کننـد که در میان پـدران انبیا افراد منحرف هم بوده انـد ولی لحن آیات ، در مقام برگزیدگی پدران برای نبوت است . نه در مقام کفر و ایمان آنان . (۱۸۴)

آیه۸۸

آیه۸۸

۸۸- ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِى بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ اءَشْرَكُواْ لَحَبِطَ عَنْهُم مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ

آن هـدایت خـداست ، هر کس از بنـدگانش را که بخواهد به آن هدایت می کند و اگر شـرک ورزند ، قطعاً آنچه انجام داده اند از

دستشان خواهد رفت .

پیام ها

۱- هدایت واقعی ، هدایت خداوند است . هدایت های دیگر ، سراب است . ذلک هدی اللّه

۲- هدایت ، کار خداست . حتّی پیامبران ، از خود راه هدایتی ندارند . یهدی به مَن یشاء

۳- شرک ، عامل محو و باطل شدن کارهاست . لو اشرکوا لحبط

۴- در سنّت الهی ، تبعیض نیست . حتّی اگر پیامبران شرک ورزند ، تنبیه می شوند ، چون اصالت با حقّ است ، نه اشخاص . (با توجّه به اینکه آیات قبل مربوط به انبیا است) . ولو اءشرکوا

۵- انبیا معصومند و غبار شرک هرگز بر دامانشان نمی نشیند . در آیه ، فرضِ شرک به عنوان فرض محال آمده است . لَوْ

۶- در جهان بینی الهی ، ارزش کارها در اخلاص آنهاست . اگر اخلاص نباشد ، چیزی باقی نمی ماند . ولو اءشرکوا لحبط

آیه۸۹

آیه۸۹

۸۹- اءُوْلَئِکَ الَّذِینَ ءَاتَیْنَهُمُ الْکِتَبَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّهَ فَإِن یَکْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَکَّلْنَا بِهَا قَوْماً لَیْسُواْ بِهَا بِکَفِرِینَ

آنان کسانی بودند که کتاب آسمانی و حکومت و قضاوت و مقام نبوّت به آنان دادیم . پس اگر این مشرکان به آنها کفر ورزند و نپذیرند (ناراحت نباش ، چرا که) ما گروهی دیگر را که به آن کافر نیستند می گماریم .

نکته ها

O کلمه ی حُکم ، هم به معنای حکومت وزمامداری است ، هم به معنای قضاوت و داوری و هم به معنای درک و عقل . در مفردات راغب ، معنای اصلی آن منع وجلوگیری ذکر شده و چون عقل وقضاوت وحکومتِ صحیح مانع اشتباه وخلافند ، به آنها حُکم اطلاق شده است .

O در تفسیر المنار و روح المعانی از مفسّران نقل شده که مراد از (قومی که کفر نمی ورزند و حقّ را پذیرفته و حمایت می کنند) ایرانیانند . (۱۸۵)

O امام صادق علیه السلام فرمود : اصحاب صاحب این امر ، محفوظ هستند ، اگر همه ی مردم از او دور شوند ، خداوند اصحاب او را می آورد . آنان همان کسانی هستند که خداوند درباره ی آنان فرمود : فاِن یکفر بها هؤ لاء فقد وکّلنا . . . (۱۸۶)

پیام ها

۱- پیامبران ، حقّ حکومت و قضاوت دارند . آتیناهم الکتاب و الحکم و النبوّه

۲- نیکوکاری ، صلاح پیشگی و راه یافتن به راه مستقیم ، از اوصاف انبیاست . نجزی المحسنین . . . . کلٌّ من الصالحین . . . . هدیناهم الی صراط مستقیم . . . . . آتیناهم الکتاب

۳- هر مکتب طرفداران ومخالفانی دارد ومیان آنان نیز ریزش است و هم رویش . گاهی طرفدار ، مخالف و یا مخالف ، طرفدار می شود . مسلمان ، مرتدّ و کافر ، مسلمان می شود . فاِن یکفر بها هؤ لاء فقد وكّلنا بها قوماً

۴- با کفر گروهی ، مکتب حقّ بی طرفدار نمی ماند . وقتی راه ، حقّ و الهی باشد ، آمد و

رفت افراد نباید در انسان اثر کند . فإن یکفر بها هؤ لاء فقد وکّلنا بها قوماً

آیه۹۰

آیه۹۰

۹۰- اءُوْلَئِکَ الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ فَبِهُدَیهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا اءَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ اءَجْراً إِنْ هُوَ إِلا ذِکْرَی لِلْعَلَمِینَ

آنان کسانی انـد که خداونـد هـدایتشان کرده ، پس به هـدایت آنان اقتدا کن . (ای پیامبر ! به مردم) بگو : من بر این (رسالت ودعوت) از شـما مزدی طلب نمی کنم ، این قرآن جز تـذکّری برای جهانیـان نیست . (و خواست من جز پنـدگرفتن اهـل عالم نیست) .

نکته ها

O حرف ه در اقتده ، ضمیر نیست ، بلکه هاء سَکت است و برای وقف به کار می رود .

پیام ها

۱- پیروی از هدایت پیامبران ، اقتدا به هدایت الهی است . هَدَی اللّه فَبِهُداهُمُ اقتَدِه

۲- نام و یاد و راه اولیای خدا باید زنده بماند و نوآوری ها نباید ارزش های پیشین را از یاد ببرد . فبهداهُمُ اقتَدِه

۳- ارزش انسان به خط فکری و سیره ی عملی اوست . (فرمود : فَبِهُداهُمُ اقتده ، و نفرموده : بهم اقتَدِه) .

۴- نسخ ادیان گذشته ، به معنای بطلان اصول و کلیّات آنها نیست ، خط کلّی انبیا باید تداوم یابد . فَبِهُداهُمُ اقتَدَه

۵- موفّق ترین انسان باید از کمالات و اخلاق نیك و روش استوار پیشینیان بهره مند شود . فَبِهداهمُ اقتَده

۶- اهداف تمام انبیا ، یکی است . (زیرا اقتدا به انبیایی که اهداف متضادّی دارند ممکن نیست) . فبهداهم اقتده

۷- دلیل و نتیجه ی پیروی ، باید هدایت یافتگی باشد . هَدَی اللّه فبهداهم اقتده

۸- مبلّغ نباید به دنیاطلبی ، گرایش داشته و به آن متّهم شود . قل لااءسئلکم

۹- یکی از تفاوت های پیامبران با دیگر مدّعیان آن است که هدف پیامبران ، مادّیات نیست . لا اءسئلکم

۱۰- انبیا ، مایه ی یادآوری انسان های فراموشکار و غافلند . ذِکری

۱۱- اسلام ، دین جهانی است . ذکری للعالمین

آیه۹۱

آیه۹۱

۹۱-وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُوراً وَ هُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَ تُخْفُونَ كَثِيراً وَ عُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لاَ آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

خداوند را آنگونه که شایسته ی اوست نشناختند ، چرا که گفتند : خداوند بر هیچ بشری ، چیزی نازل

نکرده است . بگو : کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود ، چه کسی نازل کرد ؟ کتابی که آن را ورق ورق کرده (و به دلخواه خود) بخشی را آشکار و بسیاری را پنهان می سازید ، و آنچه را شما و پدرانتان نمی دانستید ، (از طریق همان کتاب آسمانی تورات ،) به شما آموخته شد . (ای پیامبر !) بگو : خدا (بود که آنها را نازل کرد) ، سپس رهایشان کن تا در یاوه گویی های خود غوطه ور باشند .

نکته ها

O گروهی از یهود با اینکه به نزول وحی بر حضرت موسی عقیده داشتند ، امّا از سر لجاجت می گفتند : خداوند بر هیچ پیامبری کتابی نازل نکرده است .

این آیه می فرماید : حرف شما با عقیده شما تناقض دارد . اگر خداوند بر هیچکس وحی نمی فرستد ، پس تورات را که به آن عقیده دارید چه کسی نازل کرده است ؟

پیام ها

۱- فرستادن پیامبران و کتب آسمانی ، لطفی از سوی خدا به بندگان است . کسانی که آنان را انکار می کنند ، در واقع منکر لطف ، رحمت و حکمت الهی اند . ما قدروا اللّه . . .

۲- به شبهاتی که القا می شود باید پاسخ داد . قالوا . . . قل

۳- تورات اصلی ، نور و هدایت بوده است . نورا و هدی

۴- در تورات مطالبی بوده که علمای یهود آنها را کتمان کرده اند . تخفون کثیرا

۵- مبلّغان دینی باید بدون مصلحت اندیشی بی مورد ، معارف و حقایق مکتب را برای مردم بیان نمایند . ماقدروا اللّه . . . تخفون کثیرا

۶- بدون وحی ، دست انسان از معارف بسیاری کوتاه است . عُلِّمتم ما لم تعلموا . . .

۷- وظیفه ی انبیا ، ابلاغ است ، نه اجبار . قل اللّه ثمّ ذرهم

۸- احتجاج باید به قدر ضرورت باشد نه بیشتر . این آیه که خود نوعی احتجاج است می فرماید : اکنون که نمی پذیرند آنان را رها کن . ذرهم

آیه۹۲

آیه۹۲

۹۲- وَهَـٰذَا كِتَبٌ اءَنزَلْنَهُ مَبَارَكٌ مُصَـدِّقُ الَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أَمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْاَخِرَهِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلاَ تِهِمْ يُحَافِظُونَ

این مبارک کتابی است که نازل کرده ایم ، تصدیق کننده آنچه (از کتب آسـمانی) که پیش از آن آمده است ، (تا مردم را به پـاداش هـای الهی مژده دهی) و اهـل مکّه و کسـانی را که اطراف آن هسـتند هشـدار دهی و(البتّه) آنـان که به آخرت ایمان دارند به آن (قرآن) نیز ایمان خواهند آورد وهمانان بر

نمازهای خود محافظت دارند .

نکته ها

O در این آیه ، لتنـذر همراه با واو آمده است ، وَ لِتُنذِرَ شاید اشاره به این باشد که قرآن ، غیر از انذار ، هدف های دیگری نیز دارد .

O با آنکه انبیا مبشّران هـدایت و نجاتنـد ، ولی چون دفع ضـرر مقـدّم بر جلب منفعت است و نیاز روحی انسان به انـذار بیشتر است ، در قرآن کلمه نذیر و مشتقّات آن ، بیش از بشیر و مشتّقات آن به کار رفته است .

پیام ها

۱- قرآن ، در بردارنده ی همه برکات است . (همچون : هدایت ، عبرت ، شفا ، رشد ، عزّت) مبارک

۲- قرآن ، هماهنـگ بـا کتب آسـمانی دیگر و تصـدیق کننـده آنهاست و این نشانه ی وحـدت هـدف و الهی بودن آنهاست . مصدّق

۳- در تبلیغ باید از اُمّالقری و مراکز مهم شروع کرد و سپس به اطراف پرداخت . لتنذر اُمّالقری و من حولها

۴- عقیده به قرآن و قیامت ، در کنار هم است . یؤ منون بالا خره یؤ منون به

۵- روشن ترین مظهر ایمان ، نماز است . علی صلاتهم یحافظون

۶- ایمان به آخرت ، از عوامل مراقبت بر نماز است . یؤ منون بالاخره . . . علی صلاتهم یحافظون

آیه ۹۳

آیه ۹۳

۹۳-مِثْلَ مَا اءَنزَلَ اللّهُ وَلَوْ تَرَی إِذِ الْظَّلِمُونَ فِی غَمَرَتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَ ئِکَهُ بَاسِـطُواْ اءَیدِیهِمْ اءَخْرِجُواْ اءَنفُسَـکُمُ الْیَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهَوْنِ بِمَا کُنتُمْ تَقُولُونَعَلَی اللّهِ غَیْرَ الْحَقِّ وَکُنتُمْ عَنْ ءَای تِهِ تَسْتَکْبِرُونَ

و کیست ظالم تر از آنکه بر خدا دروغی بست و یا گفت : به من وحی شده ، در حالی که چیزی به او وحی نشده است . و نیز آن کس که گفت : به زودی من هم مثل آنچه خدا نازل کرده نازل می کنم . و (ای پیامبر !) اگر ببینی زمانی را که ستمگران در سکرات مرگ قرار گرفته و فرشـتگان (برای قبض روح آنـان) دست های (قـدرت) خویش را گشوده و فرمان جان دادن می دهند (و می گویند :) امروز به خاطر نسبت های ناروا که به خداوند می دادید و از آیات او سرپیچی می کردید

، به عذاب خوارکننده کیفر داده خواهید شد .

نکته ها

O در شاءن نزول این آیه چنین آمده است : شخصی به نام عبدبن سعد از نویسندگان وحی بود . رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به خاطر خیانتی طرد کرد . او هم مردم را جمع کرده و می گفت : من نیز می توانم آیاتی مثل قرآن بیاورم .

بعضی هم شاءن نزول آیه را ادّعای پیامبری مسیلمه کذّاب دانسته اند که در اواخر عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پیش آمد و آیه را مدنی پنداشته اند که به امر پیامبر در اینجا گنجانده شده است .

O غَمَرات از غمره ، به معنای شداید لحظه ی مرگ است که انسان را در کام خود فرومی برد .

O برخی از مدّعیان پیامبری عبارت بودند از : مسیلمه در یمن ، اءسود عنسی در یمن ، طلیحه اسدی در بنی اسد . (۱۸۷)

O امام صادق علیه السلام فرمود : مراد از عذاب هون ، مرگ در حال تشنگی است . (۱۸۸)

O امام باقر علیه السلام کسانی را که بی جهت ادّعای امامت کنند ، از مصادیق این آیه دانسته اند . (۱۸۹)

پیام ها

۱- افترا به خداوند ظلم فرهنگی است و ادّعای رهبری از سوی نااهلان ، بزرگ ترین ظلم است . و مَن اءظلم ممّن افتری . . . اءو قال اوحی الیّ

۲- دشمن حقّ ، یا حقّ را پایین می آورد ، یا خود را بالا می برد . ابتدا می گوید : قرآن افسانه است ، اگر موفّق نشد ، می گوید : من هم می توانم مثل قرآن حرف های جالب بزنم . ساءنزل مثل ما اءنزل اللّه

در جای دیگر می خوانیم : لو نشاء لقلنا مثل هذا(۱۹۰)

۳- مدّعیان نااءهل ودروغین مناصب دینی ، بدجان می دهند . ولو تری اِذِالظّالمون . . .

۴- کیفرهای اخروی از لحظه ی مرگ شروع می شود ، به کافران می گویند : جان بده ، بمیر ، اءخرجوا اءنفسکم که همراه با نوعی تحقیر است .

۵- روح انسان از جسم او مجرّد و مستقلّ است . اءخرجوا اءنفسکم

۶- کیفر توهین به وحی ودین ، عذاب مهین وخوارکننده است . تجزون عذاب الهون

آیه۹۴

آیه۹۴

۹۴-مُونَـا فُرَ دَی کَمَـا خَلَقْنَکُمْ اءَوَّلَ مَرَّهٍ وَتَرَکْتُمْ مَـا خَوَّلْنَکُمْ وَرَآءَ ظُهُورِکُمْ وَمَـا نَرَی مَعَکُمْ شُـفَعَآءَکُمُ الَّذِینَ زَعَمْتُمْ اءَنَّهُمْ فِیکُمْ شُرَکَؤُاْ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَیْنَکُمْ وَضَلَّ عَنکُم مَّاکُنتُمْ تَزْعُمُونَ

به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم ، اکنون نیز (به هنگام مرگ یا قیامت) تک و تنها نزد ما آمدید و همه ی اموالی را که به شـما دادیم پشت سـر گذاشتید و آن شـفیعان را که در (تعیین سـرنوشت) خودتان شریکان خدا می پنداشتید ، همراه شـما نمی بینیم . به راستی (پیوندهای) میان شـما گسسـته و آنچه (از شـریکان و شفیعان که به نفع خود)می پنداشتید از (دست) شما رفت .

نکته ها

O این خطاب ، در لحظه ی مرگ یا هنگام قیامت ، با مشرکان صورت می گیرد .

خَوَّلنـا از خَوَل ، به معنای چیزی است که نیاز به سـرپرست دارد و معمولاً به اموال گفته می شود . خوّلناکم به معنای تملیک و اعطاست .

پیام ها

۱- در قیامت ، انسان ، تنهاست . جئتمونا فُرادی

۲- معاد ، جسمانی است . کما خلقناکم اءوّل مرّه

۳- مشرکان به چهار چیز تکیه داشتند : قوم و قبیله ، مال و دارایی ، بزرگان و اربابان و بت ها و معبودان .

این آیه ، بی ثمری هر چهار تکیه گاه را در قیامت مطرح می کند :

فُرادی بدون قوم و قبیله .

تَرکتُم ما خَوّلناکم بدون مال و ثروت و دارایی .

ما نَرَی مَعکم شُفعاء بدون یار و یاور .

ضَلّ عنکم محو تمام قدرت های خیالی .

۴- گمان های بی پایه ، اساس بسیاری از گمراهی هاست . شُفعاءکم الّذین زعمتم

۵- در قیامت ، حقایق ظاهر و سراب ها ، محو می شوند . ضَلّ عنکم ما کنتم تزعمون

آیه۹۵

آیه۹۵

۹۵- إِنَّ اللّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَی یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَیِّ ذَلِکُمْ اللّهُ فَاءَنَّی تُؤْفَکُونَ

همانـا خداونـد ، شـکافنده ی دانه و هسـته است ، زنـده را از مرده بیرون می آورد و بیرون آورنـده ی مرده از زنـده است . آن است خداوند شما ، پس چگونه (از حقّ) منحرف می شوید ؟

نکته ها

O فـالق از فلق به معنـای شـکافتن است . حَبّ و حَبّه ، به دانه های خوراکی و غـذایی مثل گنـدم و جو گفته می شود . نَوی به معنای هسته است .

O از علف بی جان ، حیوان جانـدار و از حیوان جانـدار ، شـیر بی جان پدیـد می آیـد . از هسـته بی جان ، درخت زنده ، و از درخت رشدیافته ، هسته ی بی جان خارج می شود .

O یکی از مصادیق آیه به گفته روایات آن است که گاهی از انسان های بی ایمان ، افراد مؤ من پدید می آید و از انسان های با ایمان ، گاهی فرزندان کافر به وجود می آید . (۱۹۱) یخرج الحیّ مِنَ المیّت و مخرج المیّت مِنَ الحَیّ

پیام ها

۱- کاشتن دانه و هسته ، کار انسان است ، ولی شکافتن و رویاندن ، کار خداست . اِنّ اللّه فالق الحَبّ و النوی

۲- دقّت در آثار طبیعی ، از بهترین راه های خداشناسی است . فالق الحَبّ . . . مخرج المیّت . . . ذلکم اللّه

۳- رزق و روزی انسان ، از راه همین دانه ها و بذرهاست که خداوند رویانیده است ، پس به سراغ چه کسی می رویم ؟ فاءنّی

تؤ فکون

آیه۹۶

آیه۹۶

۹۶- فَالِقُ الْاِصْبَاحِ وَجَعَلَ الَّيْلَ سَكَناً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَاناً ذَلِکَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

(خداوند ،) شکافنده ی سپیده دم است ، و شب را مایه ی آرامش قرار داد و خورشید و ماه را اسباب شمارش (ایّام) . این است اندازه گیری خداوند قدرتمند دانا .

نکته ها

O اِصباح هم به معنای صبح است ، هم به معنای سپری کردن شب و وارد صبح شدن ، امّا در اینجا مراد ، هنگام دمیدن سپیده ی صبح است .

O در آیه ی قبل ، سه نشانه از قدرت خداوند در زمین مطرح شد ، در این آیه نشانه هایی از قدرت الهی در آسمان ها آمده است . شب و روز دو نشانه از قدرت الهی است که به واسطه ی گردش منظّم خورشید و ماه پدید می آیند .

O شب ، برای استراحت است و از کار و تلاش و سفر در شب ، نکوهش شده است . (۱۹۲) (از اینکه در این آیه ، شب عامل سکون و آرامش شمرده شده ، معلوم می شود صبح برای کار و تلاش است .)

O امام رضا علیه السلام فرمود : ازدواج را در شب قرار دهید ، چون شب و همسر ، هر دو وسیله ی سکون و آرامش انسانند . (۱۹۳)

پیام ها

۱- پیدایش شب و روز ، نیاز به قدرت و دانش دارد که این کار را با تقدیر و اندازه گیری دقیق انجام دهد . فالق الاصباح . . . تقدیر العزیز العلیم

۲- خورشید و ماه ، وسیله ی نظم و حسابرسی و برنامه ریزی است . (۱۹۴) حسباناً

۳- برنامه ریزی دقیق واجرای کامل ، نیاز به علم وقدرت دارد . تقدیر العزیز العلیم

۴- تفکّر در نظم دقیق کرات آسمانی ، راه خداشناسی است . انّی تؤ فکون . . . فالق الاصباح . . .

آیه۹۷

آیه۹۷

۹۷- وَهُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکَمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُواْ بِهَا فِی ظُلُمَتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْایَتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ

و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی های خشکی و دریا ، به وسیله آنها راه را یابید . قطعا ما نشانه ها را برای قومی که آگاه و دانایند به تفصیل روشن ساختیم .

نکته ها

O علم هیئت ، از قدیمی ترین علوم بشری است و انسان از ستارگان در سفرهای صحرایی و دریایی بهره می برده است . این وسیله ابزاری مطمئن ، همیشگی ، دست نخورده ، طبیعی ، عمومی و بی هزینه است .

O اسلام به مظاهر طبیعت ، توجّه خاصّی دارد . نام برخی سوره ها از اشیای طبیعی است . عبادات اسلامی نیز با طبیعیات گره خورده است ، همچون : وقت شناسی ، قبله شناسی ، خسوف و کسوف و نماز آیات ، اوّل ماه و هلال . اینها سبب آشنایی مسلمانان با علم هیئت و ایجاد رصدخانه هایی در بغداد ، دمشق ، قاهره ، مراغه و اندلس و نگارش کتاب هایی در این زمینه به دست مسلمانان شد .

O خداوند برای سفرهای دریایی و صحرایی که در عمر انسان ها به ندرت پیش می آید ، خداوند راهنما قرار داده است ، آیا می توان پذیرفت که برای حرکت دائمی انسان ها و گم نشدنشان در مسیر حق ، راهنما قرار نداده باشد ؟ و این بیانگر لزوم رسالت و امامت برای هدایت بشر می باشد .

O در احادیث مراد از ستارگان هدایت کننده ، رهبران معصوم و اولیای خدا بیان شده است .

(۱۹۵)

پیام ها

۱- ستارگان ، مخلوق خدا و وسیله ی راهیابی اند ، (نه آنگونه که برخی پنداشتند خالق و مدبّرند) . جعل لکم النّجوم لتهتدوا بها

۲- نظام ستارگانِ آسمان چنان دقیق است که می توان راه های زمینی را با آن پیدا کرد . لتهتدوا بها

۳- شناخت وزن و حجم و میزان فاصله و سرعت حرکت و مدار ستارگان و کلاً علم ستاره شناسی و نجوم ، به تنهایی انسان را به خدا نمی رساند ، باید انسان اراده کند و بخواهد که از این راه ، خدا را بشناسد . لقوم یعلمون

(آری ، تنها نگاه به آیینه برای اصلاح سر وصورت کافی نیست ، بلکه اراده و تصمیم و اقدام برای اصلاح نیز لازم است ، چه بسیارند آیینه فروشانی که دائما به آیینه نگاه می کنند ، ولی حتّی یقه ی خود را صاف نمی کنند .)

آیه۹۸

آیه۹۸

۹۸- وَهُوَ الَّذِی اءَنْشَاءَکُم مِن نَفْسٍ وَ حِدَهٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الأَیَتِ لِقَوْمٍ یَفْقَهُونَ

و اوست کسی که شما را از یک نفْس آفرید ، پس برخی قرار یافته (و به دنیا آمده اند) و برخی (در پشت پدرها و رحم مادرها) به امانت گذاشته شده اند . ما آیات خویش را برای گروهی که می فهمند به تفصیل بیان کردیم .

نکته ها

O در تعبیر اءنشاء دو نکته نهفته است : ۱ ابتکار ۲ تربیت مستمر ، در آفرینش انسان هم نوآوری و ابتکار است ، هم تربیت مستمر . آری ، آفریدن تقلیدی یا آفریدن و رها کردن ، چندان ارزشی ندارد .

O در باره ی تعبیر مستقر و مستودع ، معانی دیگری هم گفته شده است ، از جمله : شما دارای روح پایدار و جسم ناپایدارید ، شما دارای ایمان پایدار و یا ناپایدارید ، شما از نطفه ی زن که در رحم پایدار است و نطفه ی مرد که ناپایدار است پدید آمده اید ، مستقر در زمین و ودیعه ی در قبر تا روز قیامت هستید ، نعمت ها گاهی پایدار است و گاهی ناپایدار . در دعایی از امام صادق علیه السلام نقل شده که پس از نماز عید غدیر ، از خدا خواسته شود نعمت هایش را برای ما مستدام بدارد ، چون خود فرموده است : فمستقر و مستودع . (۱۹۶)

پیام ها

۱- اصل و ریشه ی همه ی شما یکی است ، پس این همه اختلاف و برتری طلبی و تبعیض چرا ؟ من نفس واحده

۲- این همه تنوّع و نوآوری در خلقت انسان ها تنها از یک نفْس ، نشانه ی عظمت خداونـد است . و هوالّذی انشاکم من نفس واحده

۳- همه ی داده ها پایدار نیست . تا نعمت و امکانات هست ، بهترین استفاده و بهره را ببریم . فمستقر و مستودع

۴- انسان تا اهل فهم نباشد ، از معارف بهره نمی برد . قد فصّلنا الایات لقوم یفقهون

آیه۹۹

آیه۹۹

۹۹-و هو الـذی انزل من السـما مـا فاخرجنـابه نبـات کل شـی فاخرجنا منه خضـرا نخرج منه حبا مترا رَاکِباً وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِیَهٌ وَجَنَّتٍ مِنْ اءَعْنَابٍ وَالزَّیْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَغَیْرَ مَتَشَبِهٍ انظُرُواْ إِلَی ثَمَرِهِ إِذَا اءَثْمَرَ وَیَنْعِهِ إِنَّ فِی ذَ لِکُمْ لاَیَتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ

و او کسی است که از آسمان ، آبی نازل کرد ، پس به وسیله ی آن ، هر گونه گیاه برآوردیم و از آن سبزه ها خارج ساختیم . از آن (سبزه ها) دانه های برهم نشسته و چیده شده بیرون آوریم . و از شکوفه ی خرما خوشه هایی نزدیک بهم (پدید آوریم) و نیز باغ هایی از (انواع) انگورها و زیتون و انار (پرورش دهیم) که برخی شبیه به هم و برخی غیر متشابهنـد . به میوه ی آن ، آنگاه که بار دهد و آنگاه که میوه می رسد بنگرید . همانا در آن ، نشانه هایی برای گروه با ایمان است .

نکته ها

O در آیه ی قبل فرمود : همه ی انسان ها از نفْسِ واحدنـد ، در این آیه می فرمایـد : همه ی گیاهان و درختان و میوه ها نیز از یک سرچشمه اند وآن آب باران است .

O متراکب از ریشه ی رکوب ، میوه های سوار بر هم و دانه های درهم فشرده است . طلع خوشه ی سربسته خرماست و قنوان ، رشـته هـای باریـک که بعـداً خوشه های خرما را تشـکیل می دهـد . دانیه ، خوشه های به هم نزدیک و یا نزدیک به زمین ، به خاطر سنگینی بار آن است . مراد از

متشابه ، یا درختانی است که شباهت ظاهری به هم دارند مثل زیتون و انار و یا میوه هایی است که شبیه به یکدیگرند .

O در این آیه و دو آیه قبل سه تعبیر پی در پی آمده است : لقوم یعلمون ، لقوم یفقهون و لقوم یؤ منون که رمز آن در پیام ۴ ، بیان گردیده است .

پیام ها

۱- مایه ی رویش همه ی گیاهان ونباتات ، آب باران است . من السماء ماءً فاءخرجنا به نبات کلّ شی ء

۲- هم نزول باران ، هم رویاندن گیاه و میوه ، کار خداست . اءنزل . . . نخرج

۳- رابطه ی انسان با میوه ها فقط رابطه ی مادّی و غذایی نباشد ، بلکه رابطه ی فکری و توحیدی هم باشد . اُنظروا الی ثمره . . . فی ذلکم لایات

۴- بهره گیری از ستارگان ، علم و کارشناسی لازم دارد . لقوم یعلمون ، درک اینکه کاروان بشری همه از یک نفس است و این کاروان ، به صورت پایدار و ناپایدار در جریان است درک عمیق می طلبد . لقوم یفقهون ، درک اینکه از گیاه و باران و میوه باید بهره ی معنوی برد و از انتساب همه ی هستی به خدا نباید غافل بود ، ایمان می طلبد . لقوم یؤ منون

آیه۱۰۰

آیه۱۰۰

۱۰۰- وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَکَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُواْ لَهُ بَنِینَ وَبَنَتٍ بِغَیْرِ عِلْمٍ سُبْحَنَهُ وَتَعَلَی عَمَّا یَصِفُونَ

و آنان برای خدا شریکانی از جنّ قرار دادند ، در حالی که آنان را نیز خدا آفریده است و از روی نادانی برای خداوند ، پسران و دخترانی ساخته و پرداختند . خداوند برتر و منزّه است از آنچه آنان درباره ی او وصف می کنند .

نکته ها

O خلق ، ایجاد چیزی از روی حساب است وخرق ، پاره کردن چیزی بی رویّه و بی حساب . خرقوا یعنی بدون دقّت و مطالعه مطلبی را اظهار کردن ، یا بدون حساب ساختن و و بی دلیل ادّعا کردن است . (۱۹۷)

O به گفته ی قرآن ، مسیحیان ، حضرت عیسی را و یهودیان حضرت عُزَیر را پسر خدا می دانستند . (۱۹۸) جمعی هم ملائکه را فرزندان خدا می پنداشتند . زردشتیان ، اهریمن را که از جنّ بود رقیب خدا قرار داده و همه ی بدی ها را به او منسوب می کردند ، برخی عرب ها هم میان خدا و جنّ ، نسبتی فامیلی معتقد بودند . جعلوا بینه و بین الجنّه نَسَباً(۱۹۹) این آیه همه ی آن گمان ها را باطل شمرده و می فرماید : خداوند از همه ی این اوصاف ، منزّه و برتر است .

پیام ها

۱- جهل ، ریشه ی خرافه گرایی است . خرقوا . . . بغیر علم (عقائد انسان نسبت به خداوند باید بر اساس علم باشد .)

۲- چگونه مخلوق ، شریک خالق می شود ؟ شرکاء . . . و خلقهم

۳- ازدواج و فرزند آوری ، تاءمین یک کمبود و نقص است و خداوند از این عیب ها ، منزّه است . سبحانه

آیه۱۰۱

۱۰۱- بَدِیعُ السَّموَتِ وَالْأَرْضِ اءَنَّی یَکُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَکُنْ لَهُ صَحِبَهٌ وَخَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ

(او) پدید آورنده ی آسمان ها و زمین است ، چگونه برای او فرزندی باشد ، در حالی که برای او همسری نبوده است و او هر چیز را آفریده و به هر چیز داناست .

آیه۱۰۲

آیه۱۰۲

۱۰۲- ذَلِکُمُ اللّهُ رَبُّکُمْ لاَ إِلَهَ إِلا هُوَ خَلِقُ کُلِّ شَیْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ وَکِیلٌ

آن است خداوند ، پروردگار شما ، معبودی جز او نیست ، آفریدگار هر چیز است ، پس او را بپرستید و او نگهبان و مدبّر همه چیز است .

نکته ها

O کلمه ی بدیع به معنای آفریدن ابتکاری است (نه تقلیدی) .

O آنکه آسمان ها و زمین را بدون تقلید و نقشه ی قبلی آفرید ، چه نیازی به فرزند و همسر دارد ؟ او با یک اراده ، آنچه را بخواهد خلق می کند .

O خالق کلّ شی ء توحید در خلق است و هو علی کلّ شی وکیل توحید در امر است . له الخلق والامر(۲۰۰) .

پیام ها

۱- آفریدگار جهان ، توانمند است ونیازی به همسر وفرزند ندارد . بدیع السموات

۲- خدایی را که قرآن معرفی می کند ، با خدایی که دیگران عقیده دارند مقایسه کنید . ذلکم اللّه

۳- در عقیده ی اسلامی ، آفریدگار و پروردگار یکی است . ربّکم . . . خالق کلّ شی ء (امّا مشرکین ، خالق را اللّه می دانند ، ولی عقیده به چندین ربّ دارند) .

۴- خالقیّت مطلقه ی خدا ، دلیل توحید است . لا اله الاّ هو خالق کلّ شی ء

۵- هم آفرینش به دست خداست ، هم بقا و ثبات هر چیز به اراده ی اوست . خالق وکیل

۶- ربوبیّت وخالقیّت خدا ، فلسفه ی پرستش است . ربّکم . . . خالق کلّشی ء فاعبدوه

آیه۱۰۳

آیه۱۰۳

۱۰۳- لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَرُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

چشم ها او را در نمی یابد ، ولی او چشم ها را در می یابد و او نامرئی و دقیق و باریک بین و آگاه است .

نکته ها

O کلمه ی بَصَر هم به معنای چشم است و هم به معنای بصیرت . (۲۰۱) بنابراین آیه را می توان چنین معنا کرد : نه چشم ظاهری ، خداوند را می بیند و نه دل به عمق معرفت او راهی دارد .

O لطیف چند معنی دارد : ۱ آنکه عطای خود را کم بشمارد و طاعت مردم را بسیار ،

۲- دقیق ، رسیدگی پنهانی به امور و باریک بینی ، ۳ خالق اشیای ظریف و ناپیدا .

۴- اهل مدارا و رفاقت ، ۵ پاداش دهنده ی اهل وفا و بخشاینده ی اهل جفا .

O امام رضا علیه السلام فرمود : لایقع الاوهام و لایُدرک کیف هو ، افکار و اوهام بر خداوند احاطه ندارد و ذات او آنگونه که هست قابل ادراک نیست . (۲۰۲)

O خداوند ، هرگز دیدنی نیست . همین که حضرت موسی از زبان مردم درخواست دیدن خدا را نمود ، پاسخ شنید : لَن تَرانِی (۲۰۳) هرگز مرا نخواهی دید . برخی از اهل سنّت گفته اند : خدا در قیامت دیده می شود و به آیاتی همچون الی ربّها ناظِرَه (۲۰۴) استدلال می کنند . (۲۰۵) غافل از آنکه خداوند ، جسم و مادّه نیست و مراد از نظر به خداوند ، نگاه با چشم دل است ، زیرا دیدن با چشم ، در جایی است که چیزی دارای جسم ، مکان

، محدودیّت ، رنگ و . . . باشد و همه ی اینها نشانه ی نیاز و عجز است که خداوند از این نقص ها مبرّا می باشد .

O امام علی علیه السلام می فرماید : نه تنها چشم او را نمی بیند ، بلکه وهم و فکر نیز نمی تواند بر او احاطه پیدا کند . (۲۰۶) سعدی در ترسیم این مطلب می گوید :

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم

و از آنچه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم

مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر

ما همچنان در اوّل وصف تو مانده ایم

O مراد از جمله ی یدرک الابصار ، علم او به دیده های انسان است ، مانند سمیع و بصیر که به معنای علم او به شنیدنی ها و دیدنی هاست .

پیام ها

۱- خداوند ، جسم مادّی نیست . لاتدرکه الابصار

۲- هیچ کس از ذات خداوند آگاه نیست . هو اللطیف

۳- هیچ پرده و مانعی جلوی علم خدا را نمی گیرد . هواللطیف الخبیر

۴- با اینکه زشتی های ما را می داند باز هم به ما لطف دارد . وهو اللطیف الخبیر

۵- خداوند به همه ی لطائف و رموز هستی آگاه است . هواللطیف الخبیر

آیه۱۰۴

آیه۱۰۴

۱۰۴- قَدْ جاءَکُمْ بَصائِرُ مِن رَبِّکُمْ فَمَنْ اءَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِیَ فَعَلَیْها وَمَا اءَنَاْ عَلَیْکُم بِحَفِیظٍ

همانا از سوی پروردگارتان ، مایه های بینش و بصیرت ، (کتب آسمانی و دلائل روشن) برای شما آمده است . پس هر که بصیرت یافت ، به سود خود اوست و هر کس کوری گزید ، به زیان خویش عمل کرده است و من نگهبان و ضامن (ایمان شما به اجبار) نیستم .

نکته ها

O از آیه ی ۹۵ تا اینجا در معرّفی خدا و انتقاد از شرک بود ، این آیه به منزله ی نتیجه و خلاصه ی آیات گذشته است .

O مشابه این آیه در قرآن زیاد است که نتیجه ی ایمان وکفر ، خوبی وبـدی ، یا بصـیرت وکوردلیِ انسان را متوجّه خود او می داند . همچون :

لها ما كَسَبَت وعليها ما اكتسبت (۲۰۷)

مَن عَمِلَ صالحاً فلنفسه ومَن اَساء فَعَليها(۲۰۸)

اِن اءحسنتُم اءحسنتُم لانفُسِكم و اِن اءساتُم فلها(۲۰۹)

پیام ها

۱- با نزول قرآن ، راه عذری بر هیچ کس باقی نمانده است . قد جاءكم بصائر

۲- مردم در انتخاب راه ، آزادند . مَن اءبصر . . . و مَن عمی

۳- آگاه کردن مردم ، از شئون ربوبیّت الهی است . بصائر من ربّكم

۴- سود ایمان و زیان کفر مردم ، به خودشان برمی گردد نه خدا . فلنفسه . . . فعليها

۵- کیفر گروهی از مردم ، نشانه باطل بودن تعالیم انبیا نیست ، بلکه نشانه ی کوردلی خود آنان است . و مَن عمی

۶- وظیفه ی پیامبر ، ابلاغ است نه اجبار . ما اءنا عليكم بحفيظ

آیه۱۰۵

آیه۱۰۵

۱۰۵- وَ كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْأَيَتِ وَ لِيَقُولُواْ دَرَسْتَ وَ لِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

و بدین سان آیات را در شکل های گوناگون بیان می کنیم ، (تا وسیله هدایت شود ولی کافران ایمان نیاورده) و گویند : تو (نزد کسی) درس خوانده ای ! (بگذار بگویند ، ولی ما) برای کسانی بیان می کنیم که اهل فهم و علم باشند .

نکته ها

O کفّار برای باز کردنِ راه تکذیب پیامبر می گفتند : این حرف ها از خودش نیست ، از دیگری آموخته است . دَرَسْتَ چنانکه در موارد دیگر نیز می گفتند : انّما يُعلِّمُه بَشَر(۲۱۰) انسانی به او یاد داده است ، اءعانَه عَليهِ قَومٌ آخَرون (۲۱۱) گروهی دیگر کمکش کرده اند .

پیام ها

۱- تنوّع در شیوه ی بیان و استدلال و آموزش ، راه پذیرش را بازتر می کند . نصرّف الا یات

۲- مخالفین به اهمیّت قرآن اعتراف دارند و می گویند : این معارف را از کسی آموخته و نمی گویند حرفها بی محتوی است . دَرَسْتَ

۳- در مقابل آیات الهی ، برخی با تهمت و انکار ایستادگی می کنند . دَرَسْتَ ، ولی برخی که اهلند ، ارشاد می شوند . لقوم یعلمون

باان که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ ، لاله روید ودر شوره زار ، خَس

آیه۱۰۶

آیه۱۰۶

۱۰۶-اِ تَّبِعْ مَا اُوحِیَ اِلَیْکَ مِن رَبِّکَ لَا اِلَهَ اِلا هُوَ وَ اَعْرِض عَنِ الْمُشْرِکِینَ

تنها آنچه را از سوی پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن ، معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان .

نکته ها

O در آیه ی قبل ، تهمت مشرکان به پیامبر مطرح شد که می گفتند : کلام تو وحی نیست ، بلکه آموخته از دیگران است . اینجا به پیامبر دلداری می دهد که تو کار خویش را بکن و به حرف مخالفان اعتنایی نداشته باش .

O شیوه های برخورد با مخالفان ، در موارد مختلف متفاوت است ، از جمله :

گاهی سلام کردن است . اذا خاطَبَهُمُ الجاهلون قالوا سلاما(۲۱۲)

گاهی سکوت و عدم برخورد است . ذَرهُم (۲۱۳) ، حَسبُنا اللّه (۲۱۴)

گاهی اعراض و بی اعتنایی است . اعرِض عنهم (۲۱۵)

گاهی درشتی و غلظت است . و اغلُظ علیهم (۲۱۶)

گاهی مقابله به مثل است . فاْعتَدوا علیه بِمِثل مَا اعتدی علیکم (۲۱۷)

پیام ها

۱- رهبران الهی نباید با تهمت ها و تحقیرها و تحلیل های ناروای دشمنان ، در راه خود سست شوند . اِتّبع ما یوحی الیک

۲- گاهی بشر چنان سقوط می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به فرمان الهی از او روگردان می شود . واءعرض عن المشرکین

آیه۱۰۷

آیه۱۰۷

۱۰۷- وَلَوْ شَاءَ اللّهُ مَا اءَشْرَكُواْ وَمَا جَعَلْنَكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً وَمَا اءَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ

و اگر خداوند می خواست (همه به اجبار ایمان می آوردند و) شرک نمی ورزیدند (ولی سنّت الهی چنین نیست) و ما تورا بر آنان نگهبان قرار ندادیم و تو وکیل (ایمان آوردن) آنان نیستی .

نکته ها

O مشیّت و خواستِ خداوند دو گونه است : خواست تشریعی و خواست تکوینی . خداوند از نظر تشریعی ، هدایتِ همه ی مردم را خواسته است و لذا پیامبران و کتب آسمانی را فرستاده است ، امّا از نظر تکوینی خواسته است که مردم بر اساس اراده و اختیار خود ، راه را انتخاب کنند ، نه آنکه مجبور به پذیرش دین باشند .

پیام ها

۱- اراده وخواست خداوند ، تخلّف ندارد . لو شاءاللّه ما اشرکوا

۲- مشیّت و اراده الهی بر آزاد گذاشتن انسان هاست و وجود مشرکین ، نشانه ای از این آزادی است . ولو شاء اللّه ما اشرکوا

۳- پیامبران الهی ، مربّی و معلّم مردمند نه زندانبانانی که با زور و تحمیل ، دستور دهند . ما جعلناک علیهم حفیظا

۴- پیامبر ، نه مسئول دفع بلا از مشرکان و نه مسئول جلب منفعت برای آنان است . ما جعلناک علیهم حفیظا و ما انت علیهم بوکیل

۵- انبیا ضامنِ وظیفه اند نه نتیجه . با آن همه تلاش ، گروه بسیاری مشرک ماندند . و ما اءنت علیهم بوکیل

۶- پیامبر ، برای هدایت مردم سوز و گداز داشت . و ما اءنت علیهم بوکیل

آیه۱۰۸

آیه۱۰۸

۱۰۸- وَلاَ تَسُبُّواْ الَّذِینَ یَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ فَیَسُبُّواْ اللّهَ عَدْوًا بِغَیْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَیَّنَّا لِكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَی رَبِّهِم مَرْجِعُهُمْ فَیُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ یَعْمَلُونَ

و به (معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند ناسزا نگویید که آنان نیز از روی جهل و دشمنی به خداوند ناسزا می گویند . ما این گونه عمل هر امّتی را برایشان جلوه دادیم . سپس بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است ، پس خداوند آنان را به آنچه می کردند خبر می دهد .

نکته ها

O خداوند ، انسان را چنان آفریده که چه کارهای خوب و چه کارهای بد ، کم کم در روح او تاءثیر می گذارد و به آن عادت می کند . از این رو ، زینت دادن کارها گاهی به خدا نسبت داده شده ، زَیَّنّا ، که خالق این تاءثیر است ، و گاهی به شیطان نسبت داده شده که از طریق وسوسه و وعده ، زشت ها را زیبا جلوه می دهد . زیّن لهم الشّیطان (۲۱۸)

O حضرت علی علیه السلام در جنگ صفّین به سربازان خود توصیه می کرد که به پیروان معاویه دشنام و ناسزا نگویند ، بلکه سیمای آنان را مطرح کنند که بهتر از دشنام است . (۲۱۹)

O امیرالمؤ منین علی علیه السلام فرمودند : از مصادیقِ دشنام به خدا ، دشنام به ولیّ خداست . (۲۲۰)

O حساب لعن و نفرین و برائت ، از حساب دشنام و ناسزا جداست . لعن و برائت که در آیات دیگر قرآن از سوی خداوند اعلام شده ، در واقع بیانگر اظهار موضعِ ما در برابر ستمگران و مشرکان

است که بیزاری خود را از راه آنان اعلام می کنیم . لعنه اللّه علی الظالمین (۲۲۱) ، برائه من اللّه . . . (۲۲۲)

پیام ها

۱- احساسات خود را نسبت به مخالفان کنترل کنیم و از هرگونه بد دهنی و ناسزا بپرهیزیم . لاتسبّوا

۲- به بازتاب برخوردهای خود توجّه کنیم . لاتسبّوا . . . فیسبّوااللّه

۳- با فحش و ناسزا ، نمی توان مردم را از مسیر غلط باز داشت . لا تسبّوا

۴- ناسزاگویی ، عامل بروز دشمنی و کینه و ناسزا شنیدن است . لاتسبّوا . . . فیسبّوا . . . عَدْوا

۵- دشـنام ، یا نشانه نداشـتن منطق است ، یا نداشتن ادب و یا صبر . (مسلمان با پرهیز از ناسزا ، باید نشان دهد که صبر و منطق و ادب دارد .) لا تسبّوا

۶- هر کاری که س...Ș̤توهین به مقدّسات شود ، حرام است . فیسبّوا اللّه

۷- استفاده از حربه ی دشنام وناسزا ، در نهی از منکر و تبلیغات ومناظرات ممنوع است . لاتسبّوا

۸- کاری که سبب کشیده شدن دیگران به گناه وحرام می شود ، حرام است . (۲۲۳) لاتسبّوا . . . فیسبّوا

۹- گاهی انسان ناخودآگاه در گناه دیگران شریک می شود ، آنجا که مقدّمات گناه دیگران را فراهم کند . فیسبّوااللّه

۱۰-از سنّت های الهی ، زیبا جلوه کردن اعمال امّت ها در نظر آنان است . زیّنا لکلّ اُمّه عملهم (هر اُمّتی اعمال خود را هرچند ناحقّ باشد ، زیبا می پندارد)

۱۱- جلوه نمایی و زیبادیدن ، نشانه ی حقانیّت نیست . زیّنا لکل اُمّه عملهم

۱۲- آگاه کردن مردم از کرده های خویش در قیامت

، از شئون ربوبیّت الهی است . الی ربّهم مرجعهم فینبّهم . . .

آیه۱۰۹

آیه۱۰۹

۱۰۹- وَاءَقْسَمُواْ بِاللّهِ جَهْدَ اءَیْمَنِهِمْ لَئِن جاءَتْهُمْ ءَایَهٌ لَیُؤْمِنُنَّ بَهَا قُلْ إِنَّمَا الْأَیَتُ عِنْدَ اللّهِ وَمَا یُشْعِرُکُمْ اءَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا یُؤ مِنُونَ

و با سخت ترین سوگندهایشان به خدا قسم یاد کردند که اگر معجزه و نشانه ای برایشان بیاید ، قطعاً به آن ایمان خواهند آورد . بگو : معجزات ، تنها نزد خداست (و به دست اوست) و چه می دانید (بلکه ما می دانیم) که اگر معجزه ای هم بیاید ، (باز هم) آنان ایمان نخواهند آورد .

نکته ها

O گروهی از کفّار قریش ، نزد پیامبر آمده ، گفتند : تو هم مانند موسی و عیسی معجزاتی بیاور تا به تو ایمان آوریم ، حضرت پرسید : چه کنم ؟ گفتند : کوه صفا را تبدیل به طلا کن ، مردگان ما را زنده کن ، خدا و فرشتگان را نشانمان بده و آنگاه سوگند یاد کردند که در این صورت ایمان خواهند آورد . آیه نازل شد که معجزه دست خداوند است و طبق حکمت انجام می گیرد ، نه هوس های مردم . (۲۲۴)

معجزه به مقدار اتمام حجّت لازم است ، نه به مقدار ارضای تمایلات هر فرد . بگذریم که برخی پیشنهادها مثل دیدن خدا خلاف عقل است و چنان نیست که نظام هستی بازیچه ی هوس های مشرکان باشد .

پیام ها

۱- مشرکین مکّه ، اللّه را قبول داشتند وبه آن سوگند یاد می کردند . اءقسموا باللّه

۲- فریب سوگندهای دروغین مخالفان را نخورید . واقسموا باللّه جهد ایمانهم

۳- برهان خواهی آری ، تسلیم شدن در برابر هوسها هرگز . انّما الا یات عنداللّه

۴- معجزات پیامبران ، به دست خداست . انّما الا یات عنداللّه

۵- لجاجت ، درد بی درمانی است که صاحبان آن ، با دیدن هر نوع معجزه ، باز هم ایمان نمی آورند . لایؤ منون

آیه۱۱۰

آیه۱۱۰

۱۱۰- وَنُقَلِّبُ اءَفْئِدَتَهُمْ وَاءَبْصَرَهُمْ کَمَا لَمْ یُؤ مِنوُاْ بِهِ اءَوَّلَ مَرَّهٍ وَ نَذَرُهُمْ فِی طُغْیَنِهِمْ یَعْمَهُونَ

همان گونه که در آغاز ایمان نیاوردند ، این بار نیز دلها و چشم هایشان را دگرگون و واژگون می کنیم و آنان را در طغیانشان رها می سازیم تا سرگردان بمانند .

پیام ها

۱- وارونه شدن دل افراد لجوج ، سنّت خداوند است . و نُقَلِّبُ اءفئدتهم

۲- ایمان به خدا و رسالت نیاز به قلب سالم دارد . و نُقَلِّب اءفئدتهم

۳- گناه و لجاجت ، دید و بینش انسان را دگرگون می سازد . و نُقَلِّبُ اءفئدتهم

۴- کسی که با دیدن معجزات اولیه ایمان نیاورده ، نباید تقاضای معجزات دیگری کند . لم یؤ منوا به اوّل مَرَّه

۵- گرچه خداوند مقلّب القلوب است ، ولی این انسان است که با انتخاب ایمان یا کفر زمینه دگرگونی را فراهم می کند . نُقَلِّبُ . . . کما لم یؤ منوا

۶- طغیان ، ریشه ی کفر است . لم یؤ منوا . . . طغیانهم

۷- کسی را که خداوند رها کند ، سرگردان می شود . نذرهم . . . یعمهون

آیه۱۱۱

آیه۱۱۱

۱۱۱- وَلَوْ اءَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَئِكَهَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ إِلا اءَن يَشَاءَ اللّهُ وَلَكِنَّ اءَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ

و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان نازل می کردیم و مردگان با آنان سخن می گفتند و همه چیز را (به گواهی صدق و اعجاز) دسته دسته در برابرشان گرد می آوردیم باز هم ایمان نمی آوردند ، مگر آنکه خداوندبخواهد (به اجبار ایمان آورند) ، ولی بیشترشان نادانی می کنند .

نکته ها

O گویا یکی از درخواست های مشرکان ، نزول فرشتگان و سخن گفتن مردگان با آنان بوده است ، غافل از آنکه این مشرکان به قدری لجوجند که حتّی اگر امور غیبی مثل فرشتگان برای آنان محسوس شود باز هم ایمان نخواهند آورد . سعدی نیز می گوید :

چون بود اصل گوهری قابل

تربیت را در او اثر باشد

هیچ صیقل نکو نداند کرد

آهنی را که بد گهر باشد

سگ به دریای هفتگانه مشوی

چون شود تر ، پلیدتر باشد

خر عیسی گرش به مکّه بری

چون بیاید هنوز خر باشد

O قُبُل یا به معنای مقابل است ، یا جمع قبیل ، به معنای گروه و دسته .

O در دو آیه ی قبل ، ادعای دروغ مشرکان مطرح شد که می گفتند : اگر معجزه بیاید ایمان می آوریم ، اینجا نمونه آن معجزات مطرح شده است .

O شبیه این آیه ، در سوره ی حجر آیات ۱۴ و ۱۵ آمده است : ولو فَتَحنا علیهم بابا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون لقالوا انّما سُکِّرَت اءبصارُنا بل نحن قوم مَسحورون اگر از آسمان دری باز شود و کفّار از آن بالا روند ، باز هم

گویند : چشم ما را جادو کرده اند .

پیام ها

۱- برای دلهای لجوج ، هیچ آیه و نشانه ای زمینه ساز ایمان نمی گردد . ما کانوا لیؤ منوا

۲- خدا اگر بخواهد ، می تواند به اجبار ، همه را مؤ من سازد ، ولی این خلاف حکمت اوست . ما کانوا لیؤ منوا الاّ اءن یشاء اللّه

۳- جهالت ، عامل ایمان نیاوردن به آیات الهی است . ما کانوا لیؤ منوا . . . و لکنّ اکثرهم یجهلون

آیه۱۱۲

آیه۱۱۲

۱۱۲- وَکَذَلِکَ جَعَلْنَا لِکُلِّ نَبِی عَدُوّاً شَیَطِینَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ یُوحِی بَعْضُهُمْ إِلَی بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُوراً وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا یَفْتَرُونَ

ای پیامبر ! اینان تنها در برابر تو به لجاجت نپرداختند ، بلکه) ما این گونه برای هر پیامبری ، دشـمنی از شیطان های انس و جنّ قرار دادیم . که برخی از آنان حرف های دلپسند و فریبنده را به برخی دیگر مرموزانه القا می کنند . البتّه اگر پروردگارت می خواست ، چنین نمی کردند . (ولی سنّت الهی بر آزادی انسان ها می باشد ،) پس آنان را و آنچه به دروغ می سازندبه خود واگذار .

نکته ها

O در دو آیه ی قبل آمده بود که : ما آنان را به حال خود رها کردیم ، نذرهم فی طغیانهم یعمهون اینجا می فرماید : تو نیز آنان را به حال خود رها کن . فذرهم

O سقوط انسان ، از قبول وسوسه ی شیطان شروع می شود ، یُوَسوِسُ فی صُدُورِ النّاس (۲۲۵) آنگاه هر که وسوسه در او اثر گذاشت از یاران شیطان می شود ، اِخوان الشیاطین (۲۲۶) و در نهایت خودش شیطان می گردد . شیاطین الانس

O تضادّ و درگیری ، زمینه ساز تکامل اختیاری است . به همین جهت خداوند ، جهان را عالم تزاحم و تضادّ اختیاری قرار داده است . وکذلک

پیام ها

۱- از عوامل استقامت و پایداری انسان ، آگاهی از تاریخ و مشکلات دیگران است . وکذلک

۲- مبارزه حقّ و باطل ، در طول تاریخ وجود داشته است . وکذلک

۳- رهبر جامعه ، باید برای مخالفت ها آماده باشد . وکذلک

۴- انتظار ریشه کن شدن مخالفان و بدخواهان را نداشته باشیم . وکذلک جعلنا

۵- از سنّت های الهی روبرو شدن انبیا با مخالفان گوناگون است . و کذلک جعلنا لکلّ نبیٍّ عَدوّا

۶- کفّار لجوج ، شیطانند . شیاطین الانس . . .

۷- شیاطین انس و جنّ از طریق القا به یکدیگر ، با هم ارتباط دارند . یوحی بعضهم الی بعض . . .

۸- شیاطین ، روشهای شیطنت را به یکدیگر می آموزند . یوحی بعضهم الی بعض

۹- مخالفان انبیا ، تبلیغات درون گروهی دارند . یوحی بعضهم الی بعض

۱۰- کلمات زیبا و فریبنده ، می تواند از عوامل اغفال انسان باشد . یوحی . .

. زخرف القول غرورا

۱۱- خداوند انسان را آزاد آفریده و دنیا را میدان درگیری ها قرار داده است . ولو شاء ربّک ما فعلوه

۱۲- اختیار و آزادی بشر ، در مسیر رشد و تربیت اوست . و لو شاء ربّک ما فعلوه

۱۳- در نظام هستی ، یک اراده حاکم است نه دو قدرت ، یزدان و اهریمن در برابر هم نیستند و تلاش های انحرافی از قدرت و سلطه ی الهی بیرون نیست . ولو شاء ربک ما فعلوه

آیه ۱۱۳

آیه ۱۱۳

۱۱۳- وَلِتَصْغَی إِلَيْهِ اءَفْئِدَهُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَلِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُواْ مَا هُم مُقْتَرِفُونَ

و(شیاطین ، سخنان فریبنده ی خود را بر مردم می خوانند) تا گوش دل آنان که به قیامت ایمان ندارند ، به آن سخنان مایل شود و آن را بپسندند و آنان به دست آورند آنچه را به دنبال به دست آوردنش هستند .

نکته ها

O تَصغی از صَغْو ، به معنای تمایل است ، تمایلی که از راه شنیدن حاصل می شود .

O اِقتراف ، به معنای تحصیل و کسب چیزی است .

پیام ها

۱- وسوسه ها و تبلیغات ، به تنهایی عامل انحراف نیست ، بلکه گوش دادن و دل سپردن و جذب شدن ، مؤ ثّر است . لتصغی . . . لیرضوه

۲- ایمان نداشتن به آخرت ، سبب تسخیر و نفوذ شیطان است . لایؤ منون بالاخره

آیه ۱۱۴

آیه ۱۱۴

۱۱۴- اءَفَغَيْرَ اللّهِ اءَبْتَغِی حَكَماً وَهُوَ الَّذِی اءَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَبَ مُفَصَّلاً وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَبَ يَعْلَمُونَ اءَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِن رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَاتَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

پس (بگو :) آیا (با این همه دلایل روشن) غیر خدا را به داوری جویم ؟ در حالی که اوست که کتاب آسمانی را به تفصیل

به سوی شما نازل کرد ، وکسانی که به آنان کتاب داده ایم ، (یهود و نصاری) می دانند که این کتاب ، از طرف پروردگارت به حقّ نازل گشته است ، پس به هیچ وجه ازتردیدکنندگان مباش .

نکته ها

O حَکَم را برخی بـا حـاکم یکی دانسـته انـد ، امّـا برخی گفته انـد : حَکَم ، داوری است که طرفین دعوا ، او را انتخـاب کرده باشـند ، ولی حاکم ، هرگونه داور است . (۲۲۷) در مجمع البیان آمده است : حَکَم ، کسـی است که به حقّ داوری کند ، ولی حاکم ، به هر قاضی گفته می شود .

O در آیه ۱۱۱ ، سـخن این بود که اگر مردگان هم با اینان حرف بزننـد یا فرشـتگان فرود آیند ، ایمان نخواهند آورد . در این آیه می فرماید : اهل کتاب ، وحی بودن قرآن را می دانند و تقاضای معجزات دیگر ، تنها بهانه است .

O پیامبر صلی الله علیه و آله در راه خود تردیدی ندارد ، لذا خطاب لا تکونَنّ مِنَ المُمترین هشدار به مسلمانان است که نگران حقّانیت راه خود نباشند .

پیام ها

۱- بـا وجود کتـابی همچون قرآن ، به سـراغ داوری دیگران رفتن ، نـادرست و قابـل توبیـخ است . اءفغَیر اللّه اَبتَغِی حَکَماً (جز خداوند ، کسی حقّ قانون گذاری و داوری ندارد)

۲- خداوند ، قرآن را به تفصیل نازل کرده است . هو الّذی انزل الیکم الکتاب مفصّلاً

۳- قوانین و احکام اسلام ، ابهام ندارد . مفصّلا

۴- یکی از دلایل حقانیّت اسـلام ، بشارت انبیای گذشـته در تورات و انجیل است . الّـذین آتیناهم الکتاب یعلمون انّه منزّل من ربّکَ چنانکه در آیه ای دیگر می فرماید : یَعرِفونَه کما یَعرفُون ابنائهم (۲۲۸) اهل کتاب ، پیامبر اسلام را همچون فرزندان خود می شناختند .

۵- رهبر باید از قاطعیّتی تردیدناپذیر در راه دعوت خود

برخوردار باشد . فلاتکوننّ . . .

۶- مبادا به خاطر ایمان نیاوردن اهل کتاب ، در شما تردیدی پیدا شود ، زیرا آنان حقانیّت قرآن را خوب می دانند و انکارشان به دلیل لجاجت است . یعلمون انّه منزّل من ربّک بالحقّ فلا تکوننّ من الممترین

آیه۱۱۵

آیه۱۱۵

۱۱۵- وَ تَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ صِدْقاً وَ عَدْلاً لاَ مُبَدِّلَ لِکَلِمَتِهِ وَ هُوَ الْسَّمِیعُ الْعَلِیمُ

و کلام پروردگارت ، در صداقت و عدالت به حدّ کمال و تمام رسید . هیچ تغییردهنده ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست .

نکته ها

O مراد از کلمه در این آیه ، به دلیل آیه قبل ، آیات قرآن است ولی واژه ی کلمه در فرهنگ قرآن و روایات ، گاهی به معنای وعده ی حتمی آمده است ، و تمّت کلمه ربّک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا(۲۲۹) که تحقّق وعده ی الهی را نسبت به بنی اسرائیل به خاطر صبرشان بیان می کند . گاهی به معنای دین آمده است ، کلمه اللّه یعنی دین خدا ، و گاهی به پیامبر و اولیای الهی اطلاق شده است ، چنانکه درباره ی حضرت عیسی علیه السلام می خوانیم : کلمته القاها الی مریم (۲۳۰) در روایات نیز از قول ائمّه علیهم السلام آمده است که ما کلمات الهی هستیم . نحن الکلمات (۲۳۱)

پیام ها

۱- قرآن ، آخرین کتاب آسمانی و اسلام ، آخرین دین الهی است . تمّت کلمه ربّک

۲- قرآن ، معجزه ای کامل برای اثبات رسالت پیامبر اکرم است . تمّت کلمه ربک

۳- قرآن ، پاسخگوی همه ی نیازهای هدایتی جوامع بشری است . تمّت کلمه ربّک

۴- اسلام ، مکمّل ادیان گذشته است . تمّت کلمه ربّک . . .

۵- اتمام دین با بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، جلوه ای از ربوبیّت خداوند است . و تمّت کلمه ربّک

۶- مبنای قوانین و سنّت های خداوند در نظام هستی ، صدق و عدل است . و تمّت کلمه ربّک صدقاً و عدلاً

۷- اخبار قرآن ، صادق و احکامش بر عدل استوار است . و تمّت کلمه ربّک صدقاً و عدلاً در آیه ی دیگر می خوانیم : و مَن اصدق من اللّه حدیثاً(۲۳۲)

در قرآن ، تحریف راه ندارد . لا مبدّل لکلماته

۹- خداوند نیازها را بسیار خوب می داند و با توجّه به آن ، قرآن را نازل کرده است . و هو السّمیع العلیم

آیه۱۱۶

آیه۱۱۶

۱۱۶- وَإِنْ تُطِعْ اءَكْثَرَ مَن فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ إِن یَتَّبِعُونَ إِلا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلا یَخْرُصُونَ

و اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی ، تو را از راه خداونـد ، منحرف و گمراه می کننـد . زیرا آنان جز از گمان پیروی نمی کنند وآنان ، جز به حدس و گمان نمی پردازند .

نکته ها

O خَرْص به معنـای تخمین و حـدس است . چون بعضـی از تخمین هـا نادرست از آب در می آیـد ، به معنای دروغ هم آمـده است . (۲۳۳)

پیام ها

۱- راه هدایت و راه قرآن ملاک است ، نه راه مردم و اکثریّت . و تمّت کلمه ربّک . . . و اِن تُطِع اکثر . . .

۲- اکثریّت ، دلیل حقانیّت نیست . ملاک ، حقّ است نه عدد ، پس در پیمودن راه حقّ از کمی افراد نهراسـید . اِن تُطِع اکثر . . .

۳- جلب نظر اکثریّت ، گـاهی به قیمت نـابودی و انحراف خود انسـان تمـام می شود . اِن تطع اکثر . . . یضـلّوک (در راه خـدا حرکت کنیم هر چند خلاف رای اکثریّت باشد)

۴- اکثریّت ، چنـان جلوه ای دارد که خـدا پیامبر را هم از تبعیّت آن بر حـذر می دارد . واِن تُطِع اکثر مَن فی الارض یضـلّوک (انبیا باید تابع وحی باشند ، نه آرای مردم)

۵- ریشه ی ضلالت ها ، اعتماد به حدس وگمان است . یضلّوک اِن یتّبعون الاّ الظنّ

۶- اکثریّتی که به جای حقّ ، در پی حدس و هوس باشند ، قابل پیروی نیستند . اِن تطع اکثر . . . یضلّوک . . . یخرصون

۷- در انتخاب راه ، دلیل وبرهان لازم است ، نه حدس وگمان . اِن یتّبعون الاّ الظنّ . . . یخرصون

آیه۱۱۷

آیه۱۱۷

۱۱۷-إِنَّ رَبَّکَ هُوَ اءَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ اءَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

قطعاً پروردگار تو ، خود به کسانی که از راه او گمراه می شوند ، داناتر است و او به هدایت یافتگان (نیز) آگاه تر است .

نکته ها

O مَهدیّ ، یعنی کسی که از ابتدا به هدایت الهی راه یافته است ، مانند امامان معصوم علیهم السلام امّا مُهتَدی کسی است که پس از ضلالت ، هدایت شده باشد . (۲۳۴)

پیام ها

۱- بشر نیز علم دارد ، امّا تنها خدا اعلم است . هو اعلم (ضمیر هو میان مبتدا و خبر نشانه ی انحصار است .)

۲ تربیت ، نیاز به آگاهی عمیق دارد . ربّک . . . اعلم

۳ با تظاهر و نفاق ، خود و دیگران را مفریبیم ، که خدا همه را بهتر می شناسد . هو اءعلم مَن یَضلّ . . .

۴ از اعلم پیروی کنیم ، نه اکثریّت . و اِن تُطِع اکثر یضلّوک . . . انّ ربّک هو اعلم

آیه۱۱۸

آیه۱۱۸

۱۱۸- فَكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُم بَِايَتِهِ مُؤْمِنِينَ

پس اگر به آیات الهی ایمان دارید (تنها از) آنچه نام خداوند (هنگام ذبح) بر آن برده شد بخورید .

نکته ها

O بردن نام خداوند هنگام ذبح حیوان ، نوعی مصونیّت دادن به مادیات و به صحنه آوردن ایمان است . یاد خدا در هر کاری خوب است ، امّا در ذبح حیوان که گرفتن جان آن مطرح است ، ضرورت می یابد .

O از نشانه های جامعیّت مکتب اسلام این است که در یک مسئله ی جزیی مانند ذبح ، همه ی جوانب آن را مطرح کرده است : هم مکتب (نام خدا) ، هم وسیله (آهن) ، هم شیوه ی بریدن رگ ها ، هم امّت (مسلمان بودن کسی که ذبح می کند) و هم جهت (قبله) و هم موارد مصرف . فکلوا مما ذکر اسم اللّه

پیام ها

۱- غذا و خوراک مؤ من باید جهت الهی داشته باشد . فکلوا مما ذکر اسم اللّه

۲- نام خداوند ، مُهر جواز مصرف و پروانه ی استفاده از گوشت حیوانات قابل مصرف است . فکلوا ممّا ذکر اسم اللّه علیه . . .

۳- برای تحکیم پایه های توحید ، از هر فرصتی ، حتّی ذبح حیوان باید استفاده کرد . آری توحید ، تنها یک مساءله ی ذهنی نیست . فکلوا ممّا ذکر اسم اللّه علیه

۴- تغذیه ی حلال و التزام به احکام ، شرط ایمان است . اِن کنتم بآیاته مؤ منین

آیه۱۱۹

آیه۱۱۹

۱۱۹- وَمَا لَكُمْ اءَلاَّ تَاءْكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ وَقَد فَصَّلَ لَكُمْ ما حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلاَّ مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيراً لَيُضِلُّونَ بِاءَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ اءَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ

و شما را چه شده که از آنچه که نام خداوند بر آن برده شده است نمی خورید ؟ (و بی جهت حلال ما را بر خود حرام می کنید ،) در صورتی که خداوند آنچه را بر شما حرام کرده خودش به تفصیل برای شما بیان کرده است ، مگر آنچه (از محرّمات) که به خوردن آن مضطرّ شدید ، همانا بسیاری از مردم ، دیگران را جاهلانه به خاطر هوس های خود گمراه می کنند . قطعاً پروردگارت به متجاوزان آگاه تر است .

نکته ها

O گروهی با با شبهه افکنی ومقایسه میان حیوان ذبح شده و مرده ، مردم را به انحراف کشیده و می گفتند : چرا حیوانی را که ما می کشیم حلال است و آنچه را خدا می کشد ، حرام ؟ که این آیه ضمن هوشیار نمودن مردم ، پاسخ آنان را نیز می دهد .

پیام ها

۱- هر کس بدون دلیل حلال های الهی را بر خود حرام کند باید توبیخ شود . و ما لکم الاّ تاءکلوا . . . (گویا بعضی از مسلمانان تحت تاءثیر سنّت های جاهلی قرار می گرفتند و حلال هایی را بر خود حرام می کردند .)

۲- خوردن گوشت حیوان هم اگر رنگ الهی داشته باشد حلال ، و گرنه حرام است . ذکر اسم اللّه

۳- همه ی محرّمات الهی ، در مکتب آسمانی اسلام بیان شده است . و قد فصّل لکم ما حرّم علیکم (۲۳۵)

۴- اصل و قانون کلّی در خوردنی ها ، حلال بودن است و هر چه حرام باشد ، خداوند بیان می کند . فصّل لکم ما حرّم

۵- احکام اسلام ، بن بست ندارد . الاّ ما اضطررتم الیه

۶- اضطرار ، تکلیف را ساقط می کند . الاّ ما اضطررتم الیه

۷- تکلیف های الهی ، متناسب با شرایط زمان ، مکان و توان انسان است . الاّ ما اضطررتم الیه

۸- استفاده از خوردنی های حرام ، در موارد اضطراری جایز است . الاّ ما اضطررتم الیه

۹- تعیین حلال و حرام ، بر پایه ی دستورات الهی است . حرّم علیکم

۱۰- جهل و هواپرستی ، از عوامل انحراف است . لیضلّون باءهوائهم بغیر علم

۱۱-

گمراه ساختن مردم ، تجاوز به حقوق جامعه است . اعلم بالمعتدین

آیه۱۲۰

آیه۱۲۰

۱۲۰- وَذَرُواْ ظَهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِینَ یَکْسِبُونَ الْإِثْمَ سَیُجْزَوْنَ بِمَا کَانُواْ یَقْتَرِفُونَ

و گناه آشکار و پنهان را رها کنید ، همانا کسانی که مرتکب گناه می شوند ، به زودی کیفر کارهایی را که مرتکب شده اند ، خواهند دید .

نکته ها

O چه در گذشته چه امروز ، مردم تنها از گناه آشکار هراس داشته و دارند .

O بعضی گفته اند مراد از گناهان پنهان ، گناهانی است که آثار آن پنهان است ، مثل غذاهای حرام که قساوت قلب می آورد .

پیام ها

۱- گناه ، جاذبه وکششی دارد که باید با اراده ی قاطع ، از آن دل کند . و ذروا ظاهر الاثم و باطنه

۲- اسلام ، هم به طهارت ظاهر توجّه دارد ، هم باطن ، هم باید از گناهان عملی دوری کرد و هم از گناهان قلبی ، مانند سوء ظنّ . ظاهر الاثم و باطنه

۳- کیفر الهی ، برای گناهانی است که با علم و عمد انجام می گیرد . انّ الّذین یکسبون الاثم

۴- گرچه شیطان وسوسه می کند ، امّا انسان با اراده گناه می کند . یکسبون الاثم

۵- قیامت و کیفر آخرت ، دور نیست . سیجزون

۶- کیفرهای الهی ، نتیجه ی عملکرد خود ماست . بما کانوا یقترفون

آیه۱۲۱

آیه۱۲۱

۱۲۱- وَلاَ تَاءْکُلُواْ مِمَّا لَمْ یُذْکَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّیَطِینَ لَیُوحُونَ إِلَی اءَوْلِیَائِهِمْ لِیُجَدِلُوکُمْ وَإِنْ اءَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّکُمْ لَمُشْرِکُونَ

و از آنچه نام خداونـد بر آن برده نشده ، نخورید ، چرا که خوردن آن فسق (و خروج از مدار بندگی) است . همانا شـیاطین ، به دوسـتان خود القا می کنند تا به جدال با شـما برخیزند (که مثلا چه فرقی است میان حیوان مرده یا ذبح شده) و اگر از آنان اطاعت کنید ، قطعاً شما هم مشرک می شوید .

نکته ها

O چون حرام خواری ، قساوت قلب می آورد و زمینه ی گناهان دیگر است ، اسلام آن را به شدّت منع کرده است .

O در آیه ۵ سوره ی مائده خواندیم که طعام اهل کتاب برای شـما حلال است . این آیه می گوید : گوشت هر حیوانی که نام خداوند بر آن برده نشود حرام است . از آنجا که اهل کتاب ، این شرط را رعایت نمی کنند ، پس گوشت حیوان آنها برای ما حرام است و مراد از طعام در آن آیه ، حبوبات و امثال آن است ، نه گوشت . (۲۳۶)

O وسوسه ی شـیاطین این گونه است که می گویـد : حیوان مرده را خدا کشـته و کشـته ی خدا بهتر از کشـته ی انسان است ! پس چرا حیوانِ مرده ، حرام ولی حیوانِ ذبح شده حلال است ؟ ! غافل از آنکه اجرای فرمان الهی مهم است و حیوان مرده ، به خاطر بیرون نیامدن خون های کثیف از بدنش ، معمولا بیماری هایی را همراه دارد . علاوه بر

آنکه مردن ، خود دلیل بیماری و ناسالم بودن حیوان است .

پیام ها

۱- مسلمان ، حتّی در مسائل تغذیه باید تعهّد دینی را مراعات کند . و لاتاءکلوا ممّا لم یذکر اسم اللّه علیه

۲- بردن نام خدا به هنگام ذبح ، تشریفات نیست ، بلکه حکمی لازم الاجراست و ترک آن ، فسق است . اِنّه لَفِسق

۳- هر کجا ناباوری بیشتر است ، تاءکید نیز لازم است . چون پذیرفتن شرایط حلال بودن ذبح ، برای مردم جاهل سنگین بود ، خداوند با چند تاءکید مسئله را مطرح کرد . انّه لفسق (جمله اسمیّه ، اِنّ وحرف لام ، نشان تاءکید است)

۴- انسان ، در اثر مصرف حرام ، زمینه ی پذیرش القائات شیطانی را پیدا می کند . و لا تاءکلوا . . . و انّ الشیاطین لیوحون

۵- شیطان ها ، قدرت وسوسه و القا دارند . انّ الشیاطین لیوحون

۶- وسوسه های شیاطین ، تنها در اولیای آنان نافذ است ، نه در اولیای خدا . لیوحون الی اءولیائهم

۷- پشتوانه ی جدال های انسان ، وسوسه ها وهوس هاست . لیوحون . . . لیجادلوکم

۸- جدال در احکام الهی ، از حربه ها و القائات شیطانی است . و انّ الشیاطین . . . لیجادلوکم

۹- جدال در احکام دینی ، انسان را به شرک می کشاند . لیجادلوکم . . . لمشرکون

۱۰- خداپرستانی که در عمل ، مطیع غیر خدا می باشند ، مشرکند . انّکم لمشرکون

آیه۱۲۲

آیه۱۲۲

۱۲۲- اءَوَمَنْ كَانَ مَيْتاً فَاءَحْيَيْنَهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُوراً يَمْشِى بِهِ فِى النَّاسِ كَمَن مَثَلُهُ فِى الظُّلُمَتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَ لِكَ زُيِّنَ لِلْكَفِرِينَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ

وآیا آنکه (به واسطه ی جهل و شرک) مرده بود ، پس

او را (با هدایت خویش) حیات بخشیدیم و برای او نوری (از ایمان) قرار دادیم که با آن در میان مردم راه خود را بیابد ، مَثَل او مَثَل کسی است که در ظلمت های (جهل و شرک) قرار دارد و از آن بیرون آمدنی نیست ؟ این گونه برای کافران ، کارهایی که می کردند جلوه داده شده بود .

نکته ها

O این آیه درباره ی ایمان آوردن حضرت حمزه ، عموی پیامبر نازل شده است ، که چون از اذیت و آزار ابوجهل نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و مکتب او آگاه شد ، به حمایت از پیامبر سراغ ابوجهل رفت و با مشت بر سر او کوبید . آنگاه گفت : من از امروز ، به محمّد ایمان می آورم .

از آن پس تا زمان شهادت ، یک افسر رشید و با ایمان برای اسلام بود .

O در تعابیر قرآنی ، مرگ ، هم بر مرحله قبل از نطفه گفته شده است : کنتم امواتا فاءحیاکم (۲۳۷) هم به گمراهی : اءوَ مَن کان میتا هم به منطقه ی بی گیاه و خشک : فسقناه الی بلد میّت (۲۳۸) هم به مرگ موقّت : فقال لهم اللّه موتوا ثمّ اءحیاهم (۲۳۹) و هم به مرگ حقیقی : انّک میّت و انّهم میّتون (۲۴۰) .

O امام باقر علیه السلام فرمود : نوری که در میان مردم راه را از چاه نشان می دهد ، امام و رهبر آسمانی است . (۲۴۱)

پیام ها

۱- حیات و مرگ واقعی انسان ، ایمان و کفر اوست . میتا فاءحییناه

۲- ارشاد و هدایت ، کار خداست ، هر چند خود انسان زمینه ی هدایت را فراهم می کند . فاءحییناه

۳- استفاده از تمثیل ، سؤ ال و مقایسه ، در تبلیغ و تربیت مؤ ثّر است . اءومن کان . . . کمن مثله . . .

۴- مؤ من ، هرگز به بن بست نمی رسد . او در جامعه هم بینش دارد و هم حرکت

. نورا یمشی به فی النّاس

۵- وقتی نور نباشد ، ظلمت ها انسان را فرامی گیرد . فی الظلمات لیس بخارج منها

۶- حقّ ، یکی وباطل بسیار است . (کلمه ی نور مفرد آمده ، ولی کلمه ی ظلمات جمع آمده است)

۷- جز نور ایمان وهدایت الهی ، برای بشر نجات بخشی نیست . لیس بخارج منها

۸- زیبا پنداشتن اعمال ، مانع رشد و خروج انسان از تاریکی است . لیس بخارج منها کذلک زیّن للکافرین

۹- کارهای انسان بی ایمان ، در دید و تفکّر او مؤ ثّر است . کذلک زیّن لکافرین ما کانوا یعملون

۱۰- کارهای پر جاذبه ، کفّار (مثل ابتکارات و اختراعات و تکنولوژی و تمـدّن) ، چنان برای آنان جلوه کرده که نمی گذارد انحرافات و سقوط انسانیّت خود را درک کنند . زیّن للکافرین ما کانوا یعملون

آیه۱۲۳

آیه۱۲۳

۱۲۳- وَکَذَ لِکَ جَعَلْنَا فِی کُلِّ قَرْیَهٍ اءَکَبِرَ مُجْرِمِیهَا لِیَمْکُرُواْ فِیهَا وَمَا یَمْکُرُونَ إِلا بِاءَنْفُسِهِمْ وَمَا یَشْعُرُونَ

و مـا این گونه در هر دیاری مجرمان بزرگش را می گماریم تا در آن قریه ها و مناطق ، حیله (و فسق و فساد) کننـد ، امّا جز به خودشان نیرنگ نمی کنند ولی نمی فهمند (که نتیجه ی حیله ، به خودشان باز می گردد) .

نکته ها

O در شاءن نزول آیه ی قبل ، به جنگ و ستیز ابوجهل با پیامبر اسـلام اشاره شـد ، این آیه می فرماید : وجود ابوجهل ها ، چیز تازه ای نیست و همیشه و همه جا در مقابل دعوت های حقّ ، چنین مهره های فاسدی بوده است . و کذلک

پیام ها

۱- سنّت الهی ، پاسخ دادن به مکر و حیله های دشمنان است . و کذلک

۲- تلاش های خوبان و بدان ، همه در مدار قدرت الهی است . جعلنا . . . مجرمیها

(هم در این آیه که مربوط به مجرمان است و هم در آیه قبل که درباره مؤ منین بود کلمه ی جعلنا بکار رفته است)

۳- رهبران فاسد و مفسد ، ریشه ی فساد جامعه اند . اکابر مجرمیها لیمکروا فیها

۴- مکر و تزویر ، حربه ی رهبران مفسد است . لیمکروا

۵- از دست دادن صفا و صداقت و گرفتار شدن به قهر الهی ، بزرگ ترین ضربه ای است که حیله گران به خود می زنند . ما یمکرون الّا باءنفسهم

۶- بدتر از بیماری ، جهل به بیماری است و بدتر از حیله ، ندانستن اینکه آثار سوء آن به حیله گر برمی گردد . ما یشعرون

آیه۱۲۴

آیه۱۲۴

۱۲۴- وَإِذَا جَاءَتْهُمْ ءَايَةٌ قَالُواْ لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا اءُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ اءَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ اءَجْرَمُواْ صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدُ بِمَا كَانُوا يَمكُرُونَ

ون آیه و نشانه ای (از سوی خدا برای هدایت آنان) نازل شد گفتند : ما هرگز ایمان نمی آوریم تا آنکه به ما هم مثل آنچه به فرستادگان خدا داده شد ، داده شود ، (بگو :) خداوند بهتر می داند که رسالت خود را کجا (و نزد چه کسی) قرار دهد . به زودی به آنها که گناه کردند ، به سزای آن مکر ونیرنگ ها که می کردند ، خواری و عذاب سخت از نزد خداوند خواهد رسید .

نکته ها

O در شاءن نزول آیه گفته اند که ولیدبن مغیره ، مغز متفکّر کفّار ، می گفت : چون سن وثروت من بیش از محمّد صلی الله علیه و آله است ، پس باید به من هم وحی شود . البتّه چنین حرفی از ابوجهل هم نقل شده است .

O درباره ی جمعی از سران کفر که در جنگ بدر کشته شدند ، وعده ی الهی عملی شد و ذلّت به آنان رسید .

پیام ها

۱- سردمداران قدرتمند ، به دلیل خود برتربینی ، استکبار نموده ودعوت اسلام را نمی پذیرند . قالوا لن نؤ من حتّی نؤ تی مثل ما اوتی

۲- ملاک گزینش های الهی ، علم او به شایستگی هاست . اللّه اءعلم

۳- نتیجه ی استکبار در برابر حقّ ، ذلّت و خواری است . لن نؤ من . . . سیصیب الّذین اجرموا صغار عند اللّه

آیه۱۲۵

آیه۱۲۵

۱۲۵- فَمَنْ يُرِدِ اللّهُ اءَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَمِ وَمَن يُرِدْ اءَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقاً حَرَجاً كَاءَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِى السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ

خداوند هرکه را بخواهد هدایت کند ، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام می گشاید و هر که را (به خاطر اعمال وخصلت های خلافش) بخواهد گمراه کند ، سینه اش را (از پذیرفتن ایمان) سخت قرار می دهد ، گویا به زحمت در آسمان بالا می رود . خداوند این چنین پلیدی (کفر) را بر کسانی که ایمان نمی آورند قرار می دهد .

نکته ها

O رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : نشانه ی شرح صدر چند چیز است : الانابه الی دارالخلود والتجافی عن دار الغرور والاستعداد للموت قبل نزول الفوت توجّه و گرایش خاضعانه به سوی آخرت و دوری از دنیای حیله گر و آمادگی برای مرگ قبل از آنکه فرصت را از دست بدهد . (۲۴۲) امام سجاد علیه السلام نیز در شب ۲۷ رمضان دعایی را که متضمّن همین خواسته است ، مکرّر می خواند . (۲۴۳)

O مراد از هدایت و ضلالت الهی ، فراهم کردن اسباب هدایت برای شایستگان و از بین بردن اسباب ، برای نااهلان است .

O منظور از صدر ، روح و دل است . مراد از شرح صدر ، گسترش افق عقل و فکر بلندی روح ، برای پذیرش حقّ و هدایت است و این نیازمند گذشتن از هوسها و تمنیات دل است . آنکه شرح صدر نداشته باشد ، همواره در لاک خود می ماند و بیرون نمی آید . نتیجه

ی شرح صدر ، بصیرت و نورانیّت همراه با قلب رقیق و حقّپذیر است .

O این آیه یکی از معجزات علمی قرآن است که عوارض صعود به آسمان را بیان کرده و می فرماید : کسی که حاضر به پذیرش حقّ نگردد ، روحش تنگ و کم ظرفیت می شود ، همانند کسی که می خواهد به آسمان برود که به علّت سنگینی و فشردگی هوا و نبود اکسیژن ، سینه اش تنگ و تنفّسش سخت می شود .

O امام رضا علیه السلام فرمود : نشانه ی سعه صدر ، تسلیم خدا بودن ، اطمینان به او داشتن و دلگرم شدن به وعده های الهی است و نشانه ضیق صدر ، تردید و اضطراب است . (۲۴۴)

O از سنّت های الهی آن است که برای پاکدلان حقّپذیر ، شرح صدر قرار دهد و لجوجانِ گریزان از ایمان را گرفتار سلب توفیق و رجس سازد .

O حضرت موسی همین که ماءمور تبلیغ شد ، در اوّلین دعای خود از خداوند خواست : ربّ اشرح لی صدری (۲۴۵) ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون درخواست ، خداوند به او سعه ی صدر عطا کرد . اءلم نشرح لک صدرک (۲۴۶) .

پیام ها

۱- قبول حق ، ظرفیّت و زمینه درونی می خواهد . یشرح صدره للاسلام

۲- شرح صدر ، موهبتی الهی است . یشرح صدره للاسلام

۳- خروج از مدار فطرت و عقل ، عامل خفقان و تنگی روح و روان می گردد . یصّعّد فی السماء

۴- منحرفان هر چند به ظاهر ، خود را در گشایش و آرامش ببینند ، ولی در واقع گرفتار تنگناها

و فشارند . ضیّقا حرجا

۵- بی حوصلگی و کم ظرفیّتی ، نوعی رجس و پلیدی روح است . یجعل صدره ضیّقا . . . الرِّجس

۶- کسی که به حقّ ایمان نیاورد ، به تدریج آلوده می شود . کذلک یجعل اللّه الرِّجس علی الّذین لایؤ منون

آیه۱۲۶

آیه۱۲۶

۱۲۶- وَهَذَا صِرَطُ رَبِّکَ مُسْتَقِیماً قَدْ فَصَّلْنَا الْأَیَتِ لِقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ

و این راه پروردگار تو است که مستقیم است ، قطعاً ما آیات خود را برای قوم و گروهی که پند می پذیرند به تفصیل بیان کرده ایم .

نکته ها

O کلمه ی هذا ، ممکن است اشاره به کلمه ی اسلام باشد که در آیه ی قبل آمده بود .

پیام ها

۱- جز راه خدا ، راه های دیگر بیراهه است . وهذا صراط ربک مستقیماً

۲- برای تذکر ، تفصیل و تنوع و تکرار لازم است . فصّلنا . . . یذّکرون

۳- خداوند ، حجت را بر همه تمام کرده است ، اگر اهل توجّه باشند ، آیات و نشانه های حق ، با بیان های مختلف روشن شده است . لقوم یذکرون

۴- توجّه دائمی به تذکّرات الهی ، راه دستیابی به صراط مستقیم است . هذا صراط ربّک . . . لقوم یذّکّرون

آیه۱۲۷

آیه۱۲۷

۱۲۷- لَهُمْ دَارُ السَّلَمِ عِنْدَ رِبِّهِمْ وَهُوَ وَلِیُّهُمْ بِمَا کَانُواْ یَعْمَلُونَ

سرای سلامت نزد پرردگارشان ، تنها برای آنان است و او به پاداش اعمالی که انجام می دادند ، سرپرست و پشتیبان و دوست آنان است .

پیام ها

۱- در بهشت ، خشونت ، رقابت ، حسرت ، تهمت ، حسد ، کینه ، دروغ ، اندوه و هیچ گونه مرگ و مرض و فقر راهی ندارد . دار السّلام

۲- برتر از نعمت امنیّت و سلامت ، در سایه ی لطف مخصوص پروردگار بودن است . دار السّلام عند ربّهم

۳- خداوند خود امور رهروان راه مستقیم را به عهده دارد . و هو ولیّهم

۴- رسیدن به ولایت الهی ، در سایه ی عمل و تلاش انسان است . و هو ولّیهم بما کانوا یعملون

آیه۱۲۸

آیه۱۲۸

۱۲۸-سْتَکْثَرْتُم مِنَ الاْنْسِ وَقَالَ اءَوْلِیاؤُهُم مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَ بَلَغْنَا اءَجَلَنَا الَّذِی اءَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَیکُمْ خَلِدِینَ فِیهَا إِلا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّکَ حَکِیمٌ عَلِیمٌ

(به یاد آورید) روزی که خداوند ، همه آنان را گرد می آورد (سپس به جِنّیان خطاب می فرماید :) ای گروه جنّ ! از انسان ها (پیروان) بسیاری یافتید . و دوستان ایشان از نسل بشر گفتند : پروردگارا ! ما انسان ها و شیاطین از یکدیگر بهره گرفتیم و اینک به سرانجامی که برایمان قرار داده بودی رسیدیم . خداوند می فرماید : آتش جایگاهتان است که همیشه در آن خواهید بود ، مگر آنکه خداوند بخواهد (که گروهی از شمارا ببخشاید) . همانا پروردگار تو حکیم و داناست .

نکته ها

O در آیات قبل ، به کارهای شیاطین و وسوسه هایشان اشاره شد ، در اینجا سرنوشت وسوسه پذیری از شیاطین را که دوزخ است ، بیان می کند . ضمنا به گفته قرآن ، شیطان از جنّ است و جنّی که مردم را گمراه کرده همان شیطان است .

پیام ها

۱- به عاقبت کار خود بیندیشیم . ویوم (هر کجا کلمه یوم در آغاز آیه بکار رفته ، مراد یادآوری چنین روزی است .)

۲- جنّ ، مکلّف و مختار است و مورد خطاب و توبیخ وکیفر و پاداش قرار می گیرد . یا معشر الجنّ

۳- شیطان ، به گمراه کردن گروه کم راضی نیست و گروه زیادی از انسان ها را منحرف کرده است . قد استکثرتم من الانس در آیه ای دیگر می فرماید : ولقد اضلّ منکم جبلّا کثیرا اءفلم تکونوا تعقلون (۲۴۷)

۴- دادگاه قیامت ، علنی است . یحشرهم ، یا معشر الجنّ

۵- در قیامت ، جنِّ اغواگر پاسخی در برابر توبیخ ندارد و تنها پیروان انسانی او سخن می گویند . یا معشر الجنّ . . . قال اولیاؤ

هم من الانس

۶- بهره گیری انسان و جنّ از یکدیگر طرفینی است . استمتع بعضنا ببعض

۷- در قیامت ، انسان و جنّ ، یکجا جمع و محشور می شوند . جمعیا

۸- پیروی از وسوسه های شیطانی ، به تدریج انسان را به ولایت پذیری از او وامی دارد . اولیاؤ هم

۹- همه ی منحرفان ، کیفر یکسان ندارند و باقی ماندن در آتش ، وابسته به اراده ی خداوند است . الاّ ماشاء اللّه

۱۰- احکام دادگاه الهی ، بر مبنای علم

و حکمت است . حکیم علیم

آیه۱۲۹

آیه۱۲۹

۱۲۹- وَكَذَ لِكَ نُوَلِّى بَعْضَ الظَّلِمِينَ بَعْضاً بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ

و بدین گونه بعضی ستمگران را بر بعضی مسلّط می کنیم ، (تا کیفری باشد) برای آنچه عمل می کردند .

نکته ها

O در آیه ۱۲۷ خواندیم که سرپرست آنان که به راه مستقیم می روند ، تنها خداست . در این آیه می خوانیم که سرپرست گروهی از مردم به خاطر عملکردشان ستمگرانند .

O طبق روایات ، کیفر ترک کنندگان امر به معروف و نهی از منکر ، متخلّفان از ادای خمس و زکات و یاری کنندگان به ظالمان ، تسلّطِ ستمگران بر آنان است . (۲۴۸) در حدیث می خوانیم : هر گاه خداوند از کار قومی راضی باشد ، کارشان را به نیکان می سپارد و اگر ناراضی باشد ، کارشان را در دست بدان قرار می دهد . (۲۴۹)

پیام ها

۱- همان گونه که شیاطینِ جنّ بر انسان مسلّط می شوند ، برخی از ظالمان نیز بر بعضی دیگر تسلّط می یابند . کذلک

۲- کام جویی های حرام ، زمینه ساز حکومت های باطل و سلطه ی ظالمان است . استمتع بعضنا ببعض . . . نولّی بعض الظالمین بعضا

۳- تنها حاکمان ظالم نیستند ، محکومانِ ترسو و ساکت و عیاش هم ظالمند . بعض الظالمین بعضاً

۴- سبب سلطه ی ستمگران ، رفتار خود مردم است . نُولّی . . . بما کانوا یکسبون

آیه۱۳۰

آیه۱۳۰

۱۳۰-لِاْنسِ اءَلَمْ يَاءْتِكُمْ رُسُلٌ مِنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَتِى وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُواْ شَهِدْنَا عَلَى اءَنفُسِنَا وَ غَرَّتْهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُواْ عَلَى اءَنْفُسِهِمْ اءَنَّهُمْ كَانُواْ كَفِرِينَ

در قیامت به آنان گفته می شود :) ای گروه جنّ و انس ! آیا پیامبرانی از خودتان به سویتان نیامدند تا آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از دیدار این روز بیمتان دهند ؟ گویند : ما علیه خودمان گواهی می دهیم و زندگی دنیا آنان را فریب داد و

بر علیه خود شهادت دادند که کافر بوده اند .

نکته ها

O از آیات قرآن استفاده می شود که حضرت محمّد صلی الله علیه و آله ، برای جنّ نیز فرستاده شده و آنان نیز قرآن را می فهمند ، گروهی هم ایمان می آورند . (۲۵۰) به گفته ی برخی مفسّران (مثل آلوسی ، قرطبی ، طبرسی و سیّد قطب) رسولان جنّ ، وحی را از طریق رسولان انس دریافت کرده و به نژاد خود می رسانند . زیرا کلمه ی رسول به غیر انسان هم گفته می شود ، مثل : اللّه یصطفی من الملائکه رسلاً(۲۵۱)

O در این آیه ، دو اقرار از سوی کافران آمده است ، یکی گواهی به آمدن پیامبران ، دوّم اعتراف به کفر خویش .

O مواقف در قیامت مختلف است ؛ گاهی در موقفی کفّار ابتدا انحراف خود را انکار می کنند ، مثل آیه ۲۳ همین سوره : واللّه ربّنا ما کنّا مشرکین ، آنگاه که فهمیدند قیامت جای انکار نیست ، به گناه خود اعتراف می کنند .

پیام ها

۱- جنّ و انس هر دو مکلف به پذیرش دعوت انبیایند و رسولان برای هر دو نژاد آمده اند . الجنّ والانس

۲- انذار ، قوی ترین اهرم تربیت و وظیفه ی مهم پیامبران است . و ینذرونکم

۳- قوی ترین ضامن اجرای احکام الهی برای اصلاح فرد وجامعه ، ایمان به معاد است . ینذرونکم لقاء یومکم هذا

۴- قیامت ، جای کتمان وانکار نیست ، لذا انسان ها علیه خود اقرار می کنند . شهدوا علی انفسهم

۵- دنیاخواهی ، عامل بی اعتنایی به دعوت های انبیاست . غرّتهم الحیاه . . . (فریفته شدن به دنیا ، موجب فراموشی

آخرت است .)

۶- علاقه ی افراطی به دنیا ، انسان را به کفر می کشاند . غرّتهم الحیاه الدنیا . . . انهم کانوا کافرین

آیه۱۳۱

آیه۱۳۱

۱۳۱- ذَلِکَ اءَن لَمْ یَکُن رَبُّکَ مُهْلِکَ الْقُرَی بِظُلْمٍ وَاءَهْلُهَا غَفِلُونَ

این (اتمام حجّت و هشدار) برای آنست که پروردگارت هرگز از روی ستم ، آبادی هایی را که اهلش (از شناخت حقّ) غافلند نابود نمی کند . (خداوند ابتدا مردم را از غفلت و جهل بیرون می آورد و با پیامبرانش به آنان هشدار می دهد و سپس اگر قبول نکردند هلاکشان می کند) .

نکته ها

O سنّت خداوند آن است که راه حقّ را با فرستادن انبیا و هشدارهای مختلف به مردم نشان می دهد و حقایق را بیان کرده ، اتمام حجّت می کند . در آن صورت اگر بی اعتنایی کردند ، کیفر می دهد . این قانون و سنّت کلّی در آیات متعدّدی مطرح شده است ، از جمله : و ما اءهلکنا من قریه الاّ لها منذرون (۲۵۲) ما هیچ قریه ای را هلاک نکردیم مگر آنکه مردم آنجا بیم دهندگانی داشتند . و ما کنّا معذّبین حتّی نبعث رسولاً(۲۵۳) ما تا پیامبری نفرستیم ، عذاب نمی کنیم .

پیام ها

۱- کیفردادن گناهکار ، از شئون ربوبیّت خداوند است . ربّک مهلك القری

۲- عقاب بدون بیان وهشدار ، ظلم و قبیح است . مهلك القُری بظلمٍ و اهلها غافلون

آیه۱۳۲

آیه۱۳۲

۱۳۲- وَلِکُلٍّ دَرَجتٌ مِمَّا عَمِلُواْ وَمَا رَبُّکَ بِغَفِلٍ عَمَّا یَعْمَلُونَ

و برای هر کس بر اساس آنچه انجام داده اند درجاتی است ، و پروردگار تو از آنچه می کنند غافل نیست .

نکته ها

O مراد از درجات در این آیه ، درجاتِ رشد نیست ، بلکه شامل درکاتِ سقوط نیز می شود .

پیام ها

۱- خداوند ، عادل است و مرتبه ی هر کس را طبق عملکرد خود او قرار می دهد . درجاتٌ ممّا عملوا

۲- سعادت و شقاوت انسان ، بسته به اعمال اوست . ممّا عملوا

۳- انسان باید بهوش باشد ، زیرا تحت نظر خداست . و ما ربّک بغافل عمّا یعملون

آیه۱۳۳

۱۳۳- وَرَبُّکَ الْغَنِیُّ ذُو الرَّحْمَهِ إِنْ یَشَأْ یُذْهِبْکُمْ وَیَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِکُمْ مَا یَشَاءُ کَمَا اءَنْشَاءَکُم مِن ذُرِیَّهِ قَوْمٍ ءَاخَرِینَ

و پروردگار تو بی نیاز و صاحبِ رحمت است . اگر بخواهد ، شما را می برد و پس از شما هر که را بخواهد جایگزین می کند ، همان گونه که شما را از نسل قوم دیگری پدید آورد .

آیه۱۳۴

آیه۱۳۴

۱۳۴- إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا اءَنْتُمْ بِمُعْجِزِینَ

به راستی آنچه وعده داده می شوید ، آمدنی است و شما نمی توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از کیفر و عدل او بگریزید) .

پیام ها

۱- تنها خداوند بی نیاز مطلق است ، پس هرگز خود را بی نیاز نبینیم . ربّک الغنی در جای دیگر می فرماید : یا اءیّها النّاس اءنتم الفقراء الی اللّه واللّه هو الغنیّ الحمید(۲۵۴) ای مردم ! همه شما نیازمند خدایید و تنها اوست که بی نیاز وستوده است .

۲- گناهکاران ، باید در همین دنیا هم بترسند ، زیرا محو آنان توسط قدرت الهی بسیار ساده است . یذهبکم

۳- ریشه ی ظلم (که در دو آیه قبل آمده بود) ، یا نیاز است ، یا سنگدلی و هیچ یک از این دو در خدا وجود ندارد . الغنیّ ذوالرّحمه

۴- شرط مربّی خوب ، بی نیازی و عطوفت است . ربّک الغنیّ ذو الرّحمه

۵- بقای اجتماعات بشری ، به مشیّت الهی بستگی دارد . اِن یشاء یذهبکم

۶- بود و نبود انسان ها ، نفع و زیانی برای خداوند ندارد . الغنیّ . . . اِن یشاء یذهبکم

۷- خداوند از عبادات ما بی نیاز است ، دستورهای عبادی ، عامل رشد خودماست . الغنیّ

۸- رحمت خداوند ، فراگیر است ، ولی گاهی بشر کار را به جایی می رساند که خداوند همه را نابود می کند . ذوالرّحمه . . . یذهبکم

۹- وعده های الهی قطعی است ، نه شوخی . انّ ما توعدون لآت

۱۰- مجرم در قیامت نمی تواند با قدرت الهی در افتد . و ما انتم بمعجزین

آیه۱۳۵

آیه۱۳۵

۱۳۵- قُلْ يَقَوْمِ اعْمَلُواْ عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ عَقِبَهُ الْدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّلِمُونَ

بگو : ای قوم من ! بر جایگاه و سیرت خویش عمل کنید که من نیز (بر

اساس سیرت خویش) عمل می کنم و به زودی خواهید دانست که سرانجام آن سرای از کیست ، همانا ستمکاران رستگار نمی شوند .

پیام ها

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، چون به راه خود یقین دارد ، ماءمور است در برخوردهای خود ، ثبات و قاطعیّت خود را به دیگران اعلام کند . قل یا قوم اعملوا علی مکانتکم انّی عامل . . .

۲- سرپیچی مردم ، وظیفه ی پیامبران را عوض نمی کند . انّی عامل

۳- سرنوشت مردم ، وابسته به عملکرد خودشان است . اعملوا . . . فسوف تعلمون

۴- ملاک موفقیّت ، حسن عاقبت و سرانجام کار است ، نه جلوه ها و تلاشهای زودگذر . عاقبه الدّار

۵- ظالم ، رستگار نمی شود . انّه لا یفلح الظالمون

۶- سرپیچی از راه خدا و انبیا ظلم است . الظالمون

آیه۱۳۶

آیه۱۳۶

۱۳۶-لِلَّهِ مِمّا ذَرَاءَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَم نَصِیباً فَقَالُواْ هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

و (بت پرستان) از آنچه خداوند از کشت و چهارپایان آفریده است ، سهمی را برای خدا قرار دادند و به پندار خودشان گفتند : این قسمت برای خداست و این قسمت برای (بت هایی که هم) شریکان (خدایند ، هم شریک اموال) ما پس آنچه سهم شرکا و بت ها بود به خدا نمی رسید ، ولی هرچه سهم خدابود به شرکا می رسید ، چه بد است آنچه داوری می کنند !

نکته ها

O آنان که از مدار تربیت انبیا بیرون رفته و به وادی خیال می روند ، حرف ها و تصمیم هایشان نیز خیالی و بی منطق است و خود را مالک همه چیز می دانند و تقسیم بندی می کنند . یکبار پسران را سهم خود و دختران را سهم خدا می دانند . الکم الذکر و له الانثی (۲۵۵) یکبار هم غلات و حیوانات را بین خدا و بت ها تقسیم می کنند . مشرکان می پنداشتند سهم بت ها غیر قابل تغییر است و آن را خرج بتکده ها و خدمه آنها می کردند ، و سهم خدا را نیز به این بهانه که خدای آسمان ها بی نیاز است ، هنگام کم و کسر آمدن ها خرج بتخانه ها می کردند . نه خرج کودکان ، فقرا و مهمانان .

پیام ها

۱- در کشاورزی و دامداری ، گرچه انسان نقش دارد ، امّا زارع و خالق اصلی خداست . للّه ممّا ذراء در آیه ای دیگر می فرماید : ءانتم تزرعونه اءم نحن الزّارعون (۲۵۶)

۲- قانون زکات و تقسیم درآمد و منافع ، در عقائد انسان های قبلی نیز بوده است ، هر چند به صورت خرافی . هذا للّه . . . لشرکائنا

۳- مشرکان با آنکه بت ها را شریک خدا می پنداشتند ، ولی برای خداوند موقعیّت ویژه ای از عزّت و غنا قائل بودند و تلفات را از سهم خدا کم می کردند و می گفتند : او نیازی ندارد . ما کان للّه فهو یصل الی شرکائهم

۴- رسالت انبیا ، مبارزه با خرافات است . ساء ما یحکمون

آیه۱۳۷

آیه۱۳۷

۱۳۷- وَکَذَلِکَ زَیَّنَ لِکَثِیرٍ مِنَ الْمُشْرِکِینَ قَتْلَ اءَوْلَدِهِمْ شُرَکَاؤُهُمْ لِیُرْدُوهُمْ وَلِیَلْبِسُواْ عَلَیْهِمْ دِینَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا یَفْتَرُونَ

و بدین سان (بت ها و خادمان بت ها که) شریکان آنها (در اموالشان محسوب می شدند ،) کشتن فرزند را برای بسیاری از مشرکان (به عنوان قربانی برای بت ها) زیبا جلوه دادند تا آنان را به هلاکت کشیده و آیین آنان را مشتبه سازند . و اگر خداوند می خواست چنین نمی کردند (و به اجبار جلو آنان را می گرفت) ، پس آنان را با دروغ هایی که می بافند واگذار .

نکته ها

O همان گونه که تقسیم کشت و دام ، میان خدا و شریکان ، در نظر مشرکان جلوه داشت ، عشق به بت و فرزندکشی در پای بت را هم وسوسه های شیطانی در نظرشان آراسته بود .

O یُردُوهُم : از ارداء به معنای هلاک کردن است .

O مشرکان یا می گویند : دختر ننگ است و زنده به گورش می کنند ، اءیمسکه علی هون (۲۵۷) یا می گویند : خرجی ندارم و باید نابود شود ، خشیه املاق (۲۵۸) یا آن را نوعی قرب به بت ها می دانند ، که همه ی اینها نوعی تزیین است .

پیام ها

۱- بینش غلط و خرافی ، سبب می شود که انسان ، فرزند خود را پای بت سنگی و چوبی قربانی کرده و به آن افتخار نماید . زَیَّن . . . قتل اءودلاهم

۲- مجرمان ، حتّی برای فرزندکشی هم توجیه درست می کنند تا روان و وجدان خود را آرام کنند . زَیَّن

۳- در انتقاد ، انصاف را مراعات کنیم . لکثیر من المشرکین نه آنکه همه چنین اند .

۴- توجیه گناه و آراستن زشتی ها ، عامل هلاکت و سقوط است . زَیَّن . . . لیُردُوهم

۵- خرافه گرایی ، سبب التقاط و آمیختگی دین با شبهات است . ولیلبسوا

۶- پیامبر ، مسئول ابلاغ است نه اجبار ، اگر مردم گوش نکردند ، آنان را رها کرده و به سراغ دل های آماده می رود . فذرهم

۷- افکار و رفتار منحرفان ، نباید حقّجویان را دلسرد کند . فذرهم و ما یفترون

۸- شریک پنداشتن برای خداوند ، افترا به اوست . فذرهم و

ما یفترون

آیه۱۳۸

آیه۱۳۸

۱۳۸- وَقَالُواْ هَـذِهِ اءَنْعَمٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لاـ يَطْعَمُهَـا إِلاـ مَن نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَاءَنْعَمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَاءَنْعَمٌ لاَ يَـذْكُرُونَ اسْمَ اللّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهم بِمَا كَانُواْ يَفْتَرُونَ

و مشـرکان (به پندار خویش) گفتند : اینها ، دام ها و کشت هایی ممنوع است ، کسی نخورد مگر آن (خادمین بتکده ها) که مـا بخواهیم . و چهارپایـانی است که (سوار شـدن بر) پشت آنهـا حرام است و چهارپایانی که نام خـدا را (هنگام ذبـح) بر آن نمی برنـد (این احکام را) به دروغ به خـدا نسبت می دادنـد . خداونـد به زودی آنان را به کیفر آنچه به او افترا می بسـتند جزا خواهد داد .

نکته ها

O حِجْر بـه معنـای منع است و تحجیر یعنی منطقه ای را سـنگ چین کردن و مـانع شـدن از ورود دیگران برای تصـاحب آن . حِجر اسـماعیل نیز جایی است که با دیوار سـنگی جـدا شده است . عقل را هم حِجر گویند ، چون انسان را از زشتی ها باز می دارد . هل فی ذلک قسم لِذی حِجر(۲۵۹)

O در دو آیه ی قبـل ، عقائـد خرافی مشـرکان درباره ی سـهم خـدا و بت ها از کشاورزی و چهارپایان مطرح بود . در این آیه چگونگی مصرف سهم بت ها بیان شده که احدی حقّ استفاده ندارد ، مگر خادمین بت ها و بتکده ها .

O بـا توجّه به این آیه ، مشـرکان چهـار انحراف داشـتند : ۱ ممنوع شـمردن بعضـی از چهارپایان . ۲ ممنوع شـمردن بعضی از محصولات کشاورزی . ۳ ممنوع کردن سواری برخی از چهارپایان . ۴ نبردن نام خدا به هنگام ذبح

حیوانات .

O قرآن ، هدف آفرینش چهار پایان را سوار شدن بر آنها و مصرف از گوشت آنها می داند : جعل لکم الانعام لترکبوا منها و منها تاءکلون (۲۶۰) و تحریم بهره برداری از چهارپایان را ، از بدعت های جاهلی می شمرد که در آیه ۱۰۳ سوره ی مائده نیز بیان شده است .

O اسلام ، آیین جامعی است که حتّی انحراف در بهره گیری از حیوانات را هم تحمّل نمی کند . وقتی قرآن ، از بی مصرف ماندن حیوان وتحریم سوارشدن بر آن نکوهش می کند ، به طریق اولی از بی مصرف ماندن انسان ها ، منابع ، سرمایه ها واستعدادها بیشتر نکوهش می کند .

پیام ها

۱- احکام دین باید منسوب به خدا باشد ، نه بر پایه ی گمان ، خیال ، قیاس و استحسان . قالوا . . . بزعمهم . . . افتراءً علیه

۲- مبارزه با خرافات ، یکی از وظایف اصلی پیامبران است . افتراء علیه سیجزیهم

۳- تحریم حلال ها و تحلیل حرام ها ، افترا بر خداست . هذه انعام و حرث حجر . . . افتراء

۴- بدعت گذاران ، در انتظار کیفر قوانین موهوم خود باشند . سیجزیهم

آیه۱۳۹

آیه۱۳۹

۱۳۹- وَقَالُواْ مَا فِى بُطُونِ هـذِهِ الْأَنْعَمِ خَالِصَةً لِذُکُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى اءَزْوَجِنَا وَإِن يَكُن مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

و (از دیگر عقائد خرافی مشرکان ، این بود که می)گفتند : آنچه در شکم این چهارپایان (نذر شده برای بت ها) است ، (اگر زنده به دنیا آید) مخصوص مردان ماست و بر زنان ما حرام است و اگر مرده به دنیا آید ، پس همه (زن و مرد) در آن شریکند ، خداوند به زودی آنان را به سزای این گونه توصیف های باطل کیفر خواهد داد . همانا او حکیم و داناست .

نکته ها

O آشنایی با خرافات دوران جاهلیّت ، انسان را با زحمات رسول خدا برای هدایت آنان آشنا ساخته ، روح قدرشناسی را در انسان ، زنده و شکوفا می کند .

پیام ها

۱- تبعیض بی جا میان زن و مرد ، عملی جاهلی و مطرود است . خالصه لذکورنا و محرّم علی ازواجنا

۲- در جاهلیّت ، تحقیر زن تا آن حد بود که در برخی موارد از حیوان سالم بهره ای نداشت و فقط در گوشت حیوان مرده شریک بود . شرکاء

۳- جزا و کیفر الهی ، بر اساس علم و حکمت اوست . سیجزیهم . . . حکیم علیم

آیه۱۴۰

آیه۱۴۰

۱۴۰- قَدْ خَسِرَ الَّذِینَ قَتَلُواْ اءَوْلَدَهُمْ سَفَهاً بِغَیْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُواْ مَا رَزَقَهُمُ اللّهُ افْتِرَاءً عَلَی اللّهِ قَدْ ضَلُّواْ وَمَا کَانُواْ مُهْتَدِینَ

به یقین زیان کردند کسانی که فرزندان خود را سفیهانه و از روی جهل کشتند ، و آنچه را خداوند روزی آنان ساخته بود با افترا بر خدا حرام کردند ، آنان گمراه شدند و هدایت یافته نبودند .

نکته ها

O ابن عباس از بزرگان صدر اسلام می گوید : هر که می خواهد میزان جهالت اقوام دوران جاهلی را بداند ، همین آیات سوره ی انعام که بیانگر خرافات و اعتقادات بی اساس مشرکان است ، را بخواند . (۲۶۱)

O جاهلان عرب ، به گمان تقرّب به بت ها ، یا به جهت حفظ آبرو ، دختران خود را گاهی قربانی بت ها یا زنده به گور می کردند .

پیام ها

۱- جهالت و سفاهت ، عامل خسارت است . (خسارت هایی چون : از دست دادن فرزند ، از دست دادن عاطفه ، فقدان نعمت های حلال ، کسب دوزخ و کیفر الهی) . قد خَسر

۲- خسارت واقعی ، فدا شدن انسان در راه باطل است . (چه قربانی بت شدن ، چه فدای خیال و غیرت نابجا) قد خَسر

۳- تحریم نابجای حلال ها ، افترا بر خداوند است . وحرّموا ما رزقهم اللّه افتراء

۴- انجام هر کاری و تحریم هر چیزی ، یا دلیل شرعی می خواهد یا عقلی . بغیر علم افتراء علی اللّه

۵- با خرافات ، با شدیدترین وجه مقابله وبرخورد کنیم .

آیه۱۴۱

آیه۱۴۱

۱۴۱-و هو الـذی انشا جنت معروشت وَغَیْرِ معْرُوشَتٍ وَالنَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفاً أُکُلُهُ وَالزَّیْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَـبِهاً وغَیْرَ مَتَشَـبِهٍ کُلُواْ مِن ثَمرِهِ إِذَا اءَثْمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُ یَوْمَ حَصَادِهِ وَ لاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ

و اوست کسـی که به وجود آورد باغهـایی بـا داربست و بی داربست ، و درخت خرما و کشتزار با خوردنی های گوناگون ، و زیتون و انار ، (برخی میوه ها) شبیه به همند و برخی شباهتی با هم ندارند . همین که باغها ثمر داد ، از میوه اش بخورید و روز درو کردن و میوه چیدن حقّ آن (محرومان)را بدهید و اسراف نکنید ، چرا که خداوند ، اسراف کاران را دوست ندارد .

نکته ها

O جَنّات ، باغ های پر درخت و زمین های پوشیده از زراعت است . معروش ، درختی است که نیاز به داربست دارد . اُکُل به معنای ماءکول و خوراکی است .

O در آیه ۹۹ همین سوره خوانـدیم : اُنظروا الی ثمره اذا اءثمر هنگامی که درخت بار آورد ، با دقّت به آن نگاه کنید . در این آیه می خوانیم که کلوا من ثمره اذا اثمر ، هنگامی که بار داد ، بخوریـد . نتیجه اینکه : خوردن بایـد با تاءمّل و دقّت باشـد ، نه غافلانه .

O امام باقر علیه السـلام پس از تلاوت این آیه فرمود : شخصـی زراعتی داشت که تمام محصولاتش را صدقه می داد و خود و عیالش بی چیز می ماندند . خداوند این عمل را اسراف خواند . (۲۶۲)

این آیه ، درس خداشناسی را همراه با اجازه مصرف خوارکی ها و رسیدگی به طبقات

محروم و انفاق به آنان و اعتدال داشتن و زیاده روی نکردن در مصرف و انفاق را بیان می کند . انشاء ، کلوا ، آتو ، لا تسرفوا چنانکه در جای دیگر نیز می خوانیم : و الّذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً(۲۶۳)

O امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمودند : حتّی اگر مسلمان یافت نشد ، حقّ برداشت را به مشرک فقیر بپردازید (۲۶۴) در روایتی دیگر فرمود : این حقّ برداشت ، غیر از زکات است . (۲۶۵)

O امام صادق علیه السلام فرمود : میوه را در شب برداشت نکنید و شبانه درو نکنید تا فقیران نیز بتوانند حاضر شوند و چیزی بگیرند . (۲۶۶)

در سوره ن والقلم نیز می خوانیم که خداوند باغ کسانی را که تصمیم گرفتند شبانه و به دور از چشم فقرا میوه ها را بچینند و به آنها ندهند ، سوزاند .

پیام ها

۱- تنوّع میوه ها و محصولات کشاورزی ، آن هم از یک آب وخاک ، نشانه قدرت الهی است . انشاء . . . مختلفاً اُکله

۲- خداوند برای خود در محصولات ، حقّی قرار داده است . آتوا حقّه

(آری ، نور و هوا ، آب و خاک ، توان و نیرو و فکر و استعداد ، همه و همه از آنِ خداوند است و او بر همه حقّ دارد .)

۳- در انفاق نیز میانه رو باشیم . و آتوا حقّه یوم حصاده و لاتسرفوا

۴- اسلام ، دین اعتدال است ، هم تحریم نابجا را ممنوع می کند (در آیه قبل) و هم مصرف بی رویّه

را . لاتسرفوا

۵- شرط مصرف ، پرداخت حقّ محرومان است . کلوا . . . آتوا حقّه

۶- مقدار مصرف ، محدود به عدم اسراف است . کلوا . . . لا تسرفوا

۷- هنگام برداشت محصول ، به یاد محرومان باشیم . یوم حصاده

۸- تولید و محصول را در زمانی برداشت کنیم تا زمینه ی بهره برداری دیگران هم باشد . یوم حصاده

۹- هنگام رسیدن وبرداشت محصول ، آمادگی انسان برای انفاق بیشتر است ، پس فرصت را از دست ندهیم . آتوا حقّه یوم حصاده

۱۰- میوه ی نارس نخورید ومیوه را تازه مصرف کنید . کلوا من ثمره اذا اثمر

۱۱- اسراف کار ، مبغوض خداوند است . انّه لایحبّ المسرفین

آیه۱۴۲

آیه۱۴۲

۱۴۲- وَمِنَ الْأَنْعمِ حَمُولَةً وَفَرْشاً كُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّهُ وَلاَ تَتَّبِعُواْ خُطُوَتِ الشَّيْطَنِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

و بعضی از چهارپایان بارکش و بعضی غیر بارکش و مثل فرش (به زمین نزدیک)اند (و یا از کرک و پشم آنها برای فرش استفاده می شود) از آنچه خداوند روزی شما ساخته بخورید و از گام های (وسوسه انگیز) شیطان پیروی نکنید ، چرا که او دشمن آشکار شماست .

نکته ها

O در آیه ی قبل به نعمت های خداوند در محصولات کشاورزی اشاره شده و در اینجا به دامداری و انواع بهره هایی که انسان از حیوانات می برد .

O مراد از کلمه فَرش ، چهارپایانی مثل گوسفند است که به خاطر نزدیکی بدنشان به زمین ، به منزله فرش هستند ، یا اینکه از پشم و کرک و موی آنها فرش می بافند .

O بیشتر مفسّران ، کلمه ی حَمولَه را به معنای حیوانات باربر دانسته اند ، و فَرش را حیوانات غیر باربر معنا کرده اند .

پیام ها

۱- هستی و آفریده هایش ، مسخّر انسان است . حموله و فرشا

۲- قانون کلی در حیوانات ، حلال بودن مصرف آنهاست ، مگر آنکه دلیلی بر حرمت باشد . کلوا ممّا رزقکم اللّه

۳- تحریم حلال ها ، از گام های شیطانی است . کلوا . . . و لاتتّبعوا خطوات الشیطان

۴- تنها توصیه به خام خواری که امروز در میان گروه کثیری رواج دارد و نهی از مصرف گوشت ، ممنوع است . و من الانعام . . . کلوا ممّا رزقکم اللّه

۵- نسبت به خوردنی ها بایـد مواظب باشیم . کلوا . . . و لاتتّبعوا چنانکه اوّلین اهرم شیطان برای گمراه کردن حضرت آدم ، غذا بود .

۶- سر سفره ی خداوند ، از دشمن او پیروی نکنیم . کلوا ممّا رزقکم اللّه و لاتتّبعوا خطوات الشّیطان

۷- سیاست شیطان ، انحراف تدریجی است ، نه دفعی . خطوات الشّیطان

آیه ۱۴۳

۱۴۳- ثَمَنِیَهَ اءَزْوَ جٍ مِنَ الضَّاءْنِ اثْنَیْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَیْنِ قُلْ ءَالـذَّکَرَیْنِ حَرَّمَ اءَمِ الاُْنْثَیَیْنِ اءَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَیْهِ اءَرْحَامُ الْأُنْثَیَیْنِ نَبِّئُونِی بِعِلْمٍ إِنْ کُنْتُمْ صَدِقِینَ

(خداونـد برای شـما حلال کرده است) هشت زوج از حیوانات را . از گوسـفند دو زوج (نر و مـاده) و از بز ، دو زوج (به کسانی که از پیش خود ، بعضی چهارپایان را تحریم می کنند) بگو : آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده یا ماده های آنها را یا آنچه را شکم آنها در بر گرفته است ؟ اگر راست می گویید از روی علم و دانش به من خبر دهید .

آیه ۱۴۴

آیه ۱۴۴

۱۴۴ئُنْثَیَیْنِ اءَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَیْهِ اءَرْحَامُ الاُْنْثَیَیْنِ اءَمْ کُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّکُمُ اللّهُ بِهَـذَا فَمَنْ اءَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَی عَلَی اللّهِ کَذِباً لِیُضِلَّالنَّاسَ بِغَیْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللّهَ لاَ یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّلِمِینَ

و از شتر دو زوج (نر و مـاده) و از گاو دو زوج (نر و ماده) را (برای شـما حلال کرده است) بگو : آیا خداونـد نرهای این دو را حرام کرده یا ماده ها را یا آنچه را که شکم آن دو در بر گرفته است ؟ یا مگر شـما شاهـد و حاضـر بوده ایـد که خداوند به حرمت این گوشت ها به شـما سفارش کرده است ؟ ! پس کیست ستمکارتر از کسی که به خداوند ، دروغ بندد تا مردم را از روی نادانی گمراه سازد ؟ قطعا خداوند ، گروه ستمکار را هدایت نمی کند .

نکته ها

O کلمـه ی زوج هم به مجمـوع نر و مـاده گفته می شـود و هم به هر یـک از نر و مـاده به تنهـایی . در این آیه به هر کـدام به تنهـایی گفته شـده و مراد از هشت جفت ، هشت عـدد است ، چهـار نر و چهار ماده که چهار تا در آیه ۱۴۳ و چهار تا در آیه ۱۴۴ بیان شده است . در آیه ۴۵ سوره ی نجم نیز کلمه ی زوج در یک فرد بکار رفته است ، نه در دو تا . خلق الزّوجین الذّکر والانثی

O در آیه ۶ سوره ی زمر ، خلقت هشت نر و ماده ی حیوانات در کنار خلقت انسان بیان شده است . خلقکم من نَفسٍ واحده ، ثُمّ جعل منها زوجها وانزل لکم

من الانعام ثَمانیَه اَزواج

O احتمال دارد که ترتیب نام بردن از حیوانات چهارگانه ، اشاره به برتری آنها در مصرف باشد . (گوسفند ، بز ، شتر و گاو)

O در بعضی روایات ، ثمانیه ازواج به ۱۶ فرد تفسیر شده که این چهار حیوان هر کدام دو نوع یکی نر یکی ماده و هر کدام اهلی و وحشی دارد . امام هادی علیه السلام فرمود : گاومیش از نوع گاو وحشی است . (۲۶۷)

پیام ها

۱- برای خرافه زدایی از دین ، باید عقائد حقّ را بسیار باز و روشن مطرح کرد . ثمانیه ازواج . . .

۲- در فتوا یا عقیده به حلال و حرام چیزی ، علم لازم است . نبّئونی بعلم

۳- حلال بودن نیازی به دلیل ندارد زیرا اصل در خوردنی ها حِلّیّت است بلکه حرام بودن دلیل لازم دارد . قل الذکرین حرّم ام الاُنثیین . . . نبئونی بعلم

۴- افترا بر خدا ، بزرگ ترین ظلم است . فمن اءظلم ممّن افتری علی اللّه

۵- دروغ بستن به خدا ، مایه ی گمراه ساختن مردم است . لیضلّ النّاس

۶- افترا ، انسان را از هدایت پذیری خارج می کند . لایهدی

۷- باورها و عقائد یا باید بر اساس علم و عقل باشد که در آیه قبل خواندیم ، نبّئونی بعلم و یا بر اساس شرع .

آیه۱۴۵

آیه۱۴۵

۱۴۵-قل لا اجد فی ما اوحی إِلَیَّ مُحَرَّماً عَلَی طَاعِمٍ یَطْعَمُهُ إِلا اءَنْ یَکُونَ مَیْتَةً اءَوْ دَماً مَسْفُوحاً اءَوْ لَحْمَ خِنزِیرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ اءَوْ فِسْقاً أُهِلَّ لِغَیْرِ اللّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَیْرَ بَاغٍ وَ لاَ عَادٍ فَإِنَّ رَبَّکَغَفُورٌ رَحِیمٌ

بگو : در آنچه به من وحی شده ، بر کسی که چیزی می خورد هیچ حرامی نمی یابم مگر آن که مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک باشد که قطعا پلید است ، یا حیوانی که از روی فسق و نافرمانی به نام غیر خدا ذبح شده باشد . پس هر کس که (به خوردن آنها) ناچار و مضطرّ شد ، به شرط آنکه از روی سرکشی و بیش از حدّ ضرورت نباشد ، (مانعی ندارد) . هماناخداوند تو

آمرزنده و مهربان است .

نکته ها

O میته ، تنها حیوانی نیست که خود به خود مرده باشد ، بلکه اگر طبق دستور اسلام ، ذبح نشود در حکم مردار و حرام است .

O حرمت مردار و خون ، چهار مرتبه در قرآن مطرح شده است ، دوبار در سوره های مکّی (۲۶۸) و دوبار در سوره های مدنی (۲۶۹) .

O اُهِلّ از اِهلال به معنای بلند کردن صدا هنگام دیدن هلال اوّل ماه است . سپس به هر صدای بلندی گفته شده است . مشرکان در هنگام ذبح حیوانات ، با صدای بلند نام بت ها را می بردند ، از این رو اُهِلَّ گفته شده است .

O جمله لا اءجد . . . الاّ اءن یکون میته در برابر تحریم های جاهلانه مشرکان است وگرنه گوشت بعضی پرندگان و درّندگان دیگر نیز حرام است که در این آیه نیامده است و به اصطلاح این حصر ، حصر اضافی است نه حقیقی .

O از نظر اسلام مضطر به کسی می گویند که خود را از راه ستمگری وگردن کشی وگناه مضطر نکرده باشد ، غیر باغٍ وتنها به مقدار رفع اضطرار ، مجاز است نه بیشتر . و لاعاد

پیام ها

۱- یگانه منبع علم پیامبر صلی الله علیه و آله برای بیان احکام ، وحی است . لا اجد فی ما اوحی الیّ

۲- اصل و قانون اوّلیه ، حلال بودن حیوانات است . لا اءجد

۳- تنها محرّمات ابلاغ شده در آیات و روایات تکلیف آور است ، پس اگر با جستجو و تتبع ، دلیلی بر حرمت چیزی نیافتیم ، برای ما حلال است . لا اءجد

۴- وقتی در مساءله ی

خوردن و نخوردن شخص پیامبر هم باید از وحی دستور بگیرد ، دیگران چگونه از پیش خود چیزی را حرام می کنند ؟ فی ما اوحی الیّ

۵- دلیل تحریم گوشت خوک ، آلودگی و پلیدی آن است . فانّه رِجس

۶- احکام تغذیه ، برای مرد و زن یکسان است . طاعم یطعمه در مقابل آن عقیده خرافی در آیه ۱۳۹ که برای مردان گوشت همه ی حیوانات را حلال و برای زنان برخی موارد را حرام می دانستند . خالصه لذکورنا ومحرّم علی اءزواجنا

۷- در قانون ، باید اهمّ و مهمّ رعایت شود . حفظ جان ، مهم تر از حرام بودن مصرف مردار است . فمَن اضطرّ

۸- در اسلام بن بست نیست ، وقتی اضطرار پیش آید مصرف حرام ها مجاز می شود . فمَن اضطرّ

۹- سوء استفاده از قانون در موارد استثنا ، ممنوع است و باید به همان مقدار اضطرار ، بسنده شود . غیر باغ ولا عاد

۱۰- خون باقیمانده در گوشت پس از ذبح شرعی حرام نیست . خون ریخته شده حرام است . دما مسفوحا

۱۱- در جایی که اضطرار به طور قهری پیش آید ، می توان از گوشت حرام استفاده کرد ، ولی اگر با دست خودمان کاری کردیم که مضطر شدیم استفاده مجاز نمی شود . اُضطر (به صورت مجهول آمده است)

۱۲- وجود قوانین تخفیفی و اضطراری ، جلوه ای از مغفرت و رحمت الهی است .

آیه۱۴۶

آیه۱۴۶

۱۴۶ رحیم وَعَلَی الَّذِینَ هَادُواْ حَرَّمْنَا کُلَّ ذِی ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَیْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا اءَوْ الْحَوَایَا اءَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَ لِکَ جَزَیْنَهُم بِبَغْیِهِمْ وَإِنَّا

لَصَدِقُونَ

و بر یهودیـان ، هر (حیوان) نـاخن دار را حرام کردیم و از گاو و گوسـفند ، پیه هر دو را بر آنان حرام ساختیم مگر آن مقـدار که بر پشت گـاو و گوسـفند یا همراه روده ومخلوط به اسـتخوان است . این (تحریم) ، کیفر ماست به خاطر ظلمی که مرتکب شدند و قطعا ما راستگوییم .

نکته ها

O در آیه ی قبل ، محرّمات در اسـلام و در این آیه ، محرمات یهود بیان شـده ، تا معلوم گردد که عقائـد خرافی مشـرکین ، با هیچ یک از ادیان آسمانی سازگار نیست . (۲۷۰)

O ظُفُر به معنای ناخن است ، امّا به سُمّ برخی حیوانات که شکاف ندارد (مثل سمّ اسب یا نوک پای شتر) نیز اطلاق شده است ، از این رو شتر و حیواناتی که سُم چاک نیستند ، چه چهار پایان چه پرندگان ، بر یهود حرام است . (۲۷۱)

O حوایا جمع حاویه ، به محتویات شکم گفته می شود . (۲۷۲)

O در آیه ی ۱۶۰ سوره نساء هم می خوانیم : فبظلم من الّذین هادوا حَرّمنا علیهم طیّبات اُحلّت لهم حرام شدن برخی طیّبات بر یهود ، به خاطر ظلم های آنان بوده است ، بگـذریم که یهود نیز مانند مشـرکین پاره ای از چیزها را بر خود حرام کرده بودند . قرآن می فرماید : کلّ الطّعام کان حلاّ لبنی اسرائیل الاّ ما حَرّم اسرائیل علی نفسه (۲۷۳)

O تحریم بعضـی خوردنی ها بر یهود ، موقّت بود و توسّط حضرت عیسی علیه السلام بر طرف شد . چنانکه در جای دیگر می خوانیم : لاحلّ لکم بعض

الّذی حرّم علیکم (۲۷۴)

O احکام الهی سه نوع است الف : دارای مصلحت یا مفسده ی واقعی است . مثل اکثر احکام . ب : دارای جنبه آزمایشی است مثل فرمان ذبح حضرت اسماعیل . ج : دارای جنبه ی کیفری است ، مثل همین آیه . آری ، یکی از عذاب های خدا ، تنگناهای معیشتی است .

پیام ها

۱- گاهی محدود ساختن غذای متخلّفان و یاغیان ، بلامانع است . حرّمنا . . . ببغیهم

۲- کیفر الهی منحصر در آخرت نیست ، در دنیا هم هست . جزیناهم ببغیهم

آیه۱۴۷

آیه۱۴۷

۱۴۷- فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَهٍ وَ سِعَهٍ وَلَا يُرَدُّ بَاءْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

(ای پیامبر !) اگر تو را تکذیب کردند پس بگو : پروردگارتان دارای رحمت گسترده است (امّا) عذاب او از قوم تبهکار ، دفع نمی شود .

پیام ها

۱- رهبر باید آماده ی شنیدن تکذیب و تهمت از سوی برخی مردم باشد . فان کذّبوک فقل . . .

۲- با تکذیب کنندگان ، باید برخوردی خیرخواهانه کرد و اگر تاءثیر نداشت ، از تهدید استفاده شود . ذو رحمه لا یردّ باءسه

۳- مربّی باید دریای رحمت باشد . ربّکم ذو رحمه

۴- بیم و امید ، در کنار هم کارساز است . ذورحمه ، باءسه

۵- درهای رحمت الهی حتّی به روی مخالفان هم بسته نیست . فان کذّبوک ربّکم ذورحمه

۶- رحمت خداوند ، پیش از قهر اوست . ذو رحمه . . . باءسه

۷- گستردگی رحمت الهی ، مانع کیفر کردن او نیست . ربّکم ذو رحمه . . . و لایردّ باءسه هرچند کیفر او نیز در مسیر تربیت انسان و از رحمت و ربوبیّت او سرچشمه می گیرد .

آیه۱۴۸

آیه۱۴۸

۱۴۸ سیقول الذین اشرکوا لوشا الله مَآ اءشْرَکْنَا وَلَاۤ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَیْءٍ کَذَ لِکَ کَذَّبَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّی ذَاقُواْ بَاءْسَنَا قُلْ هَلْ عِندَکُم مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلا الظَّنَّ وَإِنْ اءَنْتُمْ إِلا تَخْرُصُونَ

به زودی کسانی که شرک ورزیده اند ، خواهند گفت : اگر خدا می خواست ، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی آوردیم و هیچ چیزی را (از سوی خود) حرام نمی کردیم . کسانی که پیش از آنها بودند (نیز پیامبران قبلی را) اینگونه تکذیب کردند تا آنکه طعم قهر و عذاب مارا چشیدند . بگو : آیا برای شما دانشی هست ؟ آن را برای ما آشکار کنید ! شما جز از گمان و خیال پیروی نمی کنید و شما جز حدس زن

و دروغگویانی بیش نیستید .

نکته ها

O در این آیه یک خبر غیبی از آینـده مطرح است که مشـرکان چه خواهنـد گفت ، سـیقول الّـذین اشـرکوا آن آینده به وقوع پیوست و آنچه پیشگویی شده بود آنان گفتند . و قال الّذین اشرکوا(۲۷۵)

O این بهانه که اگر خـدامی خواست ، ما و پـدرانمان مشـرک نمی شـدیم بارها توسّط مشـرکان مطرح شده است ، چنانکه در آیه ۳۵ سوره ی نحل و آیه ۲۰ سوره زخرف نیز آمده است .

O سؤ ال : این آیه سـخن مشرکان را نقل می کند که اگر خدا از شرک ما راضی نیست ، چرا ما را از آن باز نمی دارد ؟ پس شرک ما مورد رضای خداست !

پاسـخ : انجام هر کار از هر کسـی ، از مَـدار قـدرت خداوند بیرون نیست ، لکن اراده و مشـیّت خداوند آن است که انسان راه خود را آزادانه انتخاب کنـد . دولت که آب و برق و گـاز را به منزل ما می آورد ، این امکانات ، دلیل راضـی بودن دولت به سوءاسـتفاده مـا نیست . خداونـد به انسـان عقـل و وحی عطـا کرده و راه حقّ و باطل را به او نشان داده و او را در انتخاب آزاد گذاشته ، ولی اراده و اختیار ، نشانه ی راضی بودن او به خلاف ما نیست .

O خداونـد ، خواهـان ایمـان اختیـاری مردم است نه اجبار آنان به ایمان آوردن . در قرآن بارها آمـده است که : اگر خـدا می خواست ، همه را هدایت می کرد و پیامبر هم حقّ اکراه و اجبار مردم به ایمان را ندارد

.

پیام ها

۱- رهبران و اندیشمندان دینی باید خود را برای پاسخگویی به شبهات و بهانه جویی های آینده آماده کنند . سیقول

۲- فرستادن انبیا و کتب آسمانی برای آنست که مردم با آزادی و اختیار ، موحد شوند . پس منطق مشرکین (که اگر خدا می خواست با قهر و قدرت مانع شرک ما می شد) غلط است . لوشاءاللّه ما اشرکنا

۳- بدتر از گناه ، توجیه آن است . مشرکان ، شرک خود را توجیه کرده و آن را مشیّت الهی می دانستند . لوشاءاللّه ما اشرکنا (جبرگرایی ، بهانه ای است برای فرار از مسئولیّت)

۴- مشرکین ، انحراف خود را با تاریخ نیاکان خود توجیه می کردند . لو شاء اللّه ما اشرکنا و لاآباؤ نا

۵- عقیده به جبر ، از توجیهات بی اساس منحرفان است . لو شاء اللّه ما اشرکنا شیطان هم که رهبر منحرفان است ، گمراهی خود را به خدا نسبت داد و چنین گفت : ربّ بما اءغویتَنی (۲۷۶)

۶- مخالفان ، همواره با اهرم جبر ، به تکذیب پیامبران پرداخته اند . کذلک کذّب الّذین من قبلهم

۷- قرآن از مخالفان هم تقاضای حجّت و دلیل می کند . قل هل عندکم من علم

۸- آنان که به بهانه ی سرنوشت ، از مسئولیّت می گریزند ، منتظر چشیدن قهر خدا باشند . ذاقوا باءسنا

۹- طرفداران جبر ، منطق ندارند و در پی خیالاتند . ان تتّبعون الاّ الظن

۱۰- اگر به جای علم و یقین ، در پی ظن و گمان باشیم ، گمراه خواهیم شد . ان انتم الاّ تخرصون

آیه۱۴۹

آیه۱۴۹

۱۴۹- قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّهُ الْبَلِغَهُ فَلَوْ شَآءَ لَهَدَیکُمْ اءَجْمَعِینَ

بگو

: دلیل روشن و رسا تنها برای خداوند است ، پس اگر می خواست همه ی شما را (به اجبار) هدایت می کرد .

نکته ها

O خداونـد ، با فطرت توحیدی که در انسان قرار داده و با هدایت انبیا و عقل ، حجّت را بر مردم تمام کرده و راه خیر و شـرّ و پایـان نیـک یـا بـد هر کـدام را هم بیـان نموده است . برای خطاکـاران هم راه توبه و جبران را بـاز گذاشـته است . معجزه های روشن انبیا وشـیوه ی نیکوی دعوت و اسـتدلال های محکم آنان وسازگاری دین با فطرت وعقل ، حجّت را برمردم تمام کرده است .

و با این همه ، مشـرکان جز گمان بی اساس ، دلیلی بر شـرک خود ندارند و اگر راه غیر خدا را بپویند ، از خطاها ، ضعف ها ، محدودیّت های علمی و فکری و هوسها پیروی کرده اند .

O در روایات آمده که خداوند در قیامت به انسان می فرماید : راه حقّ را می دانستی یا نمی دانستی ؟ اگر بگوید : می دانسـتم ، می پرسـد : چرا عمل نکردی ؟ و اگر بگویـد : نمی دانسـتم ، می پرسد : چرا در پی یاد گرفتن نبودی ، این است حجّت بالغه ی خدا بر مردم . (۲۷۷)

پیام ها

۱- تنها خداست که حجت بالغه دارد و همه ی ما در پاسخ او عاجز و تهیدست و مقصّریم . فللّه الحجّه

۲- در راه خدا هیچ گونه ابهام و بهانه ای که دسـتاویز مخالفان باشد نیست ، نه در اسـتدلال ، نه در سابقه ، نه در صفات پیامبر و نه در شیوه ی برخورد با آنان . فللّه الحجّه البالغه

۳- مشیّت خداوند ، بر هدایت آزادنه و ارادی انسان و آزادی و اختیار

اوست . فلوشاء لهداکم

۴- اراده ی خداوند ، تخلّف ناپذیر است . فلو شاء لهداکم

آیه۱۵۰

آیه۱۵۰

۱۵۰- قُلْ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ اءَنَّ اللّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُواْ فَلاَ تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلاَ تَتَّبِعْ اءَهْوَآءَ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بَايَتِنَا وَالَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالْاَخِرَهِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

(ای پیامبر ! به کسانی که بهره بردن از حیوانات و زراعت ها را نابجا بر خود حرام کرده انـد) بگو : گواهان خود را که گواهی دهند خداوند این را حرام کرده ، بیاورید . پس اگر شـهادت دادند ، تو همراه با آنها گواهی مده و از خواسـته های کسانی که آیات مارا تکـذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند ، همان ها که برای پروردگارشان شـریک قرار می دهند ، پیروی نکن .

نکته ها

O اسـلام ، دین منطق و آزادی است ، در دو آیه ی قبـل خداونـد از مشـرکان پرسـید : آیـا شـما از چیزی اطّلاع داریـد که ما نداریم ؟ هل عندکم من عِلمٍ ، در اینجا هم می فرماید : اگر گواه دارید بیاورید . هَلُمَّ شهداءکم

O در این آیه ، ابتـدا می فرمایـد : اگر دلیل و گواه دارنـد بیاورنـد ، سـپس می فرمایـد : اگر هم شـهادت دادند ، تو قبول نکن (چون صادقانه نیست) .

O یعدلون از عِدل به معنای همتاست . پس بربّهم یَعدلون یعنی برای خداوند ، شریک و همتا و شبیه قرار می دهند .

پیام ها

۱- اسـلام ، دین منطـق و برهـان است و از مخالفـان خود گواه طلبیـده و آنـان را به مجـادله ی نیکو دعوت می کنـد . قـل هلمّ شهداءکم

۲- یکی از وظایف مبلّغان دینی ، برخورد با بدعت هاست . قل هلمّ شهداءکم . . . اءنّ اللّه حرّم هذا

۳- هر گواهی و شهادتی ، اعتبار ندارد . فانْ شهدوا فلا تشهد معهم

۴- مواظب باشـیم شـرایط و جوّ اجتماع ، ما را به اشـتباه نیفکنـد . فِانْ شـهدوا فلا تشـهد معهم (تصدیق کردن و همگام شدن با گواهان ناحق حرام است)

۵- قوانین بشری اگر برخاسته از هوس های کفّار باشد ، قابل پیروی نیست . لاتتّبع اءهواء الّذین کذّبوا بآیاتنا . . .

۶- انسان های با ایمان نباید از سنّت های مشرکان تقلید کنند . لاتتّبع اهواء الّذین کذّبوا بآیاتنا . . .

۷- مشرکین ، خداوند را خالق می دانند لکن در تدبیر و مدیریّت امور هستی برای او شریک قائلند . و هم

بربّهم یعدلون

آیه۱۵۱

آیه۱۵۱

۱۵۱–قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الاتشرکوابه شیا و بالوالدین احسنا و لاَ تَقْتُلُوَّاْ اءَوْلَدَکُم مِنْ إِمْلَقٍ نَحْنُ نَرْزُقُکُمْ وَ إِیَّاهُمْ وَلاَ تَقْرَبُواْ الْفَوَ حِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلاَ تَقْتُلُواْ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللّهُ إِلا بِالْحَقِّ ذَ لِکُمْ وَصَّکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ

بگو : بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم : چیزی را با او شریک مگیرید ، و به پدر و مادر نیکی کنید ، و فرزندانتان را از ترس تنگدستی نکشید . ماییم که به شما و آنان روزی می دهیم ، و به کارهای زشت ، چه آشکار وچه پنهان ، نزدیک نشوید ، و نفسی را که خداوند (کشتن آن را) حرام شمرده ، جز به حقّ (مثل قصاص یا دفاع) نکشید ، اینهاست آنچه خداوند شمارا به آن توصیه فرموده ، باشد که تعقّل واندیشه کنید .

نکته ها

O در این آیه و دو آیه بعد ، به چند اصل مهم اشاره شده که از مشترکات همه ی ادیان آسمانی است ، در تورات هم (سِفر خروج ، باب ۲۰) مشابه این دستورها آمده است .

O دو نفر از سران مدینه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند . همین که حضرت این آیات را خواند ، مسلمان شده و درخواست مبلّغ کردند . پیامبر نیز مصعب بن عمیر را همراهشان فرستاد . این حرکت زمینه ساز مسلمان شدن مردم مدینه گشت .

O قرآن در چهار آیه (۲۷۸) نسبت به پدر و مادر سفارش کرده است و در هر چهار مورد همراه با مساءله ی توحید و نهی از شرک است .

همان گونه که در آفرینش اوّل خداست ، بعد پدر و مادر . در این آیات هم اوّل توحید است ، بعد نیکی به والدین ، ضمنا این آیه چون محرّمات را می شمرد ، پس ترک احسان به والدین هم حرام است .

O پنج دستور این آیه چنان به یکدیگر پیوند دارند که گویا یک دستورند . وصّاکم به ضمیر به مفرد است .

O امام صادق علیه السلام فرمود : احسان به والدین ، یعنی کاری نکنیم که آنان وادار به درخواست و سؤ الی از ما شوند . (۲۷۹)

پیام ها

۱- بیان احکام الهی برای مردم ، یکی از وظایف انبیاست . اءتل ما حرّم

۲- چون اصل در همه چیز ، حلال بودن است ، از این رو حلالها شمارش نشده و فقط محرّمات گفته شده است . اءتل ما حرّم

۳- محرمات دین ، از سوی خداست و پیامبر از پیش خود چیزی را حرام نمی کند . حرّم ربّکم

۴- ممنوعیّت منکرات ، جهت تکامل و تربیت انسان است . حرّم ربّکم

۵- چون شرک ، ریشه ی مفاسد است ، در راءس محرّمات آمده است . الاّ تشرکوا

۶- بعد از یکتاپرستی ، احسان به والدین آمده است . بالوالدین احسانا

۷- دستورهای این آیه همه در قالب نهی است ، مگر نیکی به پدر و مادر که در قالب امر است . یعنی نه تنها نیازارید ، بلکه احسان کنید . و بالوالدین احسانا

۸- فرزندکشی و سقط جنین از ترس فقر ، عملی جاهلانه است ، اگر خدا ضامن روزی است ، چه ترسی از فقر ؟ نحن نرزقکم

۹- هم اصلاح جامعه از مفاسد لازم

است ، هم اصلاح روح از رذایل . ما ظهر منها و ما بطن

۱۰- برخی از گناهان چنان خطرناک است که نزدیک آنها هم نباید رفت . لاتقربوا

۱۱- دستورات الهی ، مطابق عقل یا زمینه شکوفایی آن است . لعلّکم تعقلون

آیه۱۵۲

آیه۱۵۲

۱۵۲- و لا تقربوامال الیتیم الا بالتی هی اءَحْسَنُ حَتَّی یَبْلُغَ اءَشُـدَّهُ وَ اءَوْفُواْ الْکَیْلَ وَالْمِیزَانَ بِالْقِسْطِ لاَ نُکَلِّفُ نَفْساً إِلاّ وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُواْ وَلَوْ کَانَ ذَا قُرْبَی وَبِعَهْدِ اللّهِ اءَوْفُواْ ذَ لِکُمْ وَصَّکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ

به مال یتیم نزدیک نشوید (و در آن تصرّفی نکنید) مگر به نیکوترین (طریقه ای که به صلاح او باشد) تا به حد بلوغ و رشد خود برسد . (در داد و ستدها) پیمانه و ترازو را با عدالت تمام دهید . ما هیچ کس را جز به اندازه ی توانش تکلیف نمی کنیم . و هرگاه سخن می گویید (چه در قضاوت و چه در شهادت) عدالت را رعایت کنید ، هر چند (به زیان) خویشاوندتان باشد و به عهد و پیمان خدا وفا کنید . اینها اموری است که خداوند ، شمارا به آن سفارش کرده است ، باشد که یاد کنید و پند بگیرید .

نکته ها

O خداوند ، کارهای خود را به نحو احسن انجام می دهد : اءحسن الخالقین (۲۸۰) ، اءحسن تقویم (۲۸۱) ، نزل اءحسن الحدیث (۲۸۲) و . . . ، از ما هم خواسته که کارهایمان به نحو احسن باشد ، لیبلوکم ایّکم احسن عملا(۲۸۳) چه در تصرّفات و فعالیّت های اقتصادی ، الاّ بالّتی هی احسن (۲۸۴) ، چه در گفتگو با مخالفان ، جادلهم بالّتی هی احسن (۲۸۵) ، چه در پذیرش سخنان دیگران ، یستمعون القول فیتّبعون احسنه (۲۸۶) و چه بدی های مردم را با بهترین نحو جواب دادن ، ادفع بالّتی هی احسن السّیّئه (۲۸۷) که در تمام این موارد ، کلمه ی

احسن به کار رفته است .

O قوم حضرت شعیب ، به خاطر کم فروشی گرفتار عذاب شدند . در قرآن نیز سه بار از کم فروشی نهی شده است .

O کلمه ی کیل هم به معنای پیمانه است و هم به معنای پیمانه کردن . کلمه ی قسط هم می تواند مربوط به اوفوا باشد یعنی پرداخت ، عادلانه باشد و هم مربوط به کیل و میزان باشد ، یعنی خود پیمانه و ترازو سالم باشد . البتّه نتیجه هر دو یکی است .

پیام ها

۱- چون یتیم مدافعی ندارد و اموالش لغزشگاه است مواظب باشیم . لاتقربوا

۲- برای حفظ حقوق ایتام باید بهترین طریقه ی بهره گیری از اموال و دارایی او انتخاب شود . بالّتی هی اءحسن . جز کسانی که اهلیّت اقتصادی و تقوای کافی دارند ، نباید دیگران به مال یتیم نزدیک شوند . لاتقربوا . . . الا

۳- وقتی ایتام به رشد و تجربه ی کافی رسیدند ، سلطه ی خود را از آنان بردارید . حتی یبلغ اءشده

۴- نظام اقتصادی جامعه ی اسلامی باید بر اساس قسط باشد . بالقسط

۵- اگر اجرای عدالت در حدّ اعلی ممکن نیست ، لااقلّ در حدّ توان و امکان مراعات کنید . لا نکلّف نفسا الاّ وُسعها

۶- تمام دستورات و اوامر و نواهی الهی ، فوق طاقت انسان نیست . لا نکلّف نفسا الاّ وُسعها

۷- بدون قدرت ، تکلیفی نیست . لا نکلّف نفسا الاّ وُسعها

۸- در اسلام ، تکلیف به اندازه ی توان است . هرکه تواناتر ، تکلیفش هم سنگین تر . لا نکلّف نفساً الاّ وُسعها

۹- عدالت ، هم در رفتار

و هم در گفتار ، یک اصل است . اوفوا الکیل . . . و اذا قلتم فاعدلوا (در گواهی ها ، وصیّت ها ، قضاوت ها ، صدور حکم ها ، انتقادها و ستایش ها ، عدالت را مراعات کنیم .)

۱۰- به پیمان های الهی (که شامل فرمان های عقل و وحی و وجدان وفطرت می شود) وفادار باشیم . (عهد اللّه هم شامل پیمانی است که خدا با انسان دارد و هم پیمانی که انسان با خدا می بندد) بعهد اللّه اوفوا

۱۱- رابطه ی خویشاوندی را بر ضابطه ی حقّ و عدل ، ترجیح ندهیم . فاعدلوا ولو کان ذا قربی

آیه ۱۵۳

آیه ۱۵۳

۱۵۳- وَاءَنَّ هَذَا صِرَطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَلاَ تَتَّبِعُواْ السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَن سَبِیلِهِ ذَ لِکُمْ وَصَّکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ

و این (دستورها) راه مستقیم من است . پس آن را پیروی کنید و راههای دیگر را پیروی نکنید که شما را از راه خداوند پراکنده کند . این سفارش خداوند به شماست ، باشد که تقوا پیشه کنید .

نکته ها

O پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای توضیح این آیه از روش نمایشی استفاده کرده ، با دست مبارک خود خط مستقیمی بر زمین کشیدند و فرمودند : این راه مستقیم است که یکی بیش نیست . سپس خطوطی از راست و چپ آن خط ترسیم کرده و فرمودند : اینها راههایی است که شیطان به آن دعوت می کند . (۲۸۸)

O در پایان سه آیه ی اخیر ، سه تعبیر مختلف آمده است :

در پایان آیه ۱۵۱ که نهی از شرک و قتل و فحشا است . لعلّکم تعقلون آمده است ، یعنی زشتی این امور با اندکی تعقّل و فکر ، برای همه روشن می شود .

در آیه ی ۱۵۲ که به حفظ مال یتیم و رعایت قسط و عدل و وفای به عهد فرمان می دهد ، تعبیر لعلّکم تذکّرون آمده ، یعنی خوبی عدالت را فطرت و نهاد هرکس می پذیرد ، تنها باید تذکّر داد .

در این آیه نیز که پیروی از دستورهای خداست ، لعلّکم تتّقون آمده ، یعنی تقوا همان گام نهادن در راه اطاعت و فرمان الهی است .

O آنگونه که نور یکی است و ظلمات متعدّد ، راه مستقیم یکی است و راه های انحرافی متعدّد

. (صراط مفرد آمده ولی سُبل جمع)

O در روایات می خوانیم که مصداق عینی راه مستقیم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام از اهل بیت او هستند . (۲۸۹)

پیام ها

۱- اساس همه ادیان الهی ، پیروی از راه خدا و دوری از راه دیگران است . صراطی . . . فاتّبعوه و لا تتّبعوا السبل

۲- عمل به احکام الهی ، سبب وحدت است و به سراغ احکام غیر الهی رفتن ، مایه ی تفرقه می باشد . صراطی مستقیما فاتّبعوه و لا تتّبعوا السبل فتفرّق بکم عن سبیله

۳- شاید بتوان با توجّه به پایان سه آیه ی اخیر ، چنین نتیجه گرفت که مراحل رشد و کمال انسان عبارت است از : تعقّل ، لعلّکم تعقلون ، تذکّر ، لعلّکم تذکّرون و تقوا . لعلّکم تتّقون

آیه۱۵۴

آیه۱۵۴

۱۵۴- ثُمَّ ءَاتَیْنَا مُوسَی الْکِتَبَ تَمَاماً عَلَی الَّذِی أَحْسَنَ وَتَفْصِیلاً لِکُلِّ شَیْءٍ وَهُدًیً وَرَحْمَهً لَعَلَّهُمْ بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ

سپس به موسی ، کتاب (تورات) دادیم تا بر کسی که نیکوکار بوده (نعمت خود را) تمام کنیم ، و (این کتاب) بیانگر همه ی مسائل و وسیله هدایت و رحمت باشد ، شاید مردم به دیدار پروردگارشان ایمان بیآورند .

نکته ها

O میان قرآن و تورات ، شباهت های فراوانی است . در انجیل ، تکیه بر مواعظ است و در زبور ، تکیه بر دعاست ، ولی از نظر قوانین ، شباهت تورات به قرآن بیشتر است . از این رو به تورات ، امام گفته شده است . و من قبله کتاب موسی اماما(۲۹۰) در این آیه هم تورات ، رحمت ، هدایت و بیانگر هر چیز معرّفی شده است .

پیام ها

۱- هر کتاب آسمانی نسبت به زمان خودش ، کامل است . تماما

۲- تنها نیکوکاران و نیکواندیشان ، پیام های کتب آسمانی و قوانین الهی را بهتر می گیرند . علی الّذی اءحسن

۳- همه ی نیازهای انسان برای رسیدن به تکامل ، در کتب آسمانی آمده است . تفصیلا لکلّ شی ء

۴- کتاب آسمانی در مسیر هدایت انسان و رحمت الهی است . هدی و رحمه

۵- یکی از مقاصد کتب آسمانی و پیامبران الهی ، ایمان انسان به قیامت است . لعلّهم بلقاء ربّهم یؤ منون

آیه۱۵۵

۱۵۵- وَهَذَا كِتَبٌ اءَنْزَلْنَهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

واین (قرآن) کتابی است مبارک که آن را نازل کردیم . پس آن را پیروی نموده و تقوا پیشه کنید ، باشد که مورد رحمت قرار گیرید .

آیه۱۵۶

آیه۱۵۶

۱۵۶- اءَنْ تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ اءُنْزِلَ الْكِتَبُ عَلَى طَآئِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَفِلِينَ

(آن تورات را نازل کردیم) تا نگویید کتاب (آسمانی) ، فقط بر دو طایفه ی (یهود و نصاری) که پیش از ما بودند نازل شده است و ما از علوم آنان بی خبر بوده ایم .

نکته ها

O کلمه مبارک از ریشه ی برکت ، بر دو امر تاءکید می کند : ۱ ریشه قوی و ثابت . ۲ رشد دائم . قرآن ، هم دارای مطالبی اساسی و تغییرناپذیر و استوار است و هم با گذشت زمان ، پرده هایی از اسرارش کشف و روز به روز جلوه ی آن بیشتر می شود .

O اءن تقولوا به معنای لئلاّ تقولوا است ، یعنی : تا نگویید و بهانه نگیرید .

O دراسه به معنای تلاوت و علم است .

پیام ها

۱- قرآن ، تنها کتاب تئوری و نظری نیست ، بلکه کتاب سعادت و برنامه ی عمل انسان است . کتاب . . . فاتّبعوه

۲- سعادت بشر در دو چیز است : اطاعت حقّ ، اجتناب از باطل . فاتّبعوه واتّقوا

۳- خداوند ، حجّت را بر مردم تمام کرده است . کتاب انزلناه . . . اءن تقولوا

۴- دستگاه تبلیغاتی مسلمانان باید برای هر کشور و ملّت و زبانی ، برنامه های صحیح در سطح جهان آماده کند ، تا حجّت بر آنان تمام شود و نگویند ما از حقّ بی خبر بودیم

آیه۱۵۷

آیه۱۵۷

۱۵۷–اءن تقولوا لوانا انزل علیناا الْكِتَبُ لَكُنَّآ اءَهْدَى مِنْهُمْ فَقَد جَآءَكُم بَيِّنَةٌ مِن رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اءَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بَايَتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِى الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ ءَايَتِنَاسُوَّءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يَصْدِفُونَ

یا نگویید اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد ، قطعاً از آنان (یهود و نصاری) هدایت یافته تر بودیم . (برای جلوگیری از این بهانه ها) بی شک از سوی پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمت آمد . پس کیست ستمکارتر از کسی که آیات الهی را تکذیب کند و از آن روی گرداند ؟ ما به زودی کسانی را که از آیات ما روی گردانند ، به خاطر همین روی گردانی به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد .

نکته ها

O یَصدفون از صدف ، به معنای اعراض شدید از چیزی بدون تاءمّل و اندیشه است .

پیام ها

۱- مشرکین مکّه ، به هدایت یافتگی پیروان تورات و انجیل اعتراف داشتند ، ولی خود را برای دریافت کتاب آسمانی شایسته تر از آنان می دانستند . لکنّا اهدی منهم

۲- نزول قرآن برای همه ، اتمام حجّت است . فقد جاءکم بیّنه من ربّکم

۳- قرآن ، پرتوی از ربوبیّت خداوند است . بیّنه من ربّکم

۴- قرآن ، کتاب هدایت و رحمت است . هدی و رحمه

۵- پیش از آزمایش ، مدّعی زیاد است ، ولی امتحان ، صداقت ها را آشکار می کند . لکنّا اءهدی . . . فمن اظلم ممن کذّب . . .

۶- از بزرگ ترین ظلم ها به انسانیّت ، اعراض از کتب آسمانی است . فمن اءظلم ممّن کذّب بآیات اللّه

۷- کیفر اعراض از دین حقّ و پشت کردن به آیات الهی ، عذاب شدید است . الّذین یصدفون عن آیاتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون

۸- عامل اصلی بدبختی های انسان ، عملکرد خود اوست . بما کانوا یصدفون

آیه۱۵۸

آیه۱۵۸

۱۵۸هل ینظرون الا ان تاتیهم الملئکه اویاتی رَبُّکَ اءَوْ یَاءْتِیَ بَعْضُ ءَایَتِ رَبِّکَ یَوْمَ یَاءْتِیَ بَعْضُ ءَایَتِ رَبِّکَ لاَ یَنْفَعُ نَفْساً إِیمَ نُهَا لَمْ تَکُنْ ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ اءَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمَ نِهَا خَیْراً قُلِانْتَظِرُوَّاْ إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

آیـا (بـا دیـدن آن همـه آیـات و بینـات و معجزات ، بـاز هـم) جز این انتظـار دارنـد که فرشـتگان نزد ایشـان بیاینـد ، یـا خـود پروردگارت بیایـد ، یا بعضـی از آیات پروردگارت (نشانه های قیامت) بیایـد ؟ ! (مگر نمی داننـد) روزی که بعضـی از نشانه های پروردگارت بیاید کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در مدّت ایمان خود

کار خیری را کسب نکرده ، ایمان آوردنش سودی ندهد . بگو : منتظر (قهر خدا) باشید که ما هم در انЉ…ЉЂ…..

نکته ها

O در آیـه ۹۲ سوره ی اسـراء توقّعـات نابجـای کفّـار مطرح شـده است که می گفتنـد : مـا به تو ایمـان نمی آوریم مگر آنکه آسمان را بر ما فروریزی ، یا خدا و فرشتگان را نزد ما آوری . این انتظارها در این آیه رد شده است .

پیام ها

۱- کافران لجوج ، با دیدن معجزات الهی هم تسلیم نمی شوند . هل ینظرون . . .

۲- نتیجه ی طفره رفتن در ایمان ، ناکامی است . لاینفع نفسا ایمانها

۳- ایمـان و عمـل ، در شـرایط آزاد و طبیعی ، کارسـاز است ، نه در حـال اضـطرار و ترس جان . یوم یاءتی بعض آیات ربّک لاینفع

۴- عمل صالح بدون ایمان سودبخش نیست . او کسبت فی ایمانها خیراً

آیه۱۵۹

آیه۱۵۹

۱۵۹- إِنَّ الَّذِینَ فَرَّقُواْ دِینَهُمْ وَکَانُواْ شِیَعاً لَسْتَ مِنْهُمْ فِی شَیْءٍ إِنَّمَآ اءَمْرُهُمْ إِلَی اللّهِ ثُمَّ یُنَبِّئُهُم بِمَا کَانُواْ یَفْعَلُونَ

(ای پیامبر !) تو را با کسانی که دین خود را پراکنـده ساخته و گروه گروه شدند ، هیچ گونه ارتباطی نیست . (تو مسـئول آنان نیستی و) سرنوشت کارشان تنها با خداست ، آنگاه او آنان را به عملکردشان آگاه خواهد کرد .

نکته ها

O تفرقه افکنی در دین ، یعنی بـدعت گـذاری و تفسـیر دین به راءی خود که در قرآن و حدیث ، شدیدترین تعبیرات ، درباره این گونه کسان آمده است . به برخی از این نمونه ها توجّه کنید :

قرآن می گوید : وای بر آنان که با دست خود مطلبی می نویسند ، سپس می گویند : این از طرف خداوند است . (۲۹۱)

علی علیه السـلام می فرمایـد : هرگـاه بـدعتی آیـد ، سنّتی می رود . (۲۹۲) و یکی از وظـایف انبیـا و علمـا ، بـدعت زدایی و جلوگیری از تحریف هاست . (۲۹۳)

در روایات آمده است : توبه ی صاحب بدعت ، پذیرفته نمی شود . (۲۹۴)

خداوند ، هیچ عملی را از بدعتگذار قبول نمی کند . (۲۹۵)

کسی که به بدعتگذار احترام گذارد یا لبخندی بزند ، در فروپاشی دین گام برداشته است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هرگاه در میان امّتم اختلاف شد ، هر کس طبق سنّت و گفته من عمل کند و سراغ راه و روش دیگران نرود ، پاداش صد شهید خواهد داشت . (۲۹۶)

در قرآن ، بارها از یهود ، به خاطر تحریف هایی که علمایشان در دین پدید

آوردند انتقاد شده است . درباره حضرت موسی علیه السلام هم می خوانیم : وقتی از کوه طور برگشت و انحراف و گوساله پرستی قوم خود را دید ، از فرط ناراحتی الواح تورات را بر زمین افکند و ریش برادرش را که جانشین او بود گرفت و گفت : چرا امّتم منحرف شدند ؟ هارون در پاسخ گفت : ترسیدم اگر برای جلوگیری از انحرافشان شدّت عمل به خرج دهم ، مردم متفرّق شوند و تو بگویی چرا مردم فرقه فرقه شدند (تفرقه ای که با بازگشت تو هم قابل اصلاح نباشد) .

این آیات و روایات ، مسئولیّت سنگین دین شناسان را در حفظ اصالت مکتب و مقابله با انحرافات فکری ، در عین حفظ وحدت اجتماعی امّت ، بیان می کند .

پیام ها

۱- میان معارف دینی تفاوتی نیست ، باید به همه ایمان داشت و عمل کرد ، نه فقط بعضی . انّ الّذین فرّقوا دینهم

۲- از عوامل تفرقه و جدایی ، تغییر و تحریف در مکتب است . انّ الّذین فرّقوا دینهم و کانوا شیعا

۳- با آنان که مجموعه ی مکتب اسلام را قبول ندارند ، نباید همکاری کرد آنان از امّت محمّد محسوب نخواهند شد . لستَ منهم فی شی ء آنان مورد تهدید خداوند هستند . انّما امرهم الی اللّه

۴- تفرقه افکنی در دین ، نوعی شرک است . فرّقوا دینهم . . . لستَ منهم فی شی ء در آیات ۳۲ و ۳۳ روم آمده است . ولا تکونوا من المشرکین . من الّذین فرّقوا دینهم از مشرکین نباشید همان کسانی که در دین خود تفرقه به وجود آوردند

.

آیه۱۶۰

آیه۱۶۰

۱۶۰- مَن جَآءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ اءَمْثَالِهَا وَمَن جَآءَ بِالسَّيِّئَهِ فَلَا يُجْزَىَّ إِلا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

هرکه نیکی آورد ، پس برای او پاداشی ده برابر آن است وهرکه بدی آورد ، جز مانند آن کیفر نخواهد دید و به آنان هرگز ستم نخواهد شد .

نکته ها

O از کلمه ی جاء استفاده می شود که پاداش و کیفر مورد بحث در این آیه ، مربوط به دادگاه قیامت است . وگرنه چه بسا خلافی که با توبه محو یا به نیکی تبدیل شود . یبدّل اللّه سیّئاتهم حَسنات (۲۹۷) ، یا مورد عفو قرار می گیرد . یَعفُو عن کثیر(۲۹۸) ، و چه بسا نیکی ها که با ریا و عُجب و گناهان دیگر محو و حبط شود . پس عملی ملاک است که به صحنه ی قیامت آورده شود . جاء بالحسنه . . . جاءبالسیّئه

گرچه آیه ی مربوط به عمل نیک و بد است ، ولی طبق روایت ، آنکه نیّت خیر کند پاداش دارد ولی نیّت سوء تا به مرحله عمل نرسد ، کیفر ندارد واین فضل الهی است .

O در روایات آمده است : هر که در ماه ، سه روز روزه بگیرد ، گویا همه ی ماه را روزه گرفته است ، زیرا هر روزش ده روز حساب می شود . عشر اءمثالها

O پاداش ده برابر ، حداقلّ است . بعضی اعمال ، در بعضی شرایط و برای بعضی افراد ، پاداش تا هفتصد برابر بلکه پاداش بی حساب هم دارد .

O از ده پاداش الهی ، فقط یک قسمت مزد است و نُه قسمت دیگر فضل . فیوَفِّیهم اُجورهم

و یزیدهم من فضله (۲۹۹)

O سؤ ال : اگر کیفر گنهکار ، به اندازه ی گناه اوست ، پس چرا یک روز روزه خوردن ، شصت روز روزه کفّاره دارد ؟

پاسخ : مقصود از مثل در آیه ، از نظر عـدد نیست ، بلکه کیفیّت و چگونگی است . اهمیّت یك روز ، روزه ماه رمضان ، برابر با ۶۰ روز در غیر مـاه رمضـان است . مثـل شب قـدر که در اهمیّت ، بیش از هزار مـاه است . این بیـان اهمیّت است ، نه برتری عددی .

پیام ها

۱- در شیوه ی تربیتی اسلام ، تشویق ده برابر تنبیه است . عشر امثالها

۲- تشویقِ چند برابر ، ظلم نیست ولی کیفر بیش از حد ظلم است . فلایجزی الا مثلها و هم لایظلمون

۳- خداوند ، در پاداش با فضل خود رفتار می کند ، ولی در کیفر ، با عدل . عشر اءمثالها . . . الاّ مثلها

۴- عمل انسان همیشه و همه جا همراه انسان است . من جاء بالحسنه . . . و من جاء بالسیّئه

آیه۱۶۱

آیه۱۶۱

۱۶۱- قُلْ إِنَّنِی هَدَینِی رَبِّیَ إِلَی صِرَ طٍ مُسْتَقِیمٍ دِیناً قِیَماً مِلَّهَ إِبْرَهِیمَ حَنِیفاً وَمَا کَانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ

بگـو : همانـا پروردگـارم مرا بـه راهی راسـت هـدایت کرده ، دینی اسـتوار کـه همـان آیین حقّ گرای ابراهیمی است ، و او از مشرکان نبود .

نکته ها

O کلمه ی قِیَم و قیّم ، به معنای راستی ، استواری و پایداری است ، آری ، دینی استوار و جاوید می ماند که به مسائل مادی و معنوی این جهان و آن جهان مردم توجّه کند .

O امام حسین علیه السلام فرمود : هیچ کس جز ما و شیعیان ما ، پیرو آیین ابراهیم علیه السلام نیست . (۳۰۰)

پیام ها

۱- سخنان و تعالیم پیامبر ، نظر شخصی او نیست ، بلکه متن وحی الهی است ، که باید به مردم اعلام کند . قل

۲- راه مستقیم ، راه پیامبر است . هدانی ربّی الی صراط مستقیم

۳- هدایت ، تنها کار خداست ، انبیا هم با هدایت الهی راه مستقیم را پیدا می کنند . هدانی ربّی

۴- هدایت ، از شئون ربوبیّت است . هدانی ربّی

۵- راه ابراهیم علیه السلام ، همان یکتاپرستی است ، نه افکار شرک آلود . حنیفاً و ما کان من المشرکین (مشرکان ، عقائد انحرافی خود را به ابراهیم علیه السلام نسبت می دادند)

۶- بت شکنی و اعراض از شرک ، تنها کار پیامبر اسلام نیست ، بلکه او به پیروی از حضرت ابراهیم چنین می کرده است . ملّه ابراهیم حنیفاً

۷- اساس ادیان توحیدی در طول تاریخ ، یکی بوده است . اسلام ، همان آیین حضرت ابراهیم است و تنفّر از شرک ، راه همه ی پیامبران می باشد . قل انّنی . . . ملّه ابیکم ابراهیم و ما کان من المشرکین

آیه۱۶۲

۱۶۲- قُلْ إِنَّ صَلاَتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِینَ

بگو : همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند ، پروردگار جهانیان است .

آیه۱۶۳

آیه۱۶۳

۱۶۳- لاَ شَرِیکَ لَهُ وَبِذَلِکَ اءُمِرْتُ وَاءَنَاْ اءَوَّلُ الْمُسْلِمِینَ

شریکی برای او نیست و به آن (روح تسلیم و خلوص و عبودیّت) ماءمور شده ام و من نخستین مسلمان و تسلیم پرودرگارم .

نکته ها

O روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه ی نماز این آیات را می خواند . (۳۰۱)

O مرگ ، بر حیات احاطه دارد و حیات بر نُسُک ، و نُسُک بر نماز . بنابراین ، نماز ، هسته ی مرکزی در درون عبادات است .

O اسلام ، به معنای تسلیم بودن در برابر امر خداوند است و به همه ی انبیا نسبت داده شده است . حضرت نوح علیه السلام خود را مسلمان دانسته است ، اُمرت اَن اکون من المسلمین (۳۰۲) حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند می خواهد که او و ذریّه اش را تسلیم او قرار دهد . و اجعلنا مسلمین لک و من ذریّتنا اُمّه مسلمه لک (۳۰۳) ، حضرت یوسف علیه السلام نیز از خداوند مسلمان مردن را درخواست می کند : توفّنی مسلما(۳۰۴) و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز اوّلین مسلمان است ، و انا اوّل المسلمین به این معنا که یا در زمان خودش ، یا در رتبه و مقام تسلیم ، مقدّم بر همه است .

پیام ها

۱- راه و روش و هدف خود را در برابر راههای انحرافی ، با صراحت و افتخار اعلام کنیم . قل

۲- با آنکه نماز ، جزو عبادات است ، ولی ، جدا ذکر شده تا اهمیّت آن را نشان دهد . صلاتی و نُسُکی

۳- انسان های مخلص ، مسیر تکوینی (مرگ و حیات) و مسیر تشریعی خود (نماز و نُسُک) را فقط برای خداوند عالمیان می دانند . انّ صلاتی و نُسُکی و محیای و مماتی للّه

۴- آنگونه که در نماز

قصد قربت می کنیم ، در هر نفس کشیدن و زنده بودن و مردن هم می توان قصد قربت کرد . محیای و مماتی للّه . . .

۵- مرگ و حیات مهم نیست ، مهم آن است که آنها برای خدا و در راه خدا باشد . محیای و مماتی للّه

۶- آنچه برای خدا باشد ، رشد می کند . للّه ربّ العالمین

۷- مرگ و زندگی دست ما نیست ، ولی جهت دادن به آن دست ماست . للّه

۸- اخلاص در کارها ، فرمان الهی است . بذلك امرت

۹- پیشوای جامعه ، باید در پیمودن راه و پیاده کردن فرمان الهی ، پیشگام باشد . اوّل المسلین

آیه۱۶۴

آیه۱۶۴

۱۶۴- قُلْ اءَغَيْرَ اللّهِ اءَبْغِى رَبّاً وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَىْءٍ وَلاَ تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلاَّ عَلَيْهَا وَلاَ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اءُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُم مَرجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُم فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

بگو : آیا جز خداوند یکتا پروردگاری بجویم ؟ در حالی که او پروردگار هر چیز است و هیچ کس (کار بدی) جز به زیان خویش نمی کند و هیچ کس بار (گناه) دیگری را بر دوش نمی کشد ، بازگشت شما به سوی پروردگارتان است که شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید ، آگاه می کند .

نکته ها

O موضوع عدل الهی در کیفر و اینکه هیچ کس گناه دیگری را به دوش نمی کشد ، نه تنها در اسلام ، بلکه به تصریح قرآن ، در صُحُف ابراهیم وموسی ۸ نیز آمده است . ام لم یُنبّاء بما فی صُحُف موسی . وابراهیم الّذی وَفّی . اءلاّ تَزِرُ وازِره وِزرَ اُخری (۳۰۵)

O سؤ ال : اگر کسی گناه دیگران را بر دوش نمی کشد ، پس آنچه در قرآن آمده است که رهبران گمراه و منحرف ، گناهان پیروان را هم به عهده می گیرند چیست ؟ لیحملوا اءوزارهم کامله یوم القیامه و من اءوزار الّذین یضلّونهم بغیر علم (۳۰۶)

پاسخ : این امر بی دلیل نیست ، زیرا سرانِ گمراهی ، سبب انحراف دیگران شده اند و در واقع ، گناهِ گمراه کردن و اضلال را به دوش می گیرند .

O زن حامله ای که مرتکب زنا شده بود را برای مجازات نزد عمر آوردند و او دستور سنگسار داد . حضرت علی علیه السلام فرمود : گناه طفل در

رحم مادر چیست ؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود : لاتزر وازره وزر اُخری (۳۰۷)

پیام ها

۱- در برخورد با منکران و مشرکان ، موضع بر حقّ خود را قاطعانه اعلام کنیم . قل اءغیر اللّه

۲- وجدان بیدار ، بهترین پاسخ دهنده به سؤ الات درونی است . اءغیر اللّه اءبغی

۳- چون خداوند ، یگانه پروردگار همه ی هستی است ، پروردگار من هم هست . و هو ربّ کلّ شی ء

۴- کفر و شرک و نیکی و فساد مردم ، ضرری به خدا نمی زند ، بلکه دامنگیر خودشان می شود . لاـ تکسب کلّ نفس الاّ علیها

۵- در پیشگاه خداوند مسئولیّت عمل هر کس ، بر عهده ی خود اوست . لا تزر وازره وزر اُخری

۶- برپایی قیامت و بازخواست انسان ، پرتویی از ربوبیّت خداوند است . ثمّ الی ربّکم مرجعکم

۷- دنیا نیز پایانی دارد ، ثمّ الی ربّکم مرجعکم و سرانجام به حقّانیت آنچه لجوجانه با آن مخالفت کرده ایم ، آگاه خواهیم شد . فیتبئکم بما کنتم فیه تختلفون

آیه۱۶۵

آیه۱۶۵

۱۶۵- وَهُوَ الَّذِی جَعَلَکُمْ خَلَّئِفَ الاَْرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَ تٍ لِیَبْلُوَکُمْ فِی مَآءَاتَکُمْ إِنَّ رَبَّکَ سَرِیعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِیمُ

و اوست که شما را جانشینان (یکدیگر در) زمین قرار داد و درجات بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده ، بیازماید . همانا پروردگارت زود کیفر است والبتّه او حتما آمرزنده ومهربان است .

نکته ها

O سوره ی انعام با حمد الهی آغاز شد الحمد للّه الّذی خلق . . . و با رحمت الهی پایان می پذیرد . انّه لغفور رحیم

O منظور از خلائف الارض ، یا جانشیان خدا در زمین هستند و یا جانشینی انسان امروز از امّت های پیشین .

پیام ها

۱- انسان ، خلیفه ی خدا و امیر زمین است ، نه اسیر هستی . و هو الّذی جعلکم خلائف الارض

۲- تفـاوت هـای مردم و آزمایشـات الهی ، حکیمانه و در مسـیر رشـد و تربیت انسان است و از ربوبیّت خداونـد سرچشـمه می گیرد . و هو ربّ کلّ شی ء . . . رفع بعضکم فوق بعض . . .

۳- تفاوت و برتری بعضی در داده های خداوند ، ملاک برتری نیست ، وسیله ی آزمایش است . لیبلوکم فی ما آتاکم

۴- آنچه را در اختیار داریم ، از خدا بدانیم . فی ما آتاکم

۵- معیار و مقدار آزمایش هر کس ، به میزان داده ها و امکانات اوست . لیبلوکم فی ما آتاکم

۶- پس از آزمایش ، خداوند نسبت به مردودین سریع العقاب است و نسبت به قبول شدگان غفور رحیم .

۷- بیم و امید باید در کنار هم باشد . سریع العقاب . . . لغفور رحیم

الحمد للّه ربّ العالمین

پی نوشتها۸۶۹

۱- تفسیر اطیب البیان .

۲- اَوِستای فعلی ، اهریمن را خدای ظلمات و اهورا مزدا را خدای نور دانسته و میان آن دو تضادّ قائل است . تفسیر الکاشف .

۳- تفسیر نورالثقلین .

۴- تفسیر عیّاشی ؛ بحار، ج ۹، ص ۳۵۵.

۵- مستدرک الوسائل ، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۶- کافی ، ج ۱، ص ۱۴۷.

۷- فاطر، ۱۱.

۸- تفسیر نورالثقلین ؛ توحید صدوق ، ص ۱۳۳.

۹- اگر علم خداوند نسبت به آشکار و نهان آدمی تفاوت داشت ، جمله ی یعلم تکرار می شد و می فرمود: یعلم سرّکم و یعلم جهرکم

۱۰- تفسیر مراغی .

۱۱- اقرب الموارد.

۱۲- تفاسیر المیزان وکبیرفخررازی .

۱۳- تفسیر مجمع البیان

ذیل آیه ۵۲ سوره هود.

۱۴- حج ، ۴۱.

۱۵- سباء، ۳۵.

۱۶- علق ، ۶ ۷.

۱۷- تفاسیر کبیر فخررازی و نورالثقلین .

۱۸- فرقان ، ۷.

۱۹- مؤ منون ، ۳۴.

۲۰- تفسیر مراغی .

۲۱- تفسیر نمونه .

۲۲- لیل ، ۱۲.

۲۳- هود، ۶.

۲۴- انعام ، ۱۲.

۲۵- مجادله ، ۳۱.

۲۶- کنزالعمّال ، ج ۳، ص ۱۶۲ وتفسیر فی ظلال القرآن .

۲۷- تفسیر فی ظلال القرآن .

۲۸- اعراف ، ۱۵۶.

۲۹- شوری ، ۲۸.

۳۰- اعراف ، ۵۷.

۳۱- قصص ، ۷۳.

۳۲- انبیا، ۱۰۷.

۳۳- جاثیه ، ۲۰.

۳۴- هود، ۱۷.

۳۵- اعراف ، ۷۲.

۳۶- روم ، ۲۱.

۳۷- روم ، ۵۰.

۳۸- زمر، ۵۳.

۳۹- تفاسیر مجمع البیان و نورالثقلین .

۴۰- نهج البلاغه ، نامه ۳۱.

۴۱- تفسیر درّالمنثور.

۴۲- تفسیر صافی .

۴۳- فاطر، ۲۳.

۴۴- عنکبوت ، ۵۰.

۴۵- تفسیر عیّاشی .

۴۶- کافی ، ج ۱، ص ۴۱۶.

۴۷- فتح ، ۲۹.

۴۸- مفاتیح الجنان .

۴۹- کافی ، ج ۱، ص ۶۷.

۵۰- تفسیر مجمع البیان .

۵۱- لسان العرب .

۵۲- مجادله ، ۱۸.

۵۳- تفسیر کنزالدّقائق .

۵۴- تفسیر عیّاشی .

۵۵- صف ، ۵.

۵۶- لسان العرب .

۵۷- الغدیر، ج ۷ و۸ ؛ الصحیح من السیره ، ج ۱، ص ۱۳۴۱۴۲.

۵۸- مؤ منون ، ۱۰۰.

۵۹- مؤ منون ، ۱۰۷.

۶۰- جاثیه ، ۳۳.

۶۱- زمر، ۴۸.

۶۲- طه ، ۱۳۱.

۶۳- مؤ منون ، ۱۰۰.

۶۴- انفال ، ۲۴.

۶۵- بقره ، ۱۷۹.

۶۶- نحل ، ۹۷.

۶۷- یونس ، ۱۸.

۶۸- تفسیرالمیزان .

۶۹- تفسیر اطیب البیان .

۷۰- تفسیر نورالثقلین .

۷۱- مفردات راغب .

۷۲- تفسیر عیّاشی .

۷۳- صافّات ، ۱۷۱ ۱۷۳.

۷۴- مجادله ، ۲۱.

۷۵- روم ، ۴۷.

۷۶- غافر، ۵۱.

۷۷- حج ، ۴۰.

۷۸- اسراء، ۹۰.

۷۹- اسراء، ۹۳.

۸۰- تفسیر مجمع البیان .

۸۱- انعام ، ۱۱۱.

۸۲- جاثیه ، ۴.

۸۳- تفسیر مراغی .

۸۴- نحل ، ۸۹.

۸۵- هود، ۶.

۸۶- نساء، ۱۱۴.

۸۷- نساء، ۵.

۸۸-

مائده ، ۱۰۱ ؛ تفسیر نورالثقلین .

۸۹- نمل ، ۱۸.

۹۰- نمل ، ۲۲.

۹۱- نمل ، ۲۲ ۲۶.

۹۲- اسراء، ۴۴.

۹۳- نحل ، ۴۹.

۹۴- نمل ، ۱۷.

۹۵- نمل ، ۱۶.

۹۶- تکویر، ۵.

۹۷- نور، ۴۱.

۹۸- تفسیر قرطبی .

۹۹- عنکبوت ، ۶۹.

۱۰۰- ابراهیم ، ۲۷.

۱۰۱- انعام ، ۲۳.

۱۰۲- تفاسیر صافی و نورالثقلین .

۱۰۳- تفسیر المیزان .

۱۰۴- بقره ، ۲۱۶.

۱۰۵- نهج البلاغه ، حکمت ۲۵.

۱۰۶- تفسیر مجمع البیان .

۱۰۷- تفسیر عیّاشی .

۱۰۸- معانی الاخبار، ص ۲۵۲.

۱۰۹- حاقّه ، ۸ .

۱۱۰- واقعه ، ۶۵.

۱۱۱- واقعه ، ۷۰.

۱۱۲- ملک ، ۳۰.

۱۱۳- قصص ، ۷۱ ۷۲.

۱۱۴- انعام ، ۴۶.

۱۱۵- تفسیر نورالثقلین .

۱۱۶- یونس ، ۲۴ ؛ تفسیر روح المعانی .

۱۱۷- احقاف ، ۲۴ ؛ تفسیر اطیب البیان .

۱۱۸- انفال ، ۲۵.

۱۱۹- هود، ۳۱.

۱۲۰- یس ، ۱۱.

۱۲۱- فاطر، ۱۸.

۱۲۲- تفسیر المیزان .

۱۲۳- قمر، ۲۵.

۱۲۴- زخرف ، ۳۱.

۱۲۵- تفسیر اطیب البیان .

۱۲۶- انفال ، ۳۲.

۱۲۷- اعراف ، ۷۰ و ۷۷ ؛ هود، ۳۲.

۱۲۸- تفسیر المیزان .

۱۲۹- یس ، ۱۲.

۱۳۰- تفسیر فی ظلال القرآن .

۱۳۱- تفسیر المیزان .

۱۳۲- رعد، ۱۱.

۱۳۳- زخرف ، ۸۰.

۱۳۴- تحریم ، ۶.

۱۳۵- تفاسیر مجمع البیان و نورالثقلین .

۱۳۶- نهج البلاغه ، کلام ۳۰۰.

۱۳۷- تفسیر اطیب البیان .

۱۳۸- تفسیر نورالثقلین .

۱۳۹- تفسیر نورالثقلین .

۱۴۰- انعام ، ۱۰۷.

۱۴۱- غاشیه ، ۲۲.

۱۴۲- ق ، ۴۵.

۱۴۳- مائده ، ۹۹.

۱۴۴- یونس ، ۹۹.

۱۴۵- بقره ، ۲۵۶.

۱۴۶- فاطر، ۲۳.

۱۴۷- تفسیر مجمع البیان .

۱۴۸- زمر، ۶۵.

۱۴۹- حاقّه ، ۴۴.

۱۵۰- تفسیر نورالثقلین .

۱۵۱- وسائل ، ج ۱۶، ص ۲۶۶.

۱۵۲- وسائل ، ج ۱۶، ص ۳۶۵.

۱۵۳- شاید بتوان برای تحریم کتب و برنامه های ضالّه ، به این آیه استناد کرد.

۱۵۴- تفسیر نورالثقلین .

۱۵۵- سجده ، ۳۰.

۱۵۶- حجر، ۳.

۱۵۷- نحل ،

.۱۲۷

۱۵۸- یوسف ، ۳۹.

۱۵۹- معانی الاخبار، ص ۱۴۶.

۱۶۰- ص ، ۲۷.

۱۶۱- بقره ، ۱۳۳.

۱۶۲- بحار، ج ۱۶، ص ۳۶۴.

۱۶۳- ابراهیم ، ۴۱.

۱۶۴- تفسیر المیزان .

۱۶۵- توبه ، ۱۱۴.

۱۶۶- توبه ، ۱۱۴.

۱۶۷- تفسیر المیزان .

۱۶۸- تفسیر اطیب البیان .

۱۶۹- قاموس ، معجم الوسیط.

۱۷۰- تفسیر روح المعانی .

۱۷۱- تفسیر نورالثقلین .

۱۷۲- تفسیر المیزان .

۱۷۳- تفسیر نمونه .

۱۷۴- تفسیر نورالثقلین .

۱۷۵- تفسیر المیزان .

۱۷۶- تفسیر اطیب البیان .

۱۷۷- تفسیر نمونه .

۱۷۸- تفسیر نورالثقلین .

۱۷۹- تفسیر نورالثقلین ؛ کافی ، ج ۲، ص ۳۹۹.

۱۸۰- تفسیر راهنما.

۱۸۱- بحار، ج ۲۳، ص ۳۶۷.

۱۸۲- تفسیر المیزان .

۱۸۳- تفسیر نورالثقلین .

۱۸۴- تفسیر نمونه .

۱۸۵- تفسیر نمونه .

۱۸۶- غیبت نعمانی ، ص ۳۱۶.

۱۸۷- تفسیر مراغی .

۱۸۸- تفسیر نورالثقلین .

۱۸۹- تفسیر عیّاشی .

۱۹۰- انفال ، ۳۱.

۱۹۱- تفسیر نورالثقلین ؛ کافی ، ج ۲، ص ۵.

۱۹۲- تفسیر نورالثقلین .

۱۹۳- تفسیر نورالثقلین .

۱۹۴- شاید از اینکه ماه و خورشید، وسیله ی حساب در این آیه شمرده شده ، بتوان استفاده کرد که هم سال شمسی معتبر است ، هم سال قمری . و شاید رمز حساب ونظم دقیق یک پارچه باشد، نظیر زید عدل که زید را به تمامه عادل می داند.

۱۹۵- تفسیر کنزالدقائق .

۱۹۶- تفسیر نورالثقلین .

۱۹۷- تفسیر نمونه .

۱۹۸- توبه ، ۳۰.

۱۹۹- صافّات ، ۱۵۸.

۲۰۰- اعراف ، ۵۴.

۲۰۱- مفردات راغب .

۲۰۲- تفسیر برهان .

۲۰۳- اعراف ، ۱۴۳.

۲۰۴- قیامت ، ۲۳.

۲۰۵- تفسیرالمنار.

۲۰۶- تفسیر صافی .

۲۰۷- بقره ، ۲۸۶.

۲۰۸- فصّلت ، ۴۶.

۲۰۹- اسراء، ۷.

۲۱۰- نحل ، ۱۰۳.

۲۱۱- فرقان ، ۴.

۲۱۲- فرقان ، ۶۳.

۲۱۳- حجر، ۳.

۲۱۴- آل عمران ، ۱۷۳.

۲۱۵- مائده ، ۴۲.

۲۱۶- توبه ، ۷۳.

۲۱۷- بقره ، ۱۹۴.

۲۱۸- انعام ، ۴۳.

۲۱۹- نهج البلاغه ، کلام ۲۰۶.

۲۲۰- تفسیر

المیزان .

۲۲۱- هود، ۱۸.

۲۲۲- توبه ، ۱.

۲۲۳- تفسیر مجمع البیان .

۲۲۴- تفاسیر مجمع البیان و نمونه .

۲۲۵- ناس ، ۵.

۲۲۶- اسراء، ۲۷.

۲۲۷- تفاسیر نمونه و المنار.

۲۲۸- بقره ، ۱۴۶ ؛ انعام ، ۲۰.

۲۲۹- اعراف ، ۱۳۷.

۲۳۰- نساء، ۱۷۱.

۲۳۱- بحار، ج ۲۴، ص ۱۷۴.

۲۳۲- نساء، ۸۷.

۲۳۳- تفسیر نمونه .

۲۳۴- تفسیر اطیب البیان .

۲۳۵- این بیان تفصیلی ، اشاره به آیه ۱۱۵ سوره ی نحل است . تفسیر المیزان .

۲۳۶- تفسیر المیزان .

۲۳۷- بقره ، ۲۸.

۲۳۸- فاطر، ۹.

۲۳۹- بقره ، ۲۴۳.

۲۴۰- زمر، ۳۰.

۲۴۱- تفسیر المیزان .

۲۴۲- تفسیر المیزان .

۲۴۳- مفاتیح الجنان .

۲۴۴- تفسیر کنزالدقائق .

۲۴۵- طه ، ۲۵.

۲۴۶- شراح ، ۱.

۲۴۷- یس ، ۶۲.

۲۴۸- تفسیر اطیب البیان .

۲۴۹- تفسیر کشف الاسرار.

۲۵۰- آیات اوّل سوره ی جنّ و آیه ۲۸ سوره ی احقاف .

۲۵۱- حج ، ۷۵.

۲۵۲- شعراء، ۲۰۸.

۲۵۳- اسراء، ۱۵.

۲۵۴- فاطر، ۱۵.

۲۵۵- نجم ، ۲۱.

۲۵۶- واقعه ، ۶۴.

۲۵۷- نحل ، ۵۹.

۲۵۸- اسراء، ۳۱.

۲۵۹- فجر، ۵.

۲۶۰- غافر، ۷۹.

۲۶۱- تفسیر نمونه .

۲۶۲- تفسیر نورالثقلین .

۲۶۳- فرقان ، ۶۷.

۲۶۴- بحار، ج ۹۳، ص ۹۶.

۲۶۵- برهان ، ج ۱، ص ۵۵۷.

۲۶۶- کافی ، ج ۳، ص ۵۶۵.

۲۶۷- تفسیر برهان ، ج ۱، ص ۵۵۸.

۲۶۸- انعام ، ۱۴۵ ونحل ، ۱۱۵.

۲۶۹- بقره ، ۱۷۳ و مائده ، ۳.

۲۷۰- تفسیر نمونه .

۲۷۱- تورات ، سِفر لاویان ، فصل ۱۱.

۲۷۲- تفسیر نمونه .

۲۷۳- آل عمران ، ۹۳.

۲۷۴- آل عمران ، ۵۰.

۲۷۵- نحل ، ۳۵.

۲۷۶- حجر، ۳۹.

۲۷۷- تفسیر نورالثقلین .

۲۷۸- بقره ، ۸۳، نساء، ۳۶، انعام ، ۱۵۱ و اسراء، ۲۳.

۲۷۹- کافی ، ج ۲، ص ۱۵۷؛ بحار، ج ۷۱، ص ۳۹.

۲۸۰- مؤ منون ، ۱۴.

۲۸۱- تین ، ۴.

۲۸۲- زمر، ۲۳.

۲۸۳- هود، ۷.

۲۸۴- انعام ،

.۱۵۲

۲۸۵- نحل ، ۱۲۵.

۲۸۶- زمر، ۱۸.

۲۸۷- مؤ منون ، ۹۶.

۲۸۸- تفسیر مراغی .

۲۸۹- تفسیر نورالثقلین .

۲۹۰- هود، ۱۷.

۲۹۱- بقره ، ۷۹.

۲۹۲- بحار، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲۹۳- الحیاه ، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲۹۴- بحار، ج ۷۲، ص ۲۱۶.

۲۹۵- کنزالعمّال ، حدیث ۱۱۱۵.

۲۹۶- بحار، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲۹۷- فرقان ، ۷۰.

۲۹۸- مائده ، ۱۵.

۲۹۹- نساء، ۱۷۳.

۳۰۰- تفسیر نورلثقلین .

۳۰۱- تفسیر قرطبی .

۳۰۲- یونس ، ۷۲.

۳۰۳- بقره ، ۱۲۸.

۳۰۴- یوف ، ۱۰۱.

۳۰۵- نجم ، ۳۷ ۳۸.

۳۰۶- نحل ، ۲۵.

۳۰۷- بحار، ج ۷۶، ص ۴۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹